

مرد ناآثیرگذار در تاریخ

میشل اچ هارت

نویسنده:

آبوشاکر مسلم

تعليقات:



Ketabton.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان کتاب: ۱۰۰ مرد تأثیر گذار در تاریخ

نویسنده: میشل اچ هارت

مترجم: دکتر محمد حسین آهویی

تعلیقات: أبوشاکرمسلم

سال انتشار: ۱۳۹۹

<https://t.me/QuraanWasonnatt>

منبع:

المستقیم مؤسست

چاپ و نشر این کتاب ، برای هر مسلمان آزاد است

صفحه	فهرست مطالب
۱۰.....	مقدمه:
۱۲.....	مختصری در مورد مؤلف و کتابش:
۱۴.....	محمد بن عبدالله ﷺ:
۱۶.....	سر اسحاق نیوتن:
۱۷.....	عیسی مسیح:
۲۲.....	بودا:
۲۳.....	کنفوسیوس:
۲۴.....	پولس (بولس):
۲۵.....	تساوی لون (سای لون):
۲۶.....	یوهانس گوتنبرگ:
۲۸.....	کریستف کلمب:
۲۹.....	آلبرت آین اشتاین (انیشتین):
۳۱.....	لویی پاستور:
۳۲.....	گالیلئو گالیله:
۳۴.....	ارسطو:
۳۶.....	اقلیدس:
۳۶.....	موسی:
۳۹.....	چارلز رابرت داروین:

- چین شی هوان: ۴۰
- گایوس اکتاویوس تورینوس: ۴۱
- نیکلاس کپرنیک: ۴۲
- آنتوان لوران لاووازیه: ۴۳
- کنستانتین یکم یا کنستانتین بزرگ: ۴۴
- جیمز وات: ۴۵
- مایکل فارادی: ۴۷
- جیمز کلرک ماکسول: ۴۸
- مارتین لوتر کینگ جونیور: ۴۹
- جرج واشینگتن: ۵۰
- کارل هاینریش مارکس: ۵۱
- برادران رایت، ارویل رایت: ۵۲
- چنگیز خان مغول: ۵۳
- آدام اسمیت: ۵۴
- ویلیام شکسپیر: ۵۵
- جان دالتون: ۵۸
- اسکندر سوم مقدونیه: ۵۸
- ناپلئون یکم یا ناپلئون بناپارت: ۵۹
- توماس آلو ادیسون: ۶۰

-
- آنتونی فیلیپس فان لیوونھوک: ۶۱.....
- ویلیام مورتون: ۶۲.....
- گولیلمو مارکونی: ۶۲.....
- آدولف هیتلر: ۶۴.....
- آریستوکلس (افلاطون یا پلاتون): ۶۶.....
- الیور کرامول: ۶۷.....
- الکساندر گراهام بل: ۶۷.....
- الکساندر فلمینگ کاشف پنی سیلین: ۶۸.....
- جان لاک: ۶۹.....
- لودویگ فان بتهوون: ۷۰.....
- ورنر کارل هایزنبرگ: ۷۰.....
- لویی ژاک: ۷۱.....
- سیمون بولیوار: ۷۲.....
- رنه دکارت: ۷۴.....
- میکل آنژ: ۷۵.....
- پاپ اوربان دوم: ۷۶.....
- أبو حفص عمر بن الخطاب العدوی القرشی: ۷۷.....
- آشوکا شاه: ۸۵.....
- اوگوستین قدیس: ۸۶.....

- ۸۸..... ویلیام هاروی:
- ۸۹..... ارنست رادرفورد:
- ۸۹..... ژان کالون:
- ۹۰..... یوهان گرگور مندل:
- ۹۱..... ماکس پلانک:
- ۹۱..... جوزف لیستر:
- ۹۳..... نیکلاوس آوگوست اتو:
- ۹۴..... فرانسیسکو پیزارو:
- ۹۵..... ارنان کورتز یا هرنان کورتس:
- ۹۶..... توماس جفرسون:
- ۹۶..... ایزابلا یکم:
- ۹۷..... ژوزف استالین:
- ۹۸..... ژولیوس سزار:
- ۹۹..... ویلیام فاتح:
- ۱۰۰..... زیگموند شلومو فروید:
- ۱۰۲..... ادوارد جنر:
- ۱۰۳..... ویلهلم کنراد رونتگن:
- ۱۰۳..... یوهان سباستیان باخ:
- ۱۰۵..... لائوتسه:

-
- ولتر: ۱۰۶
- يوهانس كپلر: ۱۰۷
- انريكو فرمی: ۱۰۷
- لئونارد اویلر: ۱۰۸
- ژان-ژاک روسو: ۱۰۹
- نيكولو برناردو ماکياولی: ۱۱۰
- توماس رابرت مالتوس: ۱۱۲
- جان فيتزجرالد كندی: ۱۱۳
- گرگوري گودوين پينكوس: ۱۱۳
- مانی: ۱۱۴
- ولاد ميرلنن: ۱۱۵
- امپراطور ون سو: ۱۱۸
- واسكو دو گاما: ۱۱۸
- كوروش بزرگ يا كوروش كبير: ۱۱۹
- پتر كبير: ۱۲۱
- مائو تسه تونگ: ۱۲۲
- فرانسیس بیکن: ۱۲۳
- هنری فورد: ۱۲۴
- منسیوس: ۱۲۵

- زرتشت: ۱۲۵
- ملکه الیزابت یکم: ۱۳۱
- میخائیل سرگئیویچ گورباچف: ۱۳۲
- منس: ۱۳۳
- شارلمانی یا کارل بزرگ یا کارلوس ماگنوس: ۱۳۵
- هومر: ۱۳۶
- ژوستینین یکم: ۱۳۷
- مهاویرا: ۱۳۷
- خواهش ما از شما عزیزان: ۱۳۹

مقدمه:

الحمد لله الذي هدانا للإسلام وجعلنا مسلمين ،
والحمد لله الذي جعل من عقيدتنا حب الأنبياء و
المرسلين جميعا والحمد لله الذي جعل حب الصحابة
سمته نمتاز بها، قال تعالى: ﴿فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقُّ إِلَّا
الضَّلَالُ﴾ اما بعد:

بنده از یک طرف مصروف درسهای ماستری هستم، واز سوی اسلام
ستیزان در تلاش تخریب چهره اسلام و به خصوص از محمد رسول الله
ﷺ هستند، آنان می خواهند از پیامبر اسلام چیزی وانمود کنند که گویا
تمام دریدری ها و کشمکش های کنونی، عاملش (العیاذ بالله) محمد
رسول الله است!

چون برای کسی که دعوی اتباع رسول (ﷺ) را می کند، مناسب نیست
در مقابل خزعلیبات ملاحظه سکوت کرده، و برای آنان فرصت انتقام
گرفتن را دهد!

لهذا الحمد لله طبق این فرموده الله تعالی: ﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا﴾ ،
خواستم از دشمنان اسلام برای خود دشمنان اسلام کتاب پیش کنم، که
سران و محققان آنها به رسول الله ﷺ سربه تسلیمی نهاده، و جناب محمد
(ﷺ) را اولین فرد مؤثر در تاریخ می دانند.

و این کتاب را تقدیم می دارم برای برای اسلام ستیزان و آن عده از جوانانی که فریب مکر و حيله این ها را خورده اند. کتاب از خود آنان و با اندکی اضافات در برخی از موارد، تا دیگر بعون زبان کثیف خود را از لعن و طعن بر محمد رسول الله ﷺ بسته کنند، و مسلمانان از شر این ملاحظه در امان باشند.

امید که هرچه بیشتر جوانان استفاده کرده، و بر ایمان خود پابند بوده و ایمان شان با مطالعه قرار دادن این کتاب بخاطر پیش قدم بودن رهبر محبوب شان، زیاد گردد.

و ناگفته نباید گذاشت که از همه ای عموم مسلمانان در سراسر جهان می خواهم که در چاپ، نشر و پخش این کتاب سهم بگیرند، چون از یک طرف برای جهان نشان می دهند که رهبرشان اولین فرد مؤثر در تاریخ است، و ثانیاً با افراد متباقی ذکر شده در کتاب (چه کافر و مسلمان) آشنائی پیدا می کنند.

و توصیه من اینست که افراد متباقی را از کتب تاریخ مستند مطالعه کرده، و در مورد آنها برای مسلمانان معلومات دهند، تا باشد ایشان را از عینک و دید علمای اسلام بشناسند.

«إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.»

برادر شما:

أبوشاکرمسلم

مختصری در مورد مؤلف و کتابش:

این کتاب توسط یکی از نویسندگان معروف غربی به نام مایکل هارت (Michael H. Hart) اخترازیکیک دان آمریکایی نوشته شده است. هارت در این کتاب ۱۰۰ فرد موثر در تاریخ را به ترتیب از موثرترین فرد نام می برد و به دلیل انتخاب خود و نوع تأثیر و ویژگی هر یک از آنها می پردازد. اولین کتاب هارت با عنوان «صد تأثیرگذارترین افراد در تاریخ» در سال ۱۹۷۸ چاپ گردید. این کتاب با اقبال جهانی مواجه شد به طوری که به بسیاری از زبانهای زنده دنیا ترجمه گردید.

«مایکل. هارت»، محقق معاصر آمریکایی، در سال ۱۹۳۲ میلادی در نیویورک به دنیا آمده است. این محقق آمریکایی در زمینه‌های متعددی مانند ریاضیات، علوم کامپیوتر، اخترشناسی، فیزیک و حقوق تحصیل کرده است.

نویسنده، این بحث را از لحاظ علمی بررسی کرده و تحت تأثیر دین و مذهب و شهرت و غیره قرار نگرفته است بلکه هدفش در کتاب فقط معرفی کردن تأثیرگذارترین شخصیت در تاریخ می باشد. به همین دلیل در این بحث، از لحاظ علمی، سیاسی و اجتماعی بزرگترین شخصیت تأثیرگذار را محمد ﷺ رهبری کرد.

به این معنا که هر انسانی که به پیغمبر اسلام نگاهی علمی بیاندازد، به این نتیجه می‌رسد که او بهترین اسوه برای پیروی می‌باشد. و او نیز توسعه مسیحیت را به پولس نسبت می‌دهد، که نقش اساسی در انتشار مسیحیت ایفا کرده. ویرایش ۱۹۹۲ تنزل رتبه چند شخصیت مرتبط با کمونیسم مثل لنین و مائو، و اضافه شدن گورباچف را شامل می‌شود.

۱- محمد بن عبدالله ﷺ:

محمد بن عبدالله (زاده ۵۷۰ در مکه - درگذشته ۶۳۲ میلادی در مدینه) (۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ هجری قمری) بنیان‌گذار و پیامبر اسلام و آخرین پیامبر در سلسله پیامبران الهی و تحویل دهنده کتاب قرآن و تجدید کننده آیین اصلی و تحریف نشده یکتاپرستی است. ایشان هم چنین به عنوان یک سیاست مدار، رئیس دولت، بازرگان، فیلسوف، خطیب، قانون‌گذار، اصلاح‌گر، فرمانده جنگی، و برای مسلمانان و پیروان برخی مذاهب، مأمور تعلیم فرمان‌های الله به شمار می‌رود. ایشان در سال ۵۷۰ میلادی (۵۳ ق.ه.)، در مکه در سرزمین حجاز در شبه جزیره عربستان به دنیا آمد.

در دوران جوانی به بازرگانی مشغول بود و نخستین بار در ۲۵ سالگی ازدواج کرد. ناخشنود از روش زندگی مردم مکه، محمد گه‌گاه مدتی را در غار حرا در یکی از کوه‌های اطراف آن دیار به تفکر و عبادت می‌پرداخت و در همین مکان و در حدود ۴۰ سالگی از طرف الله به پیامبری برگزیده شد و وحی بر او فرو فرستاده شد. در نظر آنان دعوت محمد همانند دعوت دیگر پیامبران کیش یکتاپرستی مبنی بر این بود که الله یکتاست و تسلیم شدن برابر الله راه رسیدن به اوست^(۱).

^۱ - نویسنده کتاب Michael H. Hart درباره انتخاب محمد (رسول الله) ﷺ به عنوان

تأثیرگذارترین شخصیت در تاریخ بشریت می‌گوید:

انتخاب من برای جای دادن نام (محمد) در سرآغاز شخصیت‌های تأثیر گذار جهان ممکن است موجب تعجب بعضی خوانندگان گردد و ممکن است برای دیگران سوال برانگیز باشد؛ اما او در تاریخ تنها مردی است که توانست در مرحله دینی و دنیوی پیروز شود.

او می‌گوید: تأثیر محمد پس از گذشت ۱۴ قرن همچنان بر قوت خود باقیست و محمد تنها رهبر سیاسی است که توانست دولتی قوی و پیروز بر مبنای دین و علم بنا سازد و به همین خاطر او لیاقت دارد که "تنها مرد تأثیر گذار در تاریخ بشریت باشد".

هارت از تمام ادیان و مذاهبها، مسلمان و غیرمسلمان محمد را تنها مرد تأثیرگذار در تاریخ بشریت دانسته و او را مستحق این لقب می‌داند.

در این کتاب هارت، محمد ﷺ را با عیسی مسیح مقایسه کرده و گفته: پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر یک رهبر دینی، یک رهبر دنیوی نیز بوده و همین امر باعث تأثیرگذاری عمیق ایشان در تاریخ بشریت و برتری ایشان نسبت به دیگر پیامبران است.

اما محمد ﷺ:

او دارای اخلاقی زیبا، نرخیو که صدایش را بلند نمی‌کرد، عیبگو نبود، کسی را دم نمیکرد، چیزی را میفرمود که خیری در آن بود.

رهبرم رسول الله ﷺ، نسبت به کودکان مهربان بود، کودکان را میبوسید، هنگامی که درغاز می‌بود اگر صدای گریه کودکی را میشنید نماز را تخفیف میداد بخاطر کودکان.

رهبرم رسول الله ﷺ، با مردم مهربان بود، دارای شرم و حیا و عفت بود، بسیار متواضع و اگر کاری نمی‌پسندید از چهره مبارکشان معلوم بود.

رهبرم رسول الله ﷺ، با حیوانات هم مهربان بودند، وقتی که مشغول گرفتن وضو می‌بود اگر گریه ای می‌آمد کاسه آب را کمی کج میکردند تا گریه بتواند از آب بنوشد و تا گریه سیر نمیشد کاسه آب را برنمیداشت.

رهبرم رسول الله ﷺ، دارای منطق زیبایی بود، چشمهایش رایشتر بر زمین میدوخت تا آسمان، کسی که به ایشان نزدیک میشد، اول ایشان سلام و احوال پرسی میکرد.

۲- سر اسحاق نیوتن:

سر اسحاق نیوتن (زاده ۱۶۴۲ - درگذشته ۱۷۲۷) فیزیک دان، ریاضی دان، ستاره شناس، فیلسوف و شهروند انگلستان بوده است. وی در سال ۱۶۸۷ میلادی شاهکار خود «اصول ریاضی فلسفه طبیعی» را به نگارش درآورد. در این کتاب، او مفهوم گرانش عمومی را مطرح ساخت و با تشریح قوانین حرکت اجسام، علم مکانیک کلاسیک را پایه گذاشت. از دیگر کارهای مهم او بنیان‌گذاری حساب دیفرانسیل و انتگرال است.

رهبرم رسول الله ﷺ، چهره اش خندان و گشاده رویی بود، وقت خویش را صرف کارهای نیک میکرد، هروقت بین دو کار مُخَيَّر می‌گشتند آن کاری را می‌پسندید که آسان بود، مادامی که گناهی در آن کار نمی بود.

رهبرم رسول الله ﷺ، کارنیک رادوست می داشت و در مقابل کار پسندیده میفرمودند: «الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات» و اگر دچار کار ناگواری میشدند میفرمودند: «الحمد لله علی کُلِّ خال».

رهبرم رسول الله ﷺ، بوی خوش و عطر را دوست می داشت، از بوی بَد مُتَنَفَّر بود، خود را با مسک و عنبر خوشبو میکرد.

رهبرم رسول الله ﷺ، هرچیز حلالی را که جلوی ایشان می گذاشتند می خورد و بمانه نمی گرفت. بله رهبرم اهل زحمت دادن به خانواده و دیگران نبودند، اگر تنها خرمایی را حتی بدون نان گیر می آورد میخوردند، و اگر عسل و چیز شیرینی را هم به دست، می آوردند میل می کردند. رهبرم رسول الله ﷺ، با خانواده ای خود کار می کرد و آنان را در کار های خانه تنها نمی گذاشت، لباس های و کفش خود را بدست خود می دوخت.

ای رهبرم رسول الله ﷺ شما بهترین پیشوایی «صل الله علی النبی ﷺ» (أبو شاکر مسلم)

نام نیوتن با انقلاب علمی در اروپا و ارتقای نظریهٔ خورشید مرکزی پیوند خورده است. او نخستین کسی است که قواعد طبیعی حاکم بر گردشهای زمینی و آسمانی را کشف کرد. وی همچنین توانست برای اثبات قانونهای حرکت سیاره‌های کپلر برهانهای ریاضی بیابد. در جهت بسط قوانین نامبرده، او این جستار را مطرح کرد که مدار اجرام آسمانی مانند ستارگان دنباله دار، لزوماً بیضوی نیست بلکه می‌تواند هذلولی یا شلجمی نیز باشد.

افزون بر اینها، نیوتن پس از آزمایش‌های دقیق دریافت که نور سفید ترکیبی از تمام رنگ‌های موجود در رنگین کمان است. او فرضیه موجی هوینگس را دربارهٔ نور رد کرد. از دیدگاه نیوتن نور جریانی از ذرات است که از چشمه نور به بیرون فرستاده می‌شوند.

۳- عیسی مسیح؛

عیسی مسیح یا عیسی ناصری (زاده ۲-۷ پیش از میلاد - درگذشته ۲۶-۳۶ پس از میلاد) شخصیت مرکزی مسیحیت، بزرگترین دین دنیاست. در باور مسیحیان عیسی تجسم خدا در جسم انسانی و آغازگر جریان مسیحیت است.

او در شهر بیت لحم از شهرهای ایالت ناصره منطقه یهودیه به دنیا آمد. مسلمانان به عیسی به عنوان یک پیامبر اولی العظم باور دارند و برخی از دیگر مذاهب نیز او را شخصیت مهمی در نظر می‌گیرند.

منابع اصلی برای بررسی زندگی عیسی چهار انجیل رسمی هستند، هرچند برخی محققان معتقدند که متن‌های دیگر چون انجیل توماس نیز به اندازه چهار انجیل سنتی برای ترسیم تاریخی عیسی اهمیت دارند. اکثر پژوهشوران معتقدند که عیسی یک یهودی از ناحیه «جلیل» در شمال فلسطین بود که از او به‌عنوان یک معلم و شفابخش یاد می‌شد^(۲).

^۲ - نویسنده می‌گوید: "انتخاب من، به عنوان بالاترین جایگاه در این لیست جهانی (یعنی محمد) ممکن است بعضی افراد را شگفت‌زده کند و همچنین ممکن است مورد پرسش دیگران واقع شود، اما او تنها مرد تاریخ است که در ابعاد معنوی و مادی به شکل خارق‌العاده‌ای موفق (Supremely Successful) بوده‌است. محمد یکی از بزرگترین ادیان تاریخ را پایه‌گذاری و ترویج کرد و رهبر سیاسی تأثیرگذاری شد. امروز، سیزده قرن پس از وفاتش، نفوذ او همچنان نیرومند و فراگیر است.

مانند تمام مذاهب، اسلام تأثیر عظیمی بر زندگی پیروانش گذاشته‌است؛ و بدین دلیل است که بنیانگذاران مذاهب بزرگ جهان در این کتاب به شکل برجسته‌ای به حساب آمدند.

از آنجایی که به شکل خیلی قاطع تعداد مسیحیان دو برابر مسلمانان جهان است، اینکه رتبه «محمد بن عبدالله» از «عیسی بن مریم» بالاتر است ممکن است عجیب به نظر برسد. دو دلیل اصلی برای این تصمیم وجود دارد:

اول اینکه، نقشی که محمد در توسعه اسلام ایفا می‌کند به مراتب مهم‌تر از نقشی است که عیسی مسیح در توسعه مسیحیت ایفا کرد.

اگر چه مسیح مسئول اخلاقیات و احکام اخلاقی مسیحیت به‌شمار می‌رود. (تا آنجایی که این مذهب متفاوت از یهودیت می‌گردد). پولس توسعه دهنده اصلی الهیات در مسیحیت می‌باشد، با توجه به نقش کلیدی ایشان (پولس) در تشویق دیگران برای گرویدن به دین جدید مسیحیت، و همچنین که او نویسنده بخش بزرگی از کتاب عهد جدید می‌باشد.

محمد، به هر حال مسئول هر دو بخش الهیات دین اسلام و همچنین اخلاقیات اصلی و اصول اخلاقی دین اسلام می‌باشد. به علاوه ایشان نقش کلیدی در گرویدن به دین جدید اسلام و همچنین بنا نهادن شیوه‌های مذهبی دین اسلام را داشته‌اند. علاوه بر این ایشان نویسنده کتاب مقدس مسلمانان هستند، قرآن، مجموعه از مشاهدات درونی که بنا بر اعتقاد محمد توسط خداوند برای ایشان به طور مستقیم آشکار شد. بیشتر این گفتارها، کم و بیش، در زمان حیات پیامبر گردآوری شد و به صورت معتبری با فاصله نه چندان زیادی پس از وفات پیامبر جمع‌آوری شدند.

قرآن بنابراین، به صورت بسیار نزدیک، بسیاری از عقاید و آموزه‌های محمد را به طوری که به صورت قابل توجهی به کلام دقیق خود پیامبر نزدیک است، بیان می‌کند.

هیچ گردآوری مفصلی مانند این (قرآن) از تعلیمات عیسی مسیح باقی نمانده است.

از آنجایی که قرآن حداقل به اندازه انجیل که برای مسیحیان مهم است، برای مسلمانان مهم می‌باشد. اثرگذاری محمد به واسطه قرآن عظیم است؛ و احتمالاً به خاطر این است که تأثیر نسبی محمد بر اسلام از تأثیر مشترک پولس و عیسی بر مسیحیت بیشتر است؛ و در بعد مذهبی این چنین به نظر می‌رسد که تأثیر محمد هم بر تاریخ بشر مانند عیسی است.

از این گذشته، محمد (بر خلاف عیسی)، رهبری سکولار بود، همچنان که رهبری مذهبی هم بود.

در حقیقت به عنوان نیروی محرکه پیروزی اعراب، ایشان می‌تواند به عنوان تأثیرگذارترین رهبر تمام زمان‌ها رتبه بسیار خوبی بگیرد...

پیروزی‌های اعراب قرن هفتم، نقش بسیار مهمی در تاریخ بشریت بازی کرده است که تا روزگار کنونی هم ادامه دارد.

این ترکیب بی‌مانند اثرگذاری سکولار و مذهبی است که باعث شده من احساس کنم که محمد مستحق قرار گرفتن به صورت انفرادی به عنوان تأثیرگذارترین شخص تاریخ بشریت باشد" (ختم سخن نویسنده).

اما عیسی از نظر مسلمانان:

عیسی علیه السلام از جمله پنج پیامبری است که الله تعالی از آن درقرآنکریم مفصلاً بیان داشته، واتباع او را قبلاً نصاراً می گفتند، اما به دلیل اینکه، دین او را تحریف نمودند پس علما آنان را مسیحیان می دانند.

بنابر گفته ای مفسرین، زمانیکه تصمیم قتل او را گرفتند، الله تعالی او را به آسمان برد. امام قرطبی رحمه الله می گوید: صحیح آنست که حق تعالی، او را بدون وفات و خواب به آسمان برد. رسول الله ﷺ در اسراء و معراج با او ملاقات نمود، در حدیث صحیح آمده است که: «رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «در شب اسراء و معراج عیسی را دیدم که میان قد او سرخ و سفید بود، گویا او از حمام برآمده است [متفق علیه].»

او در آخرالزمان هنگامیکه دجال خروج می کند، از آسمان با دو ملک همراه، پایین شده و در باب لد مناره بیت المقدس، او را گرفتار کرده و به هلاکت می رساند، سپس طبق روایاتی در زمین هفت سال زندگی می کند چنانکه در حدیثی آمده است که: «ثم یرسل الله مطراً لا یکن منه بیت مدر ولا وبر فیغسل الأرض حتی یترکها کالزلفه ثم یقال الأرض انبتی ثمرتک وردی برکتک، فیومئذ تأکل العصابة من الرمانه، ویستظلون بقحفها، ویبارک فی الرسل، حتی إن اللقمة من الإبل لتکفی الفئام من الناس، اللقمة من البقر لتکفی القبيلة من الناس، و اللقمة من الغنم لتکفی الفخذ من الناس» [صحیح مسلم].

یعنی: «سپس الله بارانی را می فرستند نه خانه گلی کفایت می کند و نه خانه پشمی زمین را می شوید و آن را مثل آینه می کند سپس به زمین گفته می شود ثمرات و نباتات خود را برویان و برکت را برگردان در این هنگام یک جماعت بزرگ از خوردن یک انار سیر می شوند و پوستش را سایه خود قرار می دهند. و شیر حیوانات افزایش می یابد حتی شیر یک شتر نو رسیده برای جمع زیادی از مردم کافی است. و شیر یک گاو نو رسیده برای یک قبیله کافیس و شیر یک گوسفند نو رسیده برای یک خانواده بزرگ کافی است.»

امام مسلم از ابوهزیره روایت می کند گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «و الله لینزلن عیسی بن مریم حکماً عادلاً... ویضعن الجزیه ولتترکن القلاص فلا یسعی علیها ولتذهبن الشحناء و التباغض و التحاسد ولیدعون إلى المال فلا یقبله أحد» [صحیح البخاری].

یعنی: «قسم به الله عیسی بن مریم به عنوان حاکم عادل نازل می شود... جزیه را بر می دارد شتر جوان رها می شود و کسی به آن آزار نمی رساند (امنیت کامل وجود دارد) بغض، کینه، حسادت از بین می رود و مردم برای دریافت مال دعوت می شوند ولی کسی اجابت نمی کند».

نووی می گوید: «معنی این حدیث این است که مردم از اموال همدیگر دوری می کنند. کسی سعی نمی کند شتر دیگری را مالک شود چون مال زیاد است و نیازمندی کم و قیامت هم نزدیک شده است».

در برخی روایات آمده است عیسی علیه السلام بعد از نزول هفت سال و در برخی دیگر چهار سال در زمین باقی می ماند.

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «الله عیسی بن مریم را نازل می کند... سپس مردم هفت سال در زمین می مانند. در این مدت بین دو نفر دشمنی وجود ندارد سپس الله باد خنکی را از طرف شام می فرستد کسانی که مثقال ذره ای ایمان در دل دارند این باد روحشان را قبض می کند» [صحیح مسلم]

و در روایت امام احمد و ابو داود آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «فیمکث فی الأرض أربعین سنة، ثم یتوفی ویصلی علیها المسلمون» [أبو داود].

یعنی: «او در زمین چهل سال می ماند سپس می میرد و مسلمانان بر او نماز می خوانند».

نکته: هر دو روایت صحیح هستند و جمع آنها مشکل است مگر اینکه روایت هفت سال را بر مدت اقامتش بعد از نزول در آخر الزمان حمل کنیم و آن را به مدت ماندنش در زمین قبل از بالا رفتنش اضافه نمائیم (یعنی زمانی که پیامبر بود) بنابراین عمر عیسی علیه السلام در آن زمان سی و سه سال بوده است (و بعد از نزول در آخر الزمان هفت سال خواهد ماند پس جمعاً چهل سال روی زمین خواهد بود) [النهاية / الفتن و الملاحم] (۱۴۶/۱) تحقیق د. طه زینی [أبو شاکر مسلم]

۴- بودا:

سیدارتا گوتاما بودا مؤسس مذهب و تفکر فلسفی بودایی است. بودا بین قرون چهارم و ششم قبل از میلاد در شمال هند می‌زیسته است. واژه بودا یعنی بیدار شده یا به عبارت دیگر، کسی که به روشنی رسیده‌است. این واژه در فارسی امروزی به بوی و بو تبدیل شده که هم به معنی فکر و اندیشه است و هم به معنی حس شامه. البته در دوران فارسی میانه (شاهنشاهی ساسانی) این واژه به عنوان واماژه از زبان سانسکریت و به معنی خاص فرد بودا و دین بودایی با صورت بوت و یا بت به زبان فارسی میانه (پهلوی) وارد شده است و این همان واژه ای است که در فارسی مدرن به معنی بت (پیکره ای که پرستیده می شود) به کار می رود.^(۳)

^۲ - نظریه مسلمانان در مورد بودا اینست که چنانکه شیخ محمد صالح فوزان می‌گوید: «بودا پیامبر نبود، بلکه یک فیلسوف کافر بود، که بر آیین غیر آسمانی تمسک داشت، هرکسی که معتقد باشد بودا پیامبر بوده او کافر است.

پیروان بودا درباره او غلو کردند، و معتقد به الوهیتش هستند، و او را عبادت می‌کنند، و انسائهای زیادی در دوران قلم و معاصر از پیروان این آیین وثنی هستند، بر مسلمان واجب است نسبت به این آیین و پیروانش بغض داشته باشند، و از آنها براءت جویند، و بخاطر الله متعال با آنها عداوت داشته باشند» [فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء (۴۴/۲۶)] (أبو شاکر مسلم)

۵- کنفوسیوس:

کنفوسیوس مشهورترین فیلسوف، نظریه پرداز سیاسی و معلم چینی است که در چین باستان زندگی می کرد. وی در ۵۵۱ پیش از میلاد در ایالت کوچک لو که امروزه بخشی از شهرستان جدید شاندونگ است متولد شد و در ۴۷۹ پیش از میلاد در گذشت. والدینش، که در زمان کودکی او زندگی را بدرود گفتند، او را کونگ - کویی نامیدند. کنفوسیوس از کلمه کونگ فوزی، به معنای «استاد بزرگ، کونگ» گرفته شده است.

وی آفرینش جهان را مبتنی بر قانون قطبیت می داند؛ به این معنی که از هستی مطلق، نخست موجودی یگانه که خود کنفوسیوس آن را قطب بزرگ می خواند منبعت می شود و همراه آن قطب دیگری که قسمت پذیر است به وجود می آید.

این دو قطب با هم روبرو و به هم پیچیده می شوند. از این جا جهان کون و فساد مانند دو نیروی قوی و ضعیف یا روشنایی و تاریکی و یا نماینده صفات مرد و زن، پا به عرصه هستی می گذارد و تغییر و تبدیل یافتن این دو قطب، اساس به وجود آمدن خوبی یا بدی یا خیر و شر است.

۶- پولس (بولس):

پولس یا بولوس از مهمترین مبلغان مسیحیت و بنیانگذار الهیات و خداشناسی این آئین بود؛ برخلاف حواریون، پولس هرگز با عیسی دیدار مستقیم نداشته است؛ با این حال این پولس بود که مسیحیت را از یهودیت جدا ساخت، همچون دینی جداگانه.

در کتاب اعمال رسولان، پولس پیشوای نصاری (غیریهودیان) و حواریون پیشوای مسیحیان خوانده شده‌اند. بیشتر قسمت‌های عهد جدید توسط او نوشته شده است.

اسم اصلی او شائول بود که بعدها به پولس تغییر داد. او فرزند یک خانواده بسیار معتقد یهودی بود، همچنین پولس شهروندی روم را داشت که در آن زمان امتیاز بسیار مهمی محسوب میشد. پولس رسول اختیار کامل از طرف شورای یهود داشت تا به دستگیری و آزار ایمان داران پردازد و همچنین او در گذشته شدن اولین شهید مسیحیت استیفان راضی بود.

ولی در مسافرتی که به دمشق می رفت تا در کنیسه های آنجا ایمان داران را دستگیر کند و به اورشلیم بیاورد، برای او اتفاقی می افتاد که

مسیر زندگی اش را به کلی تغییر می‌دهد. امروزه مسیحیت در اروپا حاصل زحمت های پولس است. (۴)

۷- تسای لون (سای لون):

تسای لون یا سای لون (زاده حدود ۵۰ یا ۶۳ میلادی - درگذشته ۱۲۱ میلادی) مخترع چینی کاغذ و از خواجهگان دربار امپراتوری هان شرقی بود. هرچند که کاغذ پیش از تسای لون نیز در چین تولید می‌شد ولی او با ابداع شیوه‌ای نوین و افزودن موادی جدید به ترکیبات مورد نیاز آن، اولین کاغذ با الیاف گیاهی به شکل آنچه که امروزه وجود دارد را تولید نمود.

در سال ۷۵ به عنوان یکی از خواجهگان دربار هان شرقی وارد کاخ امپراتوری شد و در طول اقامتش به مطالعه شیوه‌های تولید کاغذ پرداخت. تولید کاغذ از ۲۰۰ سال پیش از میلاد در چین رواج داشت و برای تولید آن از زائدات ابریشم استفاده می‌کردند اما تسای لون به فکر استفاده از مواد ترکیبی جدیدی برای تولید آن بود. او در سال

۴- البته این تحقیق نویسنده کتاب است، درحقیقت پولس بزرگترین جنایت را در حق مسیحیان انجام داد. وبه نظر مسلمانان، این یهودی اولین کسی است که دین نصرانیت را از توحید به شرکیت و پرستش چند خدا تغییر داد، که مسیحیت امروزی از آن پیروی میکنند.
واز یک انجیل چهار انجیل جور کرد به نام هایی ۱- انجیل متا، ۲- انجیل یوحنا، ۳- انجیل مرقس ۴- انجیل لوقا(أبوشاکرمسلم)

۱۰۵ میلادی از پوست درخت توت، کنف، پارچه‌های مستعمل و تورهای ماهیگیری کهنه ترکیب جدیدی ساخت و اولین کاغذ با بافت گیاهی به شکل تقریبی آنچه که امروزه وجود دارد را تولید نمود. کاغذ تولیدی جدید در مقایسه با کاغذهای ابریشمی پیشین کیفیت بهتری برای نوشتن داشت و تولیدش نیز ارزانتر بود. تسای لون این یافته‌اش را به امپراتور هان ههدی گزارش نمود و مورد تشویق قرار گرفت. امپراتور به او لقبی اشرافی و ثروتی بسیار اعطاء نمود و در سال ۱۱۴ (میلادی) نیز شهر لونگ‌تینگ را به او داد. تسای لون اینک با عنوان مرزبان تسای لون شناخته می‌شد و به همین سبب کاغذ ابداعی او را نیز «کاغذ مرزبان تسای» می‌نامیدند.

درگیری او در امور سیاسی سبب شد تا وارد جنگ قدرتی در کاخ شود که منجر به رسوایش شد. تسای لون در ۱۲۱ میلادی دست به خودکشی زد و با نوشیدن سم به زندگی خود پایان داد.

۸- یوهانس گوتنبرگ:

یوهانس گوتنبرگ (زاده حدود ۱۳۹۸ میلادی، درگذشت ۳ فوریه ۱۴۶۸ میلادی) زرگر آلمانی و اولین مخترع ماشین چاپ و کلاً صنعت چاپ در اروپا بود.

از یوهان گوتنبرگ اغلب به عنوان مخترع صنعت چاپ یاد می‌شود اما آنچه را که او انجام داد ابداع اولین روش استفاده از حروف چاپی قابل

جایجایی و ماشین چاپ بود که این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان مطالب نوشته شده گوناگون را با سرعت و دقت به چاپ رساند.

البته این صنعت ۴۰۰ سال قبل از وی توسط یک بازرگان چینی به نام بی شنگ استفاده می‌شد و حدود ۲۰۰ سال قبل نیز در کره مورد استفاده قرار می‌گرفت. مهم‌ترین اثر گوتنبرگ انجیل گوتنبرگ یا انجیل ۴۲ سطر است، که از لحاظ زیبایی خطی و کیفیت صنعتی آن در زمان خودش انجیلی بی نظیر بود.

گفته شده است که سهم عمده گوتنبرگ در صنعت چاپ اختراع حروف چاپی قابل جایجایی بوده است. در واقع حروف چاپی قابل جایجایی نیز در اواسط قرن یازدهم در چین توسط شخصی به نام بی شنگ اختراع شده بود. اما چون صنعت چاپ تنها پس از اروپا و پس از اینکه چینی‌ها روش‌های جدید آن را از اروپایی‌ها فراگرفتند در چین همگانی شد، صنعت چاپ به شکل امروزی‌اش را به بی شنگ و چینی‌ها نسبت نمی‌دهند.

حروف چاپی را در آن زمان با نوعی سفال می‌ساختند که طبعاً نمی‌توانست زیاد بادوام باشد. بعدها چینی‌ها و کره‌ای‌ها در ساخت حروف چاپی قابل جایجایی اصلاحاتی به وجود آوردند، پس از آن دولت کره در اوایل قرن پانزدهم از ایجاد یک کارگاه ریخته‌گری برای تولید حروف چاپی فلزی حمایت کرد و پس از آن و مدتی قبل از

گوتنبرگ، کره‌ای‌ها حروف چاپی فلزی را جایگزین حروف سفالی کردند.

۹- کریستف کلمب:

کریستف کلمب (کریستوبال کُلُن)) ۱۴۵۱ - ۲۰ مه ۱۵۰۶) سوداگر و دریانورد اهل جنوا در ایتالیا بود که بر حسب اتفاق قاره آمریکا را کشف کرد.

او که از طرف پادشاهی کاستیل (بخشی از اسپانیا) مأموریت داشت تا راهی از سمت غرب به سوی هندوستان بیابد، در سال ۱۴۹۲ میلادی با سه کشتی از عرض اقیانوس اطلس گذشت اما به جای آسیا به آمریکا رسید. کلمب هرگز ندانست که قاره‌ای ناشناخته را کشف کرده است.

یکی از عناصر تصادفی در کشف دنیای جدید به دست کلمب، ارزیابی نادرستی بود که از ابعاد کره ی زمین کرد. گرچه او به درستی بر این باور بود که زمین کروی است، اما اندازه ی آن را دست کم گرفت، و تصور کرد قاره ی آسیا بزرگتر و به اسپانیا نزدیکتر از آنی است که واقعاً هست. او بر اساس بهترین کره ی جغرافیایی زمان خود اندازه ی زمین را تخمین زد.

اما مارتین بهام که طراح این کره بود، از محیطی که بطلمیوس برای زمین فرض کرد و ۲۵٪ کمتر از مقدار واقعی بود استفاده کرد (کره ی بهام

هنوز هم موجود است و در حال حاضر در موزه ای در نورنبرگ آلمان نگهداری می شود). کلمب پس از حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مسافرت، تصور کرد به نحوی از ژاپن رد شده است، و اگر چه ساحلی که به آن رسیده بود در واقع هزاران کیلومتر در سمت غرب قرار داشت، اما گمان کرد ساحل هند شرقی در جنوب ژاپن است، به همین دلیل بومیان سرخپوست آنجا را «هندی» نامید.

کریستف کلمب از چهره‌های بحث برانگیز تاریخ است. برخی - از جمله اکثر سرخپوستان آمریکا - او را مسئول مستقیم یا غیر مستقیم کشتار ده‌ها میلیون نفر از مردم بومی و عامل استثمار آمریکا از سوی اروپا می‌دانند؛ در حالیکه دیگران وی را به خاطر نقش مؤثری که در گسترش فرهنگ و تمدن غرب ایفا کرد می‌ستایند.

۱۰- آلبرت آین اشتاین (اینشتین):

آلبرت آین اشتاین به تلفظ صحیح آلمانی، ولی معروف به اینشتن، اینشتین و اینشتین در ایران (زاده ۱۴ مارس ۱۸۷۹ - درگذشته ۱۸ آوریل ۱۹۵۵) فیزیک‌دان نظری آلمانی بود.

او بیشتر به خاطر نظریه نسبیت و بویژه برای هم‌ارزی جرم و انرژی ($E=mc^2$) (که از معروف ترین روابط فیزیک بین غیرفیزیک‌دان‌هاست) شهرت دارد.

علاوه بر این، او در بسط تئوری کوانتوم و مکانیک آماری سهم عمده‌ای داشت. اینشتین جایزه نوبل فیزیک را در سال ۱۹۲۱ برای خدماتش به فیزیک نظری و به خصوص به خاطر کشف قانون اثر فوتوالکتریک دریافت کرد. او به دلیل تأثیرات چشمگیرش، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیزیکدانانی شناخته می‌شود که به این جهان پا گذاشته اند. در فرهنگ عامه، نام «اینشتین» مترادف هوش زیاد و نابغه شده است.

پس از مرگ اینشتین در ۱۹۵۵ مغز او برداشته شد - و البته بدون اجازه از خانواده اش - این کار توسط توماس استولز هاروی پاتولوژیست بیمارستان پرینستون انجام گرفت. هاروی جمجمه را برداشت و در یک ظرف شیشه ای قرار داد. به علت سهل انگاری در مراقبت از این عضو مهم از کار اخراج شد. سالها بعد با کسب اجازه از هنس آلبرت به مطالعه مغز اینشتین پرداخت و اسلایدهایی از آن تهیه نمود و برای دانشمندان در سراسر دنیا فرستاد.

یکی از این دانشمندان ماریان دایموند از UC Berkeley بود که کشف کرد در مقایسه با یک فرد عادی به طور قابل توجه ای در نواحی از مغز که مسئول تولید اطلاعات است دارای تعداد سلول های گلایال بیشتری می باشد. در مطالعه دیگری که توسط سندرا ویتلسون از دانشگاه MC Master انجام گرفت مشخص شد که مغز اینشتین

فاقد یک چروک خاص به نام شیار سیلیویان (Sylvian Fissure) است.

به نظر ویلتسون این آناتومی خاص باعث شده تا نرون های مغز اینشتین اتصال بهتری با یکدیگر برقرار کنند. در مطالعه دیگری بیان شده که در مقایسه با مغز انسان های معمولی مغز اینشتین متراکم تر بوده و لوب آهیانه پایینی که مرتبط با توانایی عملیات ریاضی است بزرگتر می باشد.

۱۱- لویی پاستور:

لویی پاستور (زاده ۱۸۲۲ - درگذشته ۱۸۹۵)، از شیمی دانان و زیست شناسان مشهور فرانسوی است. شهرت وی مدیون شناخت نقش باکتری ها در بروز بیماری و کشف واکسن ضد هاری می باشد. پاستور از اینکه می دید مواد آلی، نور قطبی را منحرف می سازد، حدس زد که باید موجودات زنده ریزی در این کار دخالت داشته باشند. چون به مطالعه میکروسکوپی پرداخت، مشاهده کرد که تخمیر شیره چغندر، نتیجه عمل موجودات بسیار ریزی می باشد که به شکل کپک است و در تخمیر ناقص همین کپک با کپک دیگر، تولید جوهر شیره می نماید. این بود که عنوان کرد برای جلوگیری از عمل موجودات مزاحم که مانع تخمیر می شوند، باید آن را جوشاند.

پاستور عقیده داشت که اگر شراب در معرض هوا باشد، ترش شده، تبدیل به سرکه می‌شود. این نظریه، منجر به کشف یکی از بزرگترین معماهای عالم گردید و آن، وجود جهان موجودات بسیار ریز بود که میکروب نام دارد.

پاستور، نظریه بوجود آمدن خودبخودی را رد کرد. او، نتیجه این مطالعه را در سوم اوت ۱۸۵۷ به آکادمی علوم داد و ثابت نمود که مخمر احتیاج به کنترل دارد تا بتواند زندگی نماید و اظهار داشت که شیر مانند شراب، ترش نمی‌گردد، مگر اینکه موجودات ریزی به داخل آن راه یابند و همین موجودات، اگر بوسیله جوشاندن و حرارت دادن از بین بروند، دیگر نه چیزی تولید می‌شود و نه عمل تبخیر صورت می‌گیرد. پاستور اعلام داشت که عامل بسیاری از امراض، همین موجودات ذره‌بینی می‌باشند و با این اکتشاف، بزرگترین خدمت را به بشریت کرد.

همچنین عمل پاستوریزه کردن که مأخوذ از نام اوست، از ابداعات این دانشمند شهیر است. در سال ۱۸۸۸ انستیتو پاستور در پاریس بنیاد گذاشته شد و سپس از روی آن نمونه‌های زیادی در دنیا ایجاد گردید.

۱۲- گالیئو گالیله:

گالیئو گالیله (زاده ۱۵ فوریه ۱۵۶۴ - درگذشته ۸ ژانویه ۱۶۴۲) دانشمند و مخترع سرشناس ایتالیایی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی

بود. گالیله در فیزیک، نجوم، ریاضیات و فلسفه علم تبحر داشت و یکی از پایه‌گذاران تحول علمی و گذار به دوران دانش نوین بود. بخشی از شهرت وی به دلیل تأیید نظریه کوپرنیک مبنی بر مرکزیت نداشتن زمین در جهان است که منجر به محاکمه وی در دادگاه تفتیش عقاید شد. در سال ۱۶۱۰ انتشار یافته‌های علمی وی در تأیید نظر کوپرنیک مبنی بر ثابت نبودن زمین و گردش آن به دور خورشید باعث شد تا وی از سوی کلیسا مورد بازجویی و تفتیش عقاید قرار گیرد. این نظریه مخالف نص کتاب مقدس بود و از سویی با نظریات ارسطو که کلیسا حامی آن بود همخوانی نداشت. وی مجبور به امضای توبه نامه‌ای با این مضمون شد:

در هفتادمین سال زندگی در مقابل شما به زانو درآمده‌ام و در حالی که کتاب مقدس را پیش چشم دارم و با دستهای خود لمس می‌کنم توبه می‌کنم و ادعای واهی حرکت زمین را انکار می‌کنم و آنرا منفور و مطرود می‌نمایم.

وی شش سال بعد رسماً از تدریس نظریه کوپرنیک در دانشگاه منع شد و تا سالها بعد مرتب مورد بازخواست کلیسا قرار می‌گرفت. سرانجام گالیله علی‌رغم اعتقاد درونی اش، مجبور شد اعتراف کند که نظریه ارسطو درست است و زمین مرکز جهان است.

گالیله با تلسکوپیی که خود ساخته بود به رصد آسمانها پرداخت و توانست جزئیات سطح ماه را مشاهده کند. او نخستین کسی بود که چهار ماه سیاره مشتری را رصد کرد. با رصد راه شیری گالیله دریافت که تعداد ستارگان این مجموعه بیشتر از آن است که قابل شمارش باشد. او نخستین کسی بود که جزئیات سطح ماه را با تلسکوپ مشاهده و ثبت کرد. وی همچنین دریافت که نور ماه حاصل انعکاس نور خورشید است و این نور از خودش نیست.

۱۳- ارسطو:

ارسطو (زاده ۳۸۴ قبل میلاد - درگذشته ۳۲۲ قبل میلاد) از فیلسوفان یونان باستان بود. او که یکی از مهم‌ترین فیلسوفان غربی به حساب می‌آید شاگرد افلاطون و آموزگار اسکندر مقدونی بود. تالیفات او در زمینه‌ها و رشته‌های گوناگون من جمله فیزیک، متافیزیک، شعر، زیست شناسی، منطق، علم بیان، سیاست، دولت و اخلاق بوده‌اند. ارسطو به همراه سقراط و افلاطون از تأثیر گذارترین فیلسوفان یونان باستان بوده‌است. این سه تن فلسفه غربی را بر اساس فلسفه ماقبل سقراط یونان بنیاد نمودند. ارسطو فلسفه را به‌عنوان «دانش هستی» تعریف می‌کرد.

ارسطو را می‌توان از نخستین فیلسوفان تحلیلی دانست. وی همچنین واضع منطق نیز هست. او با در نظر گرفتن زمین در مرکز گیتی و قرار

دادن فلکهای مختلف برای اجرام آسمانی (مثلاً فلک خورشید، فلک ثوابت و...) الگویی از جهان را برای همروزگاران خود ترسیم کرد. ارسطو چهار عنصر بنیادی کیهان را آب، آتش، خاک و هوا می دانست به علاوه عنصر پنجمی به نام اثیر که معتقد بود اجرام آسمانی از آن ساخته شده‌اند.

ارسطو با انتقاد از فرضیه مثل (Idea) فلسفه خود را آغاز می کند. حقایق قابل ادراک وجود ندارند آنچه وجود دارد مثال نیست بلکه خرد و جزئی است.

وی گفته است «علم جز بر کلیات تعلق نمی گیرد». ما هنگامی می توانیم درباره اشیاء قضاوت کنیم که نوع و جنس را بهتر بشناسیم. تعیین قواعدی که حافظ روابط صحیح قضایای کلی با قضایای جزئی و شخصی باشد خاص منطقی است که هیچکس بهتر از ارسطو درباره آن تحقیق نکرده است. همین منطقی است که یکی از هدایای ارزنده و گرانبهای این فیلسوف بعالم بشریت به شمار می آید.^(۵)

^۵ - یکی از افرادی که اسلام را رویه اخطاط نمود، ارسطو بود، چون زمانیکه منطقی را اختراع کرد، روح اسلام را ازین برد، و مردم مصروف علم مزخرف منطقی و فلسفه او شدند و قرآن وحدیث را ترک گفتند. (ابوشاکرمسلم)

۱۴- اقلیدس:

اقلیدس (حدود ۳۶۵ تا ۲۷۵ پیش از میلاد)، ریاضی دانی یونانی بود که در قرن سوم پیش از میلاد در شهر اسکندریه می‌زیست. او نویسنده موفق‌ترین کتاب درسی تاریخ، اصول است که مدت دو هزار سال شالوده تمام آموزش هندسه در غرب بود. کتاب اصول شامل ۱۳ مقاله و ۴۶۵ قضیه راجع به هندسه، نظریه اعداد و جبر مقدماتی (هندسی) است.

پس از مرگ اسکندر مقدونی، امپراتوری بین عده‌ای از سران سپاه او تقسیم شد. در این میان فرمانروایی مصر و اسکندریه به دست بطلمیوس افتاد. او برای جذب دانشمندان آن زمان دانشگاهی با عظمت در اسکندریه ساخت و دانشمندان و افراد مستعد را از نقاط دور و نزدیک به آنجا دعوت کرد. برای ریاست بخش ریاضی این دانشگاه از اقلیدس که احتمالاً در آتن می‌زیست، دعوت شد. او در دانشگاه اسکندریه استاد ریاضیات و ظاهراً مؤسس حوزه ریاضیات اسکندریه بود.

۱۵- موسی:

موسی از شخصیت‌های کتاب مقدس و نیز قرآن است. در نظر پیروان ادیان سامی (شامل یهودیت و مسیحیت و اسلام) وی از پیامبران

بزرگ است و مطابق روایات سنتی این دین‌ها، قوم بنی اسرائیل را از مصر بیرون برد.

بنا به روایت تورات و قرآن، مادر موسی او را در سبیدی انداخته به رود نیل سپرد و همسر فرعون آسیه او را از آب گرفت. آسیه، فرعون را راضی کرد که موسی را به فرزندی بپذیرند و موسی در دربار فرعون رشد یافت. موسی به جرم کشتن یک قبطی تحت تعقیب قرار گرفت و به مدین رفت.

در آن جا هشت سال به کاهن مدین که بنا به روایت مسلمانان، شعیب، نام داشت، خدمت کرد. آن گاه باصفورا دختر شعیب ازدواج کرد. در بازگشت از مدین، به موسی از سوی خدا وحی شد و او به پیامبری بنی اسرائیل برگزیده شد. موسی به همراهی برادرش هارون به نزد فرعون رفت و او را به یکتاپرستی فراخواند.

موسی سه سال از هارون کوچکتر بود و در زمان سخن گفتن با فرعون در مصر هشتاد سال داشت، هم چنین موسی بنی اسرائیل را در خروج از مصر رهبری کرد. بنا به اعتقاد یهود، ده فرمان، در کوه طور به موسی الهام شد که پایه‌های شریعت قوم یهود را تشکیل می‌دهد. موسی در نزد مسلمانان به کلیم الله مشهور است و یکی از پنج پیامبر اولوالعزم به شمار می‌آید. بر اساس روایت تورات، موسی در زمان وفات

صد و بیست سال داشت، پس از موسی بنا به فرمان خدا، یوشع بن نون از یاران بسیار نزدیک او زمامدار و رهبر بنی اسرائیل شد^(۶).

^۶ - در حدیثی آمده است که: وعن جابر أن رسول الله ﷺ قال: " عرض علي الأنبياء فإذا موسى ضرب من الرجال كأنه من رجال شنوءة ورأيت عيسى بن مريم فإذا أقرب من رأيت به شبهة عروة بن مسعود ورأيت إبراهيم فإذا أقرب من رأيت به شبهة صاحبكم - يعني نفسه - ورأيت جبريل فإذا أقرب من رأيت به شبهة حذيفة بن خليفة" [رواه مسلم].

یعنی: رسول الله ﷺ فرمود: پیامبران بر من عرض کرده شدند، (به من نشان داده شدند) پس دیدم که موسی علیه السلام مردی کم گوشت و میانه جسم بود، گویا که او از مردان شنووه است، و عیسی علیه السلام را دیدم پس در میان کسانی که دیده ام مشابه ترین کس به او عروه بن مسعود رضی الله عنه است، و ابراهیم علیه السلام را دیدم و نزدیک ترین کسی از نگاه شباهت به وی دوست شما (محمد ﷺ) است و جبرائیل علیه السلام را دیدم که بیشتر از همه با حذیفه بن خلیفه مشابهت داشت.

و همچنان در روایت دیگری آمده است که: وعن ابن عباس عن النبي ﷺ قال: " رأيت ليلة أسري بي موسى رجلا آدم طولا جعدا كأنه شنوءة ورأيت رجلا مروع الخلق إلى الحمرة والبياض سبط الرأس ورأيت مالكا خازن النار والدجال في آيات أراهن الله إياه فلا تكن في مرية من لقائه" [متفق عليه].

یعنی: «نبی اکرم ﷺ فرمود: «شب اسراء موسی را دیدم. او مردی گندم گون، بلند قامت و دارای موهای جمعد بود گویا یکی از مردان قبیله شنووه است. و عیسی را دیدم که دارای قامتی متوسط و چهارشانه بود و رنگش، متمایل به سرخ و سفید می نمود. و موهایی فرو هشته ای داشت. همچنین، مالک؛ نگهبان دوزخ؛ و دجال را دیدم. و آیات دیگری که خداوند به من نشان داد. در همین مورد است که خداوند می فرماید: درباره ملاقات محمد ﷺ با موسی شك و تردید، نداشته باش» (أبو شاکر مسلم)

۱۶- چارلز رابرت داروین:

چارلز رابرت داروین (زاده ۱۲ فوریه ۱۸۰۹ - درگذشته ۱۹ آوریل ۱۸۸۲)، زیست‌شناس بریتانیایی و واضع نظریه تکامل است. از آثار او می‌توان خاستگاه گونه‌ها یا منشا انواع و تبار انسان را نام برد. او از اعضای انجمن سلطنتی بریتانیا بود. کتاب او با نام «خاستگاه گونه‌ها به وسیله انتخاب طبیعی» یکی از مهمترین کتاب‌های دنیا ذکر شده است.

داروین ابتدا به هیچ وجه در پی به چالش کشیدن فرضیه ثبات انواع نبود، ولی ادامه تحقیقات، سؤالات بی پاسخ زیادی پیش روی او قرار می‌داد. یک سال پیش از شروع سفر داروین، کتاب جنجال برانگیزی از «چارلز لایل» به نام «اصول زمین‌شناسی» منتشر شده بود که داروین نسخه ای از آن را همراه خود داشت. نویسنده در این کتاب مدعی شده بود که سطح زمین بر اثر فرآیندهای تدریجی تغییر می‌کند و دگرگونی پوسته زمین، جریانی یک نواخت در طبیعت و در طول تاریخ این کره است.

وی بیان می‌دارد که هر نوع موجود زنده ابتدا در مرکزی رشد می‌کند و از آن نقطه پخش می‌شود. این موجود زنده مدتی دوام می‌آورد، اما به تدریج از بین رفته و جای خود را به انواع دیگر می‌دهد (اصل

مراکز آفرینش). از این رو نتیجه گرفت که پیدایش انواع جدید، جریان‌ی پیوسته و یکنواخت در طول تاریخ زمین است.

این نظریه‌ها که به تمامی، خلاف باورهای رایج زمانه بود، سر و صدای زیادی را در انجمن‌های علمی برانگیخت. داروین با بررسی لایه‌های سنگی و سنگواره‌ها در نقاط مختلف، شواهد زیادی در تأیید نظریات «چارلز لایل» به دست آورد. او در جزایر «گالاپاگوس» فسیلهایی بسیار شبیه به هم، ولی نه کاملاً همانند و با اشکال زنده پیدا کرد. وی مشاهده کرد که لاک پشت‌های ساکن در هر جزیره اندکی با لاک پشت‌های جزیره مجاور متفاوتند و سهره‌های جزیره‌های مختلف، تفاوت کمی با یکدیگر دارند. از نظر داروین، بهترین استدلال این بود که انواع تغییر می‌کنند و اعضای هر گونه، نیای مشترکی دارند.

۱۷- چین شی هوان:

چین شی هوان (زاده نوامبر یا دسامبر ۲۶۰-۱۰ سپتامبر ۲۱۰ پیش از میلاد) اولین پادشاه دودمان چین در میان سال‌های ۲۴۷ تا ۲۲۱ (پیش از میلاد) و سپس نخستین امپراتوری بود که چین را یکپارچه نمود و از ۲۲۱ پیش از میلاد تا سال مرگش بر آن سامان فرمان‌راند.

نام اصلی او یینگ ژنگ بود. میان سال‌های فرمان‌روایی بر همه چین بدو نام نخستین امپراتور دادند. او به جز یکپارچه کردن چین به قانون‌گرایی نامور بود. او به همراهی مهتر راینانش لی سی یک سری

اصلاحات و طرح‌ها را در چین پیاده کردن که نامدارترین ساخت دیوار بزرگ چین بود. همچنین ساخت آرامگاهی بزرگ با ارتش سفالی و نیز سامانه انبوه راه‌های ملی که البته همه این‌ها به بهای جان‌هایی به پایان رسید.

با همه خودکامگی‌اش او نقشی محوری در تاریخ چین دارد، چرا که این کشور را یکپارچه ساخت و این یکپارچگی - اگرچه گسسته - ولی دو هزاره پایدار ماند.

۱۸- گایوس اکتاویوس تورینوس:

گایوس اکتاویوس تورینوس (زاده ۶۳ قبل از میلاد - درگذشته ۱۴ قبل میلاد) از نوادگان برادری ژولیوس سزار که وارث و جانشین او بود و در هنگام مرگ سزار در یونان مستقر بود.

اوکتاویوس پس از مرگ سزار و هنگامی که مارکوس آنتونیوس زمام امور رم را بدست گرفت، به رم آمد و به جنگ با او پرداخت. سیسرون سخن‌سرای مشهور رومی در این زمان چهارده خطابه، ضد آنتونیوس و به حمایت اکتاویوس ایراد کرد که بعداً باعث قتل او توسط آنتونیوس (با سکوت اکتاویوس) گردید.

در نبردی که در شهر مدن میان طرفداران جمهوری به رهبری پانسا و هیرویوس دو کنسول روم و اکتاویوس علیه آنتونیوس جانشین خودخوانده سزار رخ داد، ارتش جمهوری پیروز شد. پانسا و هیرویوس کشته شدند و

اکتاویوس پیروزی را تصاحب کرد. بعدها انتونیوس ابتدا با لپیدوس سپس با اکتاویوس متحد شدند، تا علیه آخرین بقایای جمهوری در فیلیپی بجنگند.

۱۹- نیکلاس کپرنیک:

نیکلاس کپرنیک (۱۹ فوریه ۱۴۷۳ - ۲۴ مه ۱۵۴۳) ستاره‌شناس، ریاضیدان و اقتصاد دانی لهستانی بود که نظریه خورشید مرکزی منظومه شمسی را بسط داد و به صورت علمی درآورد.

وی پس از سال‌ها مطالعه و رصد اجرام آسمانی به این نتیجه رسید که بر خلاف تصور پیشینیان زمین در مرکز کائنات قرار ندارد، بلکه این خورشید است که در مرکز منظومه شمسی است و سایر سیارات از جمله زمین به دور آن در حال گردشند.

نظریه انقلابی کپرنیک یکی از درخشان‌ترین کشفیات عصر رنسانس است که نه فقط آغازگر ستاره‌شناسی نوین بود، بلکه دیدگاه بشر را درباره جهان هستی دگرگون کرد.

مهمترین وقایع زندگی:

۹۴ - ۱۴۹۱: در دانشگاه کراکف لهستان در رشته ریاضی و نورشناسی به تحصیل می‌پردازد.

۱۴۹۶: در دانشگاه بولوگنا در ایتالیا در رشته قوانین شریعت و ستاره‌شناسی مشغول تحصیل می‌شود.

۱۴۹۷: کشیش کلیسای فرانبورگ اتریش می شود. این سمت را تا پایان عمرش حفظ می کند.

۱۵۰۱-۵: در دانشگاه پادوا در ایتالیا در رشته های حقوق، زبان یونانی و پزشکی مشغول تحصیل می شود.

۱۵۰۶: به فرانبورگ باز می گردد. او بیشتر به عنوان یک پزشک و یک مرد روحانی شناخته می شود تا یک ستاره شناس.

۱۵۱۲-۱۵۰۶: به عنوان پزشک و منشی عمویش کار می کند.

۱۵۱۲: بر روی نظریه خود که خورشید را مرکز جهان فرض می کند، شروع به کار می کند.

۱۵۳۰: کارش را کامل می کند ولی منتشر نمی سازد.

۱۵۴۳: ۲۴ ماه مه در فرانبورگ از دنیا می رود. کمی قبل از مرگش یک نسخه چاپ شده از کتاب جدیدش را که عنوان آن گردش افلاک آسمانی بود دریافت می کند.

۱۶۱۶: چاپ و فروش کتاب وی از سوی کلیسای کاتولیک رم ممنوع می شود. این ممنوعیت تا سال ۱۸۳۵ ادامه می یابد.

۲۰- آنتوان لوران لاووازیه:

آنتوان لوران لاووازیه (زاده ۲۶ اوت ۱۷۴۳- اعدام ۸ مه ۱۷۹۴) دانشمند فرانسوی و بنیان گذار شیمی نوین بود. وی نخستین کسی بود که ترازو را جهت سنجش و تحقیق در فعل و انفعالات شیمیایی در

آزمایشگاه وارد عمل کرد و تجربه و سنجش توأم با نتیجه‌گیری صحیح را پایه و اساس این علم قرار داد. او زیر نظر استادانی قابل، نجوم، گیاه شناسی، شیمی و زمین شناسی را بخوبی فراگرفت. پس از اتمام دوره حقوق، بار دیگر به علوم گرایید و ۳ سال بعد در آن هنگام که جوانی ۲۵ ساله بود، به عضویت فرهنگستان سلطنتی علوم برگزیده شد. از جمله خطراتی که که جان لاووازیه را به مخاطره انداخته بود و بیشتر جنبه سیاسی داشت، هنگام انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ یعنی در آن هنگام که انقلابیون زمام امور پاریس را در دست داشتند رخ داد. لاووازیه رساله معروفی در باب اقتصاد سیاسی موسوم به ثروت‌های زیرزمینی فرانسه به رشته تحریر درآورد. این کتاب یکی از مهمترین کتبی است که در مبحث اقتصاد نوشته شده است.

سراجم آنتوان لاووازیه در سال ۱۷۹۴ در دادگاه انقلابی به ریاست ژان باتیست کوفن هال به جرم خیانت به ملت همراه چند تن دیگر تسلیم تیغه گیوتین شد، در حالیکه ۵۱ سال داشت.

۲۱- کنستانتین یکم یا کنستانتین بزرگ:

کنستانتین یکم یا کنستانتین بزرگ (زاده ۲۷۲ میلادی - درگذشته ۲۶ ژوئن ۳۳۷ میلادی)، امپراتور مسیحی روم بود. وی مصلوب کردن را در سده چهار پس از میلاد ممنوع اعلام کرد.

کنستانتین از ۳۱۲ تا ۳۲۴ م در هشت جنگ بزرگ توانست تا همه مدعیان را شکست دهد و از ۳۲۴ تا ۳۳۷ م به تنهایی بر روم فرمان براند. همچنین طی فرمان میلان در سال ۳۱۳ (میلادی)، مسیحیت را مذهب رسمی روم کرد و در کنار آن به مذاهب دیگر آزادی داد. او مجامع مذهبی کنگره آزل و کنگره نیقیه را به منظور حفظ وحدت در مسیحیت تشکیل داد. او در اواخر عمر بدست یک اسقف آریوسی غسل تعمید داده شد. کلیسای مرقد مقدس، به دستور کنستانتین در شهر اورشلیم بنا شد.

پس از مرگ کنستانتین مبارزه بر سر قدرت میان سه پسر او آغاز شد و دوباره امپراتوری روم را دچار آشفتگی ساخت.

۲۲- جیمز وات:

جیمز وات (زاده ۱۹ ژانویه ۱۷۳۶ - درگذشته ۲۵ اوت ۱۸۱۹) فیزیکدان و مخترع مشهور اسکاتلندی و پدر انقلاب صنعتی است. جیمز وات با تکمیل دیگ بخار خدمت بزرگی به فیزیک و مکانیک کرد. اختراع چگالگر بخار توسط وی موجب صرفه‌جویی زیادی در مصرف سوخت و گسترش استفاده از نیروی بخار شد. به افتخار او واحد توان در اس‌آی، وات نامیده می‌شود.

سن ۱۹ سالگی به کار ساختن ابزارهای اندازه‌گیری و محاسباتی ریاضی مشغول بود و خیلی زود به انجام اصلاحاتی در موتورهای بخار

علاقه‌مند شد. این موتورها که توسط مهندسین انگلیسی توماس ساوری و توماس نیوکامن در آن زمان برای پمپ کردن آب از معادن به کار میرفت.

وات توجه خود را بر ویژگی های بخار ، بویژه به نسبت میان چگالی آن با دما و فشار متمرکز کرد. او یک فضای ویژه متراکم کردن برای موتور بخار طراحی کرد که تا حد زیادی از به هدر رفتن بخار در سیلندرها جلوگیری میکرد و خاصیت مکش را تقویت میکرد.

نخستین اختراع وات در سال ۱۷۶۹ ثبت شد که شامل این قطعه و اصلاحات دیگر او برای موتور ساخت نیوکامن بود. این اصلاحات شامل سیستم بخارپوشی یا سیلندره‌های دولایه، روغن کاری و عایق کاری سیلندر برای رسیدن به درجات بالای دما و حداکثر بازدهی بود.

در این زمان وات شریک مخترع انگلیسی جان روباک بود که در واقع سرمایه گذار تحقیقات وات بود. در سال ۱۷۷۵ تولید کننده انگلیسی ماتیو بولتون، که صاحب کارخانه مهندسی سوهو در بیرمنگام بود، توجه روباک را به کار تولید جلب کرد، در نتیجه روباک و وات دست به تولید موتورهای بخار زدند. وات به کار پژوهش و ثبت نوآوری های مهم دیگری نیز پرداخت که موتورهای دوار برای راه اندازی دستگاههای گوناگون، موتور دوطرفه که در آن بخار به طور متناوب به هردو انتهای سیلندر وارد میشود و همچنین فشارسنج بخار، که کارش

اندازه گیری میزان فشار بخار در موتور است، از آن جمله اند. او در سال ۱۸۰۰ از شرکت کناره گرفت و پس از آن تمام وقت خود را به کار پژوهش اختصاص داد.

۲۳- مایکل فارادی:

مایکل فارادی (زاده ۲۲ سپتامبر ۱۷۹۱ میلادی - درگذشته ۲۲ اوت ۱۸۶۷ میلادی) دانشمندی (فیزیکدان و شیمیدان) انگلیسی که با زمینه‌های الکترومغناطیس و الکتروشیمی مرتبط بود. وی چراغ بونزن را ابداع کرد.

فارادی درباره میدان مغناطیسی موجود در دور یک رسانا که جریان DC حمل می کند مطالعاتی داشت و مفاهیم اولیه میدان الکترو مغناطیس را در فیزیک بنیان نهاد. وی القای الکترومغناطیسی و قانون های برقکافت را کشف کرد. او اثبات کرد که خاصیت مغناطیسی می تواند بر روی شعاع های نور اثر می گذارد و رابطه ای اساسی بین این دو برقرار است.

اختراعات او در زمینه دستگاه های چرخنده الکترومغناطیس اساس فناوری موتور الکتریکی را پی ریزی کرد و این وضع ناشی از تلاش های او در زمینه کاربرد الکتریسیته در فناوری بود. برخی از مورخان علم او را به عنوان بزرگ ترین تجربه گر در تاریخ علم می دانند. فاراد که واحد ظرفیت الکتریکی در SI است بعد از او به این اسم نامیده شد

همانطور که ثابت فارادی، بار الکتریکی یک مول از الکترون است (حدود ۹۶،۴۸۵ کولن). قانون القای فارادی بیان می کند که میدان مغناطیسی که با زمان تغییر می کند به همان نسبت نیروی محرکه الکتروموتیو تولید می کند.

۲۴- جیمز کلرک ماکسول:

جیمز کلرک ماکسول (زاده ۱۳ ژوئن ۱۸۳۱ میلادی - درگذشته ۵ نوامبر ۱۸۷۹ میلادی)، از فیزیکدانان بریتانیایی بود. ماکسول در چهارده سالگی، نوشتاری در مورد بیضی‌ها منتشر کرد و سال ۱۸۵۴ تحصیلات خود را به پایان رسانید.

ماکسول، نظریه الکترومغناطیس در مورد الکترودینامیک را کامل کرد که این فرمول‌بندی ریاضی به نام خود او معادله‌های ماکسول نامگذاری شده است. این معادله‌ها وجود موج‌های الکترومغناطیسی را پیشبینی می کردند. بنابراین ماکسول نظریه‌ای توسعه داد که تئوری ذره‌ای بودن خاصیت نور را توسط آیزاک نیوتون، مورد تناقض قرار می داد.

اثبات خاصیت موجی نور بعدها توسط هاینریش رودلف هرتز به انجام رسید و امروزه مبانی سیستم اطلاع‌رسانی مانند، رادیو، تلویزیون، تلفن همراه، شبکه بیسیم و حتی تندپز را تشکیل می دهد.

۲۵- مارتین لوتر کینگ جونیور:

مارتین لوتر کینگ جونیور (۱۵ ژانویه ۱۹۲۹ - ۴ آوریل ۱۹۶۸) رهبر سیاه پوست جنبش حقوق مدنی ایالات متحده آمریکا بوده است. در پی بازداشت رزا پارکس، زن سیاه پوستی که با بلند نشدن از روی صندلی یک اتوبوس عمومی برای یک سفیدپوست زندانی شد، کینگ جوان رهبری جنبش تحریم سیاهپوستان را برعهده گرفت و به عنوان یک فعال مبارزه با تبعیض نژادی در سرتاسر ایالات متحده آمریکا شهرت یافت.

در سال ۱۹۵۷ به همراه ۶۰ رهبر سیاه پوست دیگر سازمانی را بنیان گذاشت که بعدها به کنفرانس رهبران مسیحی جنوب شناخته شد. وی در مبارزه علیه نژادپرستی از تعالیم مسیح، آبراهام لینکلن و مهاتما گاندی پیروی می کرد. مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۳ به عنوان مرد سال از سوی مجله تایم برگزیده شد و در سال ۱۹۶۴ به عنوان جوان ترین فرد جایزه صلح نوبل را دریافت کرد.

اوج فعالیت های مبارزاتی مارتین لوتر کینگ در دهه ۱۹۶۰ و برای تصویب قانون حقوق مدنی بود. وی در سال ۱۹۶۳ در گردهمایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سیاهان که در برابر بنای یادبود آبراهام لینکلن در واشنگتن دی سی برگزار شد، معروفترین سخنرانی خود را به نام «رویایی دارم» انجام داد که از مهم ترین سخنرانی ها در تاریخ

آمریکا به شمار می‌آید. دکتر لوتر کینگ در این سخنرانی، که در آن عبارت «رویایی دارم» تکرار می‌شد، درباره آرزوی خود سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که زمانی آمریکا طبق مرام و آرمان خویش زندگی کند و تحقق مساوات و برابری ذاتی انسان‌ها را به چشم ببیند.

۲۶- جرج واشینگتن:

جرج واشینگتن (۱۷۹۹-۱۷۳۲) یک فراماسون بلند پایه که از رهبران انقلاب آمریکا و نخستین رئیس‌جمهور آمریکا بود، این سمت را از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۷۹۷ در دست داشت.

این هشت سال مصادف است با آخرین سال‌های حکومت سلسله زندیه و به قدرت رسیدن سلسله قاجار در ایران. او از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ ایالات متحده آمریکا است. نقش او به‌خصوص در کسب استقلال برای مستعمرات آمریکایی و سپس متحد کردن آن‌ها زیر پرچم حکومت فدرال ایالات متحده قابل توجه است. او از گروهی از مردم مسلح به کمک دولت‌های فرانسه و اسپانیا ارتش بزرگی ساخت که نهایتاً موفق به شکست نیروهای بریتانیایی در جنگ انقلاب آمریکا (۱۷۸۳-۱۷۷۵) شدند.

شهرت وی از وقتی آغاز شد که اختاریه حکومت ویرجینیا را به فرانسویان که به سوی اهایو پیش می‌رفتند ابلاغ کرد. در شروع جنگ های استقلال آمریکا در راس قوای مخالف انگلیس ها به کمک لافایت

و روشامبو به جنگ پرداخت و انگلیس ها را در جنگ های ترانتون و یورکتون در ۱۷۸۱ م شکست داد. پس از نجات و استقلال امریکا تشکیلات داخلی آنرا منظم ساخت و حکومت متحده ای از ایالات آزاد شده بوجود آورد که تا امروزه بنام کشورهای متحده امریکا موسوم گردیده است.

۲۷- کارل هاینریش مارکس:

کارل هاینریش مارکس (زاده ۵ مه ۱۸۱۸ میلادی - درگذشته ۱۴ مارس ۱۸۸۳ میلادی) متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخدان، اقتصاد دان آلمانی و از تأثیرگذارترین اندیشمندان تمام اعصار است.

او به همراه فردریش انگلس، مانیفست کمونیست که مشهورترین رساله تاریخ جنبش سوسیالیستی است را منتشر کرده‌است. مارکس همچنین مؤلف «سرمایه» مهم‌ترین کتاب این جنبش است. این آثار به همراه سایر تألیفات او و انگلس، بنیان و جوهره اصلی تفکر مارکسیسم را تشکیل می‌دهد.

«تاریخ همه جوامع تا کنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است.» از جمله مشهورترین جملات مارکس درباره تاریخ است که در خط اول مانیفست کمونیست خلاصه شده‌است.

۲۸- برادران رایت، ارویل رایت؛

برادران رایت، ارویل رایت متولد ۱۹ اوت ۱۸۷۱ (میلادی) در گذشته در ۳۰ می ۱۹۱۲ (میلادی) و ویلبر رایت متولد ۱۶ آوریل ۱۸۶۷ (میلادی) در گذشته در ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ (میلادی) دو برادر آمریکایی اهل اوهایو بودند که به خاطر اختراع اولین هواپیمای قابل کنترل موتوردار و سنگین تر از هوا در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ (میلادی) مشهور شدند.

آنها سالها بر روی گلایدرها و وسایل نقلیه مشابه قبل از نخستین پروازشان کار می کردند. آنها همچنین بخاطر ابداع اولین روش منطقی برای هدایت هواپیما شهرت دارند.

برادران رایت برای انجام پروازهای آزمایشی شان ناحیه Outer Banks در ایالت کارولینای شمالی، کمی آن طرف تر خطوط آهن حمل و نقل زمینی و همچنین کمی دورتر از کشتی های پهلو گرفته در ساحل را که نقطه بادخیز بسیار مناسبی بود، انتخاب کردند. این دو برادر به این دلیل ناحیه های در نزدیکی ساحل را برای مقصود خود برگزیدند که اولاً پوشش گیاهی مزاحمی در آنجا وجود نداشت و ثانیاً از چشمان جست و جوگر مردم عادی و همچنین رقیبان کاملاً به دور بود. آنها در نزدیکی دهکده ماهیگیری کیتی هاوک، کمپی را در Kill Hills Devil برپا کردند. در یک صبح پنجشنبه رویایی که باد

مناسبی نیز در فضای اطراف ساحل پیچیده بود ابتدا ارویل و سپس ویلبر و بعد بار دیگر ارویل و سپس ویلبر مجموعاً چهار پرواز انجام دادند. هوایمای دوباله آنها از روی یک ریل پرتاب چوبی به مسافت حدود ۶۰ فوت (بیش از ۱۸ متر) و در جهت مخالف بادی به سرعت بیش از ۲۰ مایل در ساعت (بیش از ۳۲ کیلومتر در ساعت) به هوا بر میخواست.

۲۹- چنگیز خان مغول:

چنگیز خان مغول (زاده ۱۱۵۵، ۱۱۶۲، یا ۱۱۶۷ میلادی - درگذشته ۱۲۲۷ میلادی)، با نام اصلی تموجین، خان مغول و سردار جنگی بود که قبایل مغول را متحد ساخت و با فتح قسمت زیادی از آسیا شامل چین، روسیه، ایران و خاورمیانه، و همچنین اروپای شرقی، امپراتوری مغول را پایه گذاری کرد.

خان مغول در آغاز خواهان روابط تجاری و بازرگانی با دولت خوارزمشاهی بود که این رابطه را لازمه دوستی و برقراری مناسبات مودت آمیز می دانست. در جریان همین تحولات، تعدادی از بازرگانان مسلمان، از قلمرو سلطان تعدادی اجناس از قماش و البسه به ولایت خان مغول بردند.

چنگیز در آغاز ورود این هیئت بازرگانی از ایران، با خشونت و تندی رفتار کرد، اما سرانجام از آنان دلجویی نمود و آنها را با خشنودی به وطن

بازگرداند. در بازگشت این هیئت، تعدادی بازرگان مغول که حدود چهار صد و پنجاه تن بودند و ظاهراً اکثرشان مسلمان بودند، با مقداری اجناس و مال التجاره به همراه هیئت ایرانی به قلمرو سلطان خوارزمشاه فرستاده و نامه‌ای مبنی بر تمایل به برقراری و توسعه روابط بین دو دولت تقدیم کرد.

اما غایر خان، حاکم اترار، این بازرگانان را که از سر حد آن ناحیه وارد قلمرو سلطان شده بودند، به اتهام جاسوسی در همان جا توقیف کرد، و با اجازه سلطان که در آن هنگام در ولایت عراق بود و گزارش غایر خان را نشانه سوء نظر چنگیز خان تلقی می‌کرد، آنها را به قتل رساند.

چنگیز سفیری ویژه به دربار سلطان خوارزمشاه فرستاد و درباره این پیشامد توضیح خواست، اما سفیر نیز به دستور سلطان به قتل رسید. چنگیز خان برای تلافی این اهانت، هجوم به قلمرو سلطان را اجتناب ناپذیر یافت. جنگ به فرار سلطان خوارزمشاهی انجامید و در اندک مدت ماوراء النهر، خراسان و عراق عرصه کشتار و ویرانی مغول شد.

۳۰- آدام اسمیت:

آدام اسمیت (زاده ۵ ژوئن ۱۷۲۳ - درگذشته ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۰) فیلسوفی اسکاتلندی بود که از او به عنوان پیشروی اقتصاد سیاسی و پدر علم اقتصاد مدرن یاد می‌شود.

وی همچنین از نظریه پردازان اصلی نظام سرمایه‌داری مدرن به شمار می‌رود؛ اسمیت ایده‌های خود را جمع به اقتصاد را در کتاب خود ثروت ملل به تفصیل شرح داده است. در سال ۲۰۰۷، بانک مرکزی بریتانیا سری جدیدی از اسکناس‌های ۲۰ پوندی را با تصویر آدام اسمیت منتشر کرد. او با نوشتن دو کتاب به نامهای نظریه عواطف اخلاقی در سال ۱۷۵۹ (میلادی) و بررسی درباره ماهیت و علل ثروت ملل در سال ۱۷۷۶ (میلادی) شناخته شد. کتاب آخر یکی از اولین تلاشها برای مطالعه سیستماتیک پیشرفت تاریخی صنایع و تجارت در اروپا است.

نظرات در مورد این دو کتاب متفاوت است. برخی این دو کتاب را هم جهت و برخی ناقض یکدیگر می‌دانند. برخی عنوان می‌کنند که اسمیت به نظریه عواطف اخلاقی قبلاً باور نداشته و با نگارش آن می‌خواسته جایگاه خود را به عنوان استاد فلسفه اخلاق تثبیت کند. اما به گمان برخی دیگر، نه تنها کتاب اول از روی مصلحت نوشته نشده، بلکه اساساً بررسی درباره ماهیت و علل ثروت ملل بسط و تعمیم نظریه عواطف اخلاقی در دیگر جنبه‌های رفتار آدمی است.

۳۱- ویلیام شکسپیر:

ویلیام شکسپیر (زاده ۱۵۶۴ میلادی - درگذشته ۱۶۱۶ میلادی) شاعر و نمایشنامه‌نویس انگلیسی که وی را بزرگ‌ترین نویسنده در زبان

انگلیسی دانسته‌اند. «سخن سرای آون» (Bard of Avon) لقبی است که به خاطر محل تولدش در آون واقع در استراتفورد انگلیس به وی داده‌اند.

همت بزرگ ترین نمایشنامه تمامی اعصار است. همت بر تارک ادبیات نمایشی جهان خوش می درخشد و دارای نقاط اوج، جلوه‌ها و لحظات بسیار کمیک است.

با توجه به تعداد نمایشنامه‌هایی که هر ساله از شکسپیر به صحنه می‌آید، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که او آنها را بسیار سریع می‌نوشته است. مثلاً گفته شده او فقط دو هفته وقت صرف نوشتن نمایشنامه زنان سر خوش وینزر (که در سال ۱۶۰۱ اجرا شد) کرده است. شکسپیر بیشتر نمایشنامه‌هایش را در اتاق کوچکی در انتهای ساختمان تماشاخانه می‌نوشته است. به احتمال زیاد شکل فشرده‌ای از نمایشنامه را از طرح داستان گرفته تا شخصیتها و سایر عناصر نمایشی، با شتاب به روی کاغذ می‌آورده. بعد آن را کمی می‌پروراند و در پایان، زمانی که بازیگرها خود را با نقشهای نمایشی انطباق می‌دادند، شکل نهایی آن را تنظیم می‌کرده است.

طرحهای شکسپیر اغلب چیز تازه‌ای نیستند. در حقیقت او این قصه را از خود خلق نمی‌کرده، بلکه آنها را از منابع مختلفی مثل تاریخ، افسانه‌های قدیمی و غیره بر می‌گرفته است. یکی از منابع آثار

شکسپیر کتابی بوده به نام شرح وقایع انگلستان، اسکاتلند و ایرلند اثر هالینشد شکسپیر قصه های بسیاری از نمایشنامه خود را از جمله: هانری پنجم، ریچارد سوم و لیر شاه را از همین کتاب گرفت.

ازدیگر آثاری که از نمایشنامه های شکسپیر به جا مانده است می توان به: شب دوازدهم، اتللو، هانری چهارم، هانری پنجم، هانری هشتم، تاجر ونیزی، ریچارد دوم، آنطور که تو بخواهی، رومئو و ژولیت، مکبث، توفان، تلاش بی ثمر عشق... اشاره کرد.

نمایشنامه رومئو و ژولیت در پنج پرده و بیست و سه صحنه تنظیم شده و اگر نمایشنامه تیتوس اندروونیکوس را به حساب نیاوریم؛ اولین نمایشنامه غم انگیز شکسپیر محسوب می شود. تاریخ قطعی تحریر آن معلوم نیست و بین سالهای ۱۵۹۱ و ۱۵۹۵ نوشته شده، ولی سبک تحریر و نوع مطالب و قراین دیگر نشان می دهد، که قاعدتاً بایستی مربوط به سال ۱۵۹۵ باشد.

۳۲- جان دالتون:

جان دالتون (زاده ۱۷۶۶ میلادی - درگذشته ۱۸۴۴ میلادی) شیمیدان و فیزیکدان بریتانیایی بود. معروفیت او بیشتر بخاطر پیشگامی او در نظریه اتمی است. او به عناصر و اجزاء مختلف و چگونگی درست شدن آنها اندیشید.

جان نظریه‌ای داشت که بر طبق آن، هر عنصری از اتم‌های مجزا تشکیل شده و تمام عناصر با یکدیگر متفاوت هستند زیرا اتم‌های سازنده هر کدام از آنها، با دیگری متفاوت است. او فکر می‌کرد که هر عنصری وزن مخصوص می‌دارد، زیرا از اتم‌های متفاوتی تشکیل شده. در سال ۱۸۰۸، جان دالتون کتابی با مضمون، نظامی نوین در فلسفه شیمی منتشر کرد که در آن وزن بسیاری از اتم‌های شناخته شده را جمع‌آوری و لیست کرده بود. مقدار عددی وزن‌هایی که او محاسبه کرده کاملاً دقیق نبودند، اما مبنایی بودند برای جدول تناوبی پیشرفته، اگرچه بسیاری نظریه دالتون در مورد ساختار اتم را نپذیرفتند، اما وی بر تحقیقات خود برای دفاع از نظریه‌اش ادامه می‌داد.

۳۳- اسکندر سوم مقدونیه:

اسکندر سوم مقدونیه (۳۵۶ قبل میلاد - ۳۲۳ قبل میلاد) معروف به اسکندر کبیر و در متون زرتشتی ایران معروف به اسکندر گجستک (ملعون)، پادشاه مقدونیۀ باستان بود. او در سال ۳۵۶ ق م در شهر پلا متولد شد و تا سن ۱۶ سالگی تحت تعلیم ارسطو قرار داشت. اسکندر توانست تا پیش از رسیدن به سن سی سالگی یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های دنیای باستان را شکل دهد که از دریای یونان تا هیمالیا گسترده بود. او در جنگ‌ها شکست ناپذیر می‌نمود و هرگز

شکست نخورد. از اسکندر به عنوان یکی از موفق‌ترین فرماندهان نظامی در سرتاسر تاریخ یاد می‌شود.

پس از آنکه پدر اسکندر، فیلیپ دوم مقدونیه، به قتل رسید، اسکندر در سال ۳۳۶ ق م به جای او بر تخت سلطنت نشست. اسکندر کشوری نیرومند و ارتشی کارآموده را از سلطنت پدرش به ارث می‌برد. سرلشکری یونان به او اعطا شد و او از این موهبت برای تحقق بخشیدن به بلندپروازی‌های نظامی پدرش نهایت استفاده را برد. در سال ۳۳۴ ق م به آسیای صغیر که تحت کنترل هخامنشیان قرار داشت هجوم برد و سلسله نبردهایی را به راه انداخت که ده سال به درازا انجامیدند. در آن زمان امپراتوری اسکندر گستره‌ای از دریای آدریاتیک تا رود سند را در بر می‌گرفت.

۳۴- ناپلئون یکم یا ناپلئون بناپارت؛

ناپلئون یکم یا ناپلئون بناپارت (زاده ۱۵ اوت ۱۷۶۹ میلادی - درگذشته ۵ مه ۱۸۲۱ میلادی)، به عنوان نخستین امپراتور فرانسه در فاصله سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۵ میلادی بر این کشور حکومت کرد و نقش بسزایی در تاریخ اروپا ایفا نمود.

ناپلئون در جزیره کرس متولد شد و به عنوان افسر توپخانه تعلیم دید. در وقایع بعد از انقلاب کبیر فرانسه به تدریج رشد کرد و در جنگ‌های مختلف فرماندهی نیروهای فرانسوی را برعهده داشت. در سال ۱۷۹۹،

ناپلئون طی یک کودتا خود را به عنوان کنسول اول منصوب کرد و عملاً قدرتمندترین فرد فرانسه شد تا آن که پنج سال بعد به مقام امپراتوری فرانسه رسید.

وی در اولین دههٔ قرن ۱۹ ارتش فرانسه را علیه اکثر قدرت‌های اروپایی هدایت کرد و پس از رشته‌ای از پیروزی‌ها موقعیت فرانسه را به عنوان یکی از قدرت‌های غالب قاره اروپا تثبیت کرد. در این دوره حوزه نفوذ فرانسه از طریق اتحاد‌های متعدد با سایر کشورها و انتصاب دوستان و اعضای خانواده ناپلئون به رهبری دیگر کشورهای تصرف شده توسط فرانسه، گسترش یافت.

۳۵- توماس آلوآ ادیسون:

توماس آلوآ ادیسون (زاده ۱۱ فوریه ۱۸۴۷ - مرگ ۱۸ اکتبر ۱۹۳۱) مخترع و بازرگان آمریکایی بود. وی وسایل متعددی را طراحی یا کامل کرد که مهم‌ترین و معروفترین آنها لامپ رشته‌ای است.

هنگامی که ادیسون در دوره ابتدایی درس می‌خواند مدیر مدرسه وی اعتقاد داشت که ادیسون شاگرد کودنی است و عذر وی را از مدرسه خواست. ادیسون در طول حیات علمی خویش توانست ۲۵۰۰ امتیاز اختراع را در ایالات متحدهٔ آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان به نام خود ثبت کند که رقمی حیرت‌انگیز و باورنکردنی به نظر می‌رسد.

واقعیت این است که بیشتر اختراعات وی تکمیل شده کارهای دانشمندان پیشین بودند و ادیسون کارمندان و متخصصان پرشماری در کنار خود داشت که در پیشبرد تحقیقات و به سرانجام رسانیدن نوآوری‌هایش یاریش می‌کردند.

دهنی ذغالی تلفن، ماشین چاپ، میکروفن، گرامافون، دیکتافون، کینتوسکوپ (نوعی دستگاه نمایش فیلم)، دینام موتور و لاستیک مصنوعی از جمله مواد و وسایلی هستند که بدست ادیسون و همکارانش ابداع یا بهینه شدند. ادیسون از اولین مخترعانی بود که توانست با موفقیت، بسیاری از اختراعات خود را به تولید انبوه برساند.

۳۶- آنتونی فیلیپس فان لیوونهوک:

آنتونی فیلیپس فان لیوونهوک (زاده ۲۴ اکتبر ۱۶۳۲ مرگ ۲۶ اوت ۱۷۲۳) پیشه‌ور و دانشمند هلندی از شهر دلفت در این کشور بود. به او لقب پدر میکروب‌شناسی داده‌اند و او را نخستین میکروب‌شناس می‌دانند.

او پسر یک سبده‌ساز بود. در شانزده سالگی شاگرد یک بازرگان پوشاک اسکاتلندی در آمستردام شد. او میکروسکوپ را بهبود بخشید و برای نخستین بار با میکروسکوپش توانست ساختار تک‌یاخته‌ای را ببیند، چیزی که خود نامش را انیمالکولس (animalcules) نهاد. او نخستین کسی است که بافت‌های ماهیچه‌ای، اسپرماتوزوئید، باکتری و

جریان خون درون مویرگها را دید. او بیش از ۴۰۰ میکروسکوپ ساخت که تنها نه تایش امروز به دست ما رسیده است.

۳۷- ویلیام مورتون:

ویلیام مورتون (۹ اوت ۱۸۱۹ - ۱۵ ژوئیه ۱۸۶۸) یک دانشمند در زمینه دندان پزشکی اهل آمریکا بود. و خیلی بیشتر از بسیاری شخصیت‌های مشهور و شناخته شده بر زندگی انسان تأثیر گذاشته است، زیرا مورتون کسی است که به کارگیری بیهوشی را در هنگام انجام اعمال جراحی ابداع کرد.

او در سال ۱۸۴۶ برای اولی بار از اتر به عنوان داروی بی حس کننده استفاده کرد تا بتواند دندان بیمار را بدون درد بکشد. قبل از آن یکی از همکاران وی تلاش کرده بود تا برای کشیدن دندان از اکسید نیترو (گاز خنده آور) استفاده کند.

مورتون وسیله فوق را برای مصرف داروی بی حس کننده اختراع کرد. او سعی داشت که بیهوشی بوسیله اتر را به طور اختصاصی در اختیار خود نگه دارد و بیشتر اوقات باقی مانده از زندگی خود را به مبارزه حقوقی برای حفظ این امتیاز اختصاص داد.

۳۸- گولیلمو مارکونی:

گولیلمو مارکونی (۲۵ آوریل ۱۸۷۴ - ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۷) مهندس برق ایتالیایی و دریافت کننده جایزه نوبل بود که در گسترش سیستم بی سیم

تلگرافی یا همان رادیو تاثیر بسیاری داشت. مارکونی رئیس فرهنگستان ایتالیا و عضو شورای عالی فاشیستی ایتالیا بود.

در سال ۱۸۹۵ تجربیات و فعالیتهای آزمایشگاهی اش را در آزمایشگاه پدرش در پونتچیو شروع کرد جایی که اولین سیگنالها و نشانههای رادیویی تلگراف بی سیم را در فاصله یک و نیم مایلی مخابره کرد. در سال ۱۸۹۶ مارکونی تجهیزات آزمایشگاهی خود را به انگلیس آورد و در آنجا با سر ویلیام پریس مهندس الکترونیک اداره پست آشنا شد و بعد از یک سال حق ثبت امتیاز نخستین سیستم تلگراف بی سیم را دریافت کرد و این اختراع را به نام خود ثبت کرد.

یکی از دستگاههای فرستنده رادیویی او با موفقیت تمام سیستم مخابره بی سیم خود را در لندن بین ایستگاه مخابراتی سالیزبوری و بریستول در معرض نمایش گذاشت و در ژولای ۱۸۹۷ کمپانی تلگراف بی سیم و سیگنال را با مسوولیت محدود تأسیس کرد. این شرکت در سال ۱۹۰۰ به کمپانی تلگراف بی سیم مارکونی تغییر نام داد. در همان سال سیستم بی سیم خود را در حضور مقامات دولتی ایتالیا در اسپتیزا به معرض نمایش گذاشت. این نمایش در ایتالیا در فاصله ۱۲ مایلی انجام شد که رکوردی چشمگیر تا آن زمان بود.

در سال ۱۸۹۹ ارتباط تلگراف بی سیم میان دو کشور فرانسه و انگلیس برقرار شد. او ایستگاههای بی سیم ثابتی را در نیدلز، ایسل آو

ویت، بورن موث و پس از آن در هاون هتل، پول و دورست ایجاد کرد. وی همچنین در سال ۱۹۰۰ شماره مشهور ۷۷۷۷ را برای امتیاز مخابرات بی سیم هم فرکانس را به نام خود ثبت کرد.

۳۹- آدولف هیتلر:

آدولف هیتلر (زاده ۲۰ آوریل ۱۸۸۹ - درگذشته ۳۰ آوریل ۱۹۴۵) رهبر کاریزماتیک حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان (حزب نازی) بود. او بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ صدر اعظم آلمان و از ۱۹۳۴ به بعد، هم زمان در مقام پیشوای رایش آلمان بزرگ نیز حکومت کرد. هیتلر به عنوان یک کهنه‌سرباز نشان‌دار جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۰ میلادی به حزب نازی پیوست و در سال ۱۹۲۱ به ریاست آن رسید. او در سال ۱۹۲۳ به خاطر شرکت در کودتایی نافرجام معروف به «کودتای آجوفروشی مونیخ» به تحمل ۵ سال زندان محکوم شد و در همین دوران کتاب نبرد من را نوشت. او پس از آزادی از زندان، با ترویج ایده‌های ملی‌گرایی، ضد کمونیستی، یهودستیزی و ایراد سخنرانی‌های پرشور بر ضد پیمان ورسای، حامیان بسیاری در کشور آلمان به‌دست آورد.

هیتلر در سال ۱۹۳۳ به مقام صدراعظمی رسید. مجموعه ارتشی-صنعتی آلمان در زمان صدارت وی توانست قوای تحلیل رفته این کشور را ترمیم و آن را تبدیل به یکی از قدرتهای برتر اروپا در زمان خود

نماید. هیتلر سیاست خارجی خود را با هدف سیاست لبرسراوم دنبال نمود و یکی از دلایل نخست و عمده وقوع جنگ جهانی دوم تهاجم به لهستان در ۱۹۳۹ بود که در نتیجه، بریتانیا و فرانسه به آلمان اعلام جنگ کردند.

جنگی که بین دو قدرت نیروهای محور و نیروهای متفقین درگرفت و در طی این مدت اروپا و همچنین سایر نقاط دنیا شاهد ویرانی‌ها و تلفات بسیار بود. اگرچه در عرض سه سال، آلمان و نیروهای متحدش بیشتر مناطق اروپا، بخش‌های بزرگی از آفریقا، شرق آسیا و اقیانوسیه را اشغال کردند اما نیروهای متفقین از سال ۱۹۴۲ به بعد، از آنان پیشی گرفته و در سال ۱۹۴۵، رایش آلمان بزرگ را از هر سو احاطه نمودند. هیتلر در ۲۹ آوریل ۱۹۴۵ در روزهای پایانی نبرد برلین با اوا براون که برای سال‌های طولانی معشوقه او بود ازدواج کرد. در ۳۰ آوریل یعنی یک روز پس از ازدواجش، به همراه همسرش خودکشی کرد^(۷).

^۷ - برای طمع و استکبار خود جنگ جهانی دوم را در سال ۱۹۳۸ شعله ور ساخت که ۵۰ میلیون انسان را به هلاکت رسانید.

ودریعضی از تواریخ نوشته شده است:

سال ۱۹۳۳ هیتلر صدراعظم آلمان شد. او به‌علاوه عضوی از ارتش آلمان در جنگ جهانی اول هم بود. هنگامی که قصد آزمایش روش‌های نوین کشتار را داشت، باعث مرگ ۳۰۰۰۰ فرد شد. تنفر هیتلر از یهودی‌ها باعث شده بود که در لهستان ۹۰ درصد آن‌ها را بکشد، زیرا باور

۴۰- آریستوکلس (افلاطون یا پلاتون):

آریستوکلس ملقب به افلاطون یا پلاتون (زاده ۴۲۷/۴۲۸ قبل میلاد - درگذشته ۳۴۷/۳۴۸ قبل میلاد) دومین فیلسوف از فیلسوفان بزرگ سه گانه یونانی (سقراط، افلاطون و ارسطو) است. افلاطون نخستین فیلسوفی است که آثار مکتوب از او به جا مانده است. همچنین بسیاری او را بزرگ‌ترین فیلسوف تاریخ می‌دانند.

مهم‌ترین کتابی که از افلاطون به جای مانده رسالهٔ جمهور است. برخی از افلاطون‌شناسان معتقدند، افلاطون جملاتی را به این رساله افزوده و در حقیقت وی صحبت‌ها و اندیشه‌های خودش را از زبان سقراط بیان کرده‌است. در تمام آثار افلاطون می‌توان گفتگوهای سقراط را با اشخاص گوناگون، به‌طور دقیق و با ذکر نام دید. رسالهٔ جمهور، هنر و زیبایی را از دیدگاه افلاطون و سقراط به بهترین وجه نشان می‌دهد. این رساله حاصل مکالمات سقراط با گلاوکن (برادر افلاطون)، سیمياس، هیپوکراتس و چند فرد دیگر است.

داشت که جنگ جهانی اول را به خاطر یهودیان باخته است. در زمان حیاتش، هیتلر ۵۰ میلیون نفر را کشت و در آخر هم با خودکشی به زندگی‌اش پایان داد. (آبوشاکرمسلم)

۴۱- الیور کرامول؛

الیور کرامول (۱۵۹۹-۱۶۵۸) تنها رئیس جمهور بریتانیا بود. در ۱۶۴۲ جنگ‌های داخلی انگلستان بین طرفداران پارلمان و سلطنت طلب‌های هوادار شاه چارلز اول آغاز شد.

ارتش پارلمان گراها که به خوبی توسط توماس فیرفکس و اولیور کرامول سازماندهی شده بودند موفق به شکست سلطنت طلب‌ها طی دو نبرد مارستن مور در ۱۶۴۴ و نیزبی در ۱۶۴۵ شدند. چارلز اول دستگیر و پس از تحمل بیش از دو سال زندان در ژانویه ۱۶۴۹ گردن زده شد. با اعدام پادشاه، اولیور کرامول اعلام جمهوری کرد و خود را رئیس جمهور نامید اما چون با مقاومت مجلس اعیان روبرو شد مجلس را منحل کرد و روی در آن نوشت «اجاره داده می‌شود». جمهوری او، که با جمهوری‌های متداول امروزی متفاوت بود و بیشتر به دیکتاتوری شباهت داشت، تشکیل شده بود از سه کنسول، سه اسقف، سی نماینده پارلمان که همه آنها را وی تعیین کرده بود و در راس همه آنها خود کرامول قرار داشت. وی عده زیادی از مخالفانش را گردن زد. پرونده جمهوری انگلستان با مرگ وی تا کنون بسته است.

۴۲- الکساندر گراهام بل؛

الکساندر گراهام بل (زاده ۳ مارس ۱۸۴۷ - درگذشته ۲ اوت ۱۹۲۲) مخترع، مبتکر و دانشمند بریتانیایی بود. بل اختراعات زیادی

داشته‌است اما شهرت او بیشتر به خاطر اختراع تلفن است. از دیگر اختراعات معروف وی می‌توان به فلزیاب اشاره کرد.

الکساندر گراهام بل مخترع تلفن در شهر «ادینبورو» اسکاتلند متولد شد. وی گرچه چند سالی پیش به مدارس رسمی نرفت ولی با همت خودش و تلاش خانواده‌اش از تحصیلات ممتازی برخوردار گردید. از آنجا که پدر گراهام متخصص فیزیولوژی صدا، اصلاح گفتار و آموزش به ناشنوایان بود علاقه و توجه او به مبحث بازیافت اصوات و صداها کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید.

گراهام بل در سال ۱۸۷۱ به شهر بوستون در ایالت ماساچوست آمریکا نقل مکان کرد. در آنجا در سال ۱۸۷۵ به برخی کشفیات مختلف دست یافت که سرانجام به اختراع تلفن منتهی گردید.

۴۳- الکساندر فلمینگ کاشف پنی‌سیلین؛

الکساندر فلمینگ کاشف پنی‌سیلین در سال ۱۸۸۱ در «لاچفیلد» اسکاتلند زاده شد. وی از مدرسه پزشکی بیمارستان «سنت مری» لندن فارغ‌التحصیل شد و پس از پایان تحصیلات به تحقیق و بررسی در زمینه ایمنی شناسی و مصونیت‌ها پرداخت.

سپس به عنوان پزشک نظامی در جنگ جهانی اول زخم‌های عفونی را مورد مطالعه قرار داد و متوجه شد که اغلب مواد ضد عفونی کننده

خیلی بیش از آنکه میکروب‌ها را از پای درآورند سلول‌های بدن را از بین می‌برند.

به این ترتیب فلمینگ به ضرورت وجود ماده‌ای که بتواند بدون آسیب زدن به سلول‌های سالم باکتری را از بین ببرد، پی برد. او در سال ۱۹۴۵ موفق به دریافت جایزه نوبل پزشکی شد.

۴۴- جان لاک:

جان لاک (مرگ ۱۷۰۴- زاده ۱۶۳۲) از فیلسوفان سده ۱۷ میلادی انگلستان بود که به طور گسترده به عنوان پدر لیبرالیسم کلاسیک شناخته می‌شود. لاک از مهمترین شارحان نظریه قرارداد اجتماعی و پیروان مکتب تجربه‌گرایی است.

نظرات او بر پیشرفت شناخت‌شناسی و فلسفه سیاسی مؤثر بود. او از تأثیرگذارترین اندیشمندان عصر روشنگری شمرده می‌شود. نوشته‌های او بر ولتر و ژان ژاک روسو، بسیاری از اندیشوران اسکاتلندی و انقلابیون آمریکائی اثرگذار بود. این تأثیر را می‌توان در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا مشاهده کرد.

فرضیه لاک در مورد ذهن معمولاً خاستگاه تصورات امروزی در مورد آگاهی و خود شمرده می‌شود. فرضیه‌ای که در آثار فیلسوفانی چون دیوید هیوم، ژان ژاک روسو و ایمانوئل کانت برجستگی می‌یابد. لاک نخستین فیلسوفی بود که «خود» را از طریق استمرار «هوشیاری» تعریف

کرد. او معتقد بود که انسان‌ها چون لوح پاک و دست نخورده و تھی از دانش زاده می‌شوند و هیچ دانسته درونی و ذاتی ندارند بلکه هر آنچه می‌دانند از راه مشاهده (تجربه) به دست می‌آید.

۴۵- لودویگ فان بتهوون:

لودویگ فان بتهوون (غسل تعمید در ۱۷ دسامبر ۱۷۷۰ - درگذشته ۲۶ مارس ۱۸۲۷) یکی از موسیقی‌دانان برجسته آلمانی بود که بیشتر زندگی خود را در وین سپری کرد. وی یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های موسیقی در دوران کلاسیک و آغاز دوره رمانتیک بود. بتهوون، به‌عنوان موسیقی‌دان تاریخ، همیشه مورد ستایش قرار گرفته و آوازه او موسیقی‌دانان، آهنگ‌سازان، و شنوندگانش را در تمام دوران تحت تأثیر عمیق قرار داده‌است. در میان آثار شناخته‌شده وی می‌توان از سمفونی نهم، سمفونی پنجم، سمفونی سوم، سونات پیانو پاتتیک، سونات مهتاب، و هامرکلاویر، اپرای فیدلیو و میسا سولمنیس نام برد.

۴۶- ورنر کارل هایزنبرگ:

ورنر کارل هایزنبرگ (زاده ۱۹۰۱ - درگذشته ۱۹۷۶) فیزیکدان آلمانی و برنده جایزه نوبل فیزیک و یکی از بنیانگذاران فیزیک کوانتومی بوده است.

وی در سال ۱۹۰۱، در وورتسبورگ و در یک خانواده دانشمند متولد شد. تحصیلات خود در فیزیک را زیر نظر آرنولد زومرفلد به پایان

رسانید. در سال ۱۹۲۴ دستیار ماکس بورن در گوته‌نگن بود و بعد در کپنهاگ با نیلز بوهر همکاری می‌کرد.

مهم‌ترین کشف هایزنبرگ نامعادله مشهور عدم قطعیت است. این نامعادله می‌گوید که در مکانیک کوانتومی، قطعیت اندازه‌گیری تکانه و مکان با هم رابطه معکوس دارند. کارهای بارزش دیگر هایزنبرگ در فیزیک ذره‌ای و هسته‌ای است.

جزء و کل یکی از تالیفات هایزنبرگ است. این کتاب به نوعی خاطرات هایزنبرگ را بیان می‌کند و به طور مثال در بردارنده چگونگی پیوستن او به دانشکده فیزیک دانشگاه مونیخ، آشنایی او با نیلز بوهر، رفتار هایزنبرگ در زمان رایش سوم، بحث‌های علمی و فلسفی با افراد مختلف و بسیاری از جوانب زندگی این دانشمند بزرگ است.

۴۷- لویی ژاک:

لویی ژاک مانده داگر نقاش فرانسوی و مبدع فن عکاسی در سال ۱۷۸۷ میلادی متولد شد. لوئی ژاک مانده داگر هنرمند و فیزیک‌دان فرانسوی بود که برای اختراع فرآیند داگر‌توتیپ، در تاریخ عکسبرداری، نامی شناخته شده است. داگر در تاریخ هجدهم نوامبر سال ۱۷۸۷ میلادی در کورمی آن پریزیس، وال دواز، فرانسه به دنیا آمد. وی پس از فراگیری نقاشی و فیزیک، برای سن‌های تئاتر، پرده‌هایی جالبی طراحی می‌کرد.

داگر نزد نخستین هنرمند نقاشی‌های سراسرنما، پیر پروو؛ معماری، طراحی صحنه تئاتر و نقاشی سراسرنما را فراگرفت. وی در زمینه طراحی صحنه تئاتر بسیار پیشرفت کرد و طراح پرآوازه‌ای شد تا آنجا که نخستین دایوراما را ساخت و در سال ۱۸۲۲م در پاریس آن را رونمایی کرد.

با توجه به تأثیرات نور، داگر به این فکر افتاد تا تصویری که حاصل می‌شود را به صورت عکسی ثابت و دائمی درآورد. در سال ۱۸۲۲م، ژوزف نیسפור نیپس نخستین عکس دائمی جهان را تولید کرد. برای همین، سه سال بعد داگر دستیار نیپس شد و آن‌ها ۴ سال با یکدیگر همکاری کردند. نیپس به صورت ناگهانی در سال ۱۸۳۳م از دنیا رفت. او یک چاپگر بود و فرایندی که او به کار می‌برد بر پایه روشی سریع برای تولید صفحه‌های (پلاک) چاپ بود. داگر گمان می‌کرد روش نیپس به او در پیشبرد دایوراما که ساخته خودش بود، کمک خواهد کرد.

در نهایت پس از سال‌ها تجربه‌اندوزی، در ۷ ژانویه ۱۸۳۹م، داگر همراه با آکادمی علوم فرانسه اعلام کردند که فرایند عکاسی که بر رویش کار می‌کردند به کمال خود رسیده است.

۴۸- سیمون بولیوار:

سیمون بولیوارفرمانده انقلابی و سیاستمدار ونزوئلایی، یکی از چندین رهبر جنبش استقلال طلبانه در آمریکای جنوبی بود.

او ابتدا در ونزوئلا و سپس در اروپا تحصیل کرد. او در اروپا توانست دانش‌های ادبی و علمی خود را عمیق‌تر کرده و با انقلاب فرانسه آشنا شود. آرمان‌های دموکراتیک الهام‌گرفته از انقلاب فرانسه زندگی او را تحت تأثیر قرار داده و او را به مبارزه برای استقلال آمریکای جنوبی متقاعد کردند.

مبارزهٔ جدی استقلال‌طلبانه مردم ونزوئلا برای آزادی در ۱۸۱۰ آغاز گشت و فرماندهی آنرا ژنرال فرانسیسکو د میراندا به‌عهده داشت. او از بولیوار دعوت به همکاری و پیوستن به سپاه مبارز آزادیخواه ونزوئلا با درجه سرگردی کرد. بولیوار به این سپاه آزادی‌طلب پیوست. از آوریل سال ۱۸۱۰، کلنل بولیوار به یکی از رهبران عمدهٔ جنبش آزادی‌بخش ونزوئلا تبدیل شد. با این حال، در ژوئن سال ۱۸۲۱ بود که پس از پیروزی در کارابوبو توانست اسپانیایی‌ها را از خاک ونزوئلا بیرون براند. از آن پس سیمون بولیوار تلاش خود را معطوف آزاد کردن سایر مستعمرات اسپانیادر قاره آمریکای جنوبی کرد. جنگ در پس جنگ بولیوار موفق شد جمهوری بزرگ کلمبیا را متشکل از کشورهای کلمبیا، ونزوئلا و اکوادور آزاد تشکیل دهد. او مبارزات استقلال‌طلبانه دیگر کشورهای آمریکای لاتین مانند پاناما، بولیوی و پرو را نیز رهبری کرد.

۴۹- رنه دکارت:

رنه دکارت علاوه بر فیلسوف از ریاضیدانان و فیزیکدانان بزرگ عصر رنسانس نیز بوده است، طوریکه او را پدر هندسه تحلیلی نیز نامیده اند.

او در ۳۱ مارس ۱۵۹۶ در فرانسه به دنیا آمد و پس از طی دوره تحصیلی هشت ساله در بیست سالگی به جهان گردی پرداخت و از آن پس به قول خودش کوشید در پی خرد برود. از این رو به ارتش هلند پیوست و به جنگ رفت و بدین ترتیب اوقاتی از عمر را در قسمتهای گوناگون اروپا گذراند در ۱۶۲۹ باز هم روانه هلند شد و نزدیک بیست سال در آنجا و در آرامش به تحقیقات خود پرداخت.

دکارت در ابتدا برای دستیابی به معرفت یقینی، از خود پرسید: آیا اصل بنیادینی وجود دارد تا بتوانیم تمام دانش و فلسفه را بر آن بناکنیم و نتوان در آن شک کرد؟ راهی که برای این مقصود به نظر دکارت می‌رسید، این بود که به همه چیز شک کند. او می‌خواست همه چیز را از اول شروع کند و به همین خاطر لازم می‌دانست که در همه دانسته‌های خود (اعم از محسوسات و معقولات و شنیده‌ها) تجدید نظر نماید. بدین ترتیب شک معروف خود را که بعدها به روش شک دکارتی معروف شد آغاز کرد.

۵- میکلا آثر:

میکلا آثر نقاش، پیکرتراش، معمار و شاعر ایتالیایی. زادروز وی ۶ مارس ۱۴۷۵ در کاپرزه در نزدیکی شهر توسکانی است. میکلا آثر یکی از هنرمندان نابغه تاریخ و معروفترین چهره رنسانس ایتالیا است.

میکلا آثر که یک مرد واقعی رنسانس بود، در نقاشی، مجسمه‌سازی، مهندس، و شعر استعداد بالایی داشت، اما اولویّت او برای مجسمه‌سازی بود، زیرا مجسمه‌سازی فرصت‌های متعددی برای الهام و تجلیل از بدن انسان در اختیار او قرار می‌داد. به عنوان یک مجسمه ساز، میکلا آثر کار خود را آغاز کرده و نخستین مجسمه خود را بین سال‌های ۱۴۹۶ و ۱۵۰۱ در رم ساخت.

اولین و احتمالاً تنها نقاشی او بر روی سه پایه، در حدود سال ۱۵۰۳، با نام خانواده مقدس کشیده شد. زندگی میکلا آثر همزمان با یک دوره از قدرت عظیم پاپ بود، و از سال ۱۵۰۵، از زمانی که او قراردادی را برای مقبره پاپ ژولیوس امضا کرد، او تحت فشارهای سیاسی، جنگ، دستورات پاپ و سفارشات ضد و نقیض بود.

بزرگترین نقاشی او، دکوراسیون کلیسای سیستین به تنهایی بین سال‌های ۱۵۰۸ و ۱۵۱۲ توسط وی نقاشی شده است. این اثر پر هیبت نشان دهنده صحنه‌های خلق و عهد عتیق تا داستان نوح بوده و با دریافت جرعه‌های زندگی توسط آدم از خدا آغاز می‌شود. این تم

های نمادین، که به طور ساختمانی تقسیم شده است، طرحی پیچیده ایجاد کرده که دارای تنوع گسترده و یکپارچگی جادویی می باشد.

در سال ۱۵۳۷، میکلا آنژ شروع به ساخت آخرین داوری Last Judgment در دیوار انتهایی کلیسا کرد. در اینجا، چشم انداز مجسمه سازی و معماری، جای خود را به چرخش، فضا و نمایش های تصویری بیشتری از انسان های شکنجه شده داده و نشان دهنده ناخشنودی، سرخوردگی، و افزایش شک و تردید مذهبی میکلا آنژ است.

وی در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۵۶۴ در رم درگذشت.

۵- پاپ اوربان دوم:

پاپ اوربان دوم (زاده ۱۰۴۲ میلادی - درگذشته ۲۹ ژوئیه ۱۰۹۹ میلادی) یکی از پاپ های کلیسای کاتولیک روم بود و در مارس ۱۰۸۸ به مقام پاپ رسید و فرمان اولین جنگ صلیبی را صادر نمود. پاپ اوربان دوم جنگ های صلیبی را در سال ۱۰۹۵ در شورای کلمونت تعریف و آغاز کرد. او اصلاح طلبی بود که نگران بدکارانی بود که مانع موفقیت معنوی کلیسا و روحانیون مسیحی بود و احساس نیاز برای احیای مذهب در میان مردم می کرد.

او توسط درخواست فوری آلکسیوس تحریک شد. تصمیم پاپ برای آغاز جنگ های صلیبی بر ضد مسلمانان به طرز ناگهانی در آخرین

روز شورا اعلام شد. او از تمام شاهان اروپایی خواست تا جنگ برای بازپس گیری سرزمین‌های مقدس را آغاز کنند. او تقدس بیت المقدس و سرزمین‌های مقدس را در کنار غارت‌ها و هتک حرمت‌های ترکان کافر قرارداد و با توصیف آزار و اذیت زائران خشم عمومی را برانگیخت. او همچنین خطر نظامی به مسیحیان روم شرقی را خاطر نشان کرد. او مسیحیان را موظف به شرکت در این امر مقدس کرد و قول داد همه آنهایی که به جنگ روند گناهانشان آمرزیده خواهد شد و آنهایی که در جنگ کشته می‌شوند مستقیماً به بهشت داخل می‌شوند.

۵۲- ابو حفص عمر بن الخطاب العدوی القرشی:

أبو حفص عمر بن الخطاب العدوی القرشی (عربی: عمر بن الخطاب) ملقب به عمر فاروق، (زاده ۵۹۰ یا ۵۸۶ میلادی و درگذشته ۶ نوامبر ۶۴۴) صحابهٔ محمد، فرمانده نظامی در سپاه صدر اسلام و خلیفه دوم از خلفای راشدین بود.

در دوران حکومت عمر بن خطاب گستردگی امپراتوری اسلام به شکل بی سابقه‌ای وسیع شد و همه سرزمین‌های تحت حکومت ساسانیان و دو سوم امپراتوری روم شرقی را در بر می‌گرفت. حملات وی به

امپراتوری ایران در دوران ساسانی در مدت کمتر از ۲ سال موجب سقوط این دودمان گردید^(۸).

^۸ - اسم کنیه عمر بن الخطاب رضی الله عنه: أبوحفص، متولد ومتوفی: (۴۰ ق هـ - ۲۳ هـ = ۵۸۴ - ۶۴۴ م).

نام و نسب أبوبکر رضی الله عنه: عمر بن الخطاب بن نفیل بن عبد العزی بن ریح بن قرظ بن رزاح بن عدی بن کعب بن لؤی.

قبیله أبوبکر رضی الله عنه: قریشی وعدوی.

عمر رضی الله عنه دوم خلیفه اسلام بوده و اولین کسی است که لقب أميرالمؤمنین را برایش داده اند. او مرد عاقل، شجاع، دانا و فاتح بود، کسیکه در عدالت نظیر ومثالی ندارد. زمانیکه علماء از عدل وانصاف حرفی بزنند، طور نمونه از او یاد می کنند.

او در جاهلیت از جوانان نیرومند قریش بود که درحقیقت از او به عنوان سفیر جوان قریش یاد آوری شده است.

خیلی از مردم، از او هیبت وترس داشتند، زمانیکه حکم وفرمانی را در جاهلیت صادر می نمود کسی در اراده وحکم او عکس العملی نشان نمی داد.

علماء می گویند اسلام چندین نام دارد و یکی از نام های اسلام «عمر» است.

او یکی از دو عمرهایی است که رسول الله ﷺ در حق ایشان دعا نمود که: «باراهی! اسلام را به یکی از این دو عمرها عزت عنایت فرما».

عمر رضی الله عنه یکی از ده شخصیتی است که در دنیا مژده ورود به بهشت را از زبان نبی مکرم اسلام ﷺ دریافت کرد.

الله همواره حق را از زبانش جاری ساخته بود و در بسیاری از موارد وحی الهی در مقام تأیید رأی ایشان نازل می گردید. رأی ایشان در مورد اسرای بدر، عدم نماز جنازه بر منافقین، حجاب ازواج مطهرات، مصلی قرار دادن مقام ابراهیم، حرمت شراب و... مورد تأیید قرآن مجید قرار گرفته اند.

ابوحفص فاروق عمر بن خطاب بن نفیل بن عبدالعزی قریشی عدوی در سال سیزدهم بعد از واقعه عام الفیل - چهل سال قبل از هجرت - دیده به جهان گشود .
او در دوران جوانی دارای قاطعیت و صلابتی خاص واز جایگاه والایی در میان قریش برخوردار بود .

هنگامی که قریش با قومی دیگر منازعه و درگیری پیدا می کرد و نیاز به رای می شد، ایشان را به عنوان سفیر می فرستادند. در میان یاران و اصحاب نبی مکرم اسلام از عمر فاروق به عنوان یک شخصیت برجسته ، شجاع، قاطع، اندیشمند، عادل و فاتحی به نام یاد می شود وطوریکه گفتیم و اولین کسی است که به امیرالمؤمنین ملقب گشت.

فاروق اعظم رضی الله عنه در سال ششم بعثت در سن ۲۷ سالگی به اسلام مشرف گشت.

اسلام آوردن عمر رضی الله عنه یکی از معجزات رسول اکرم ﷺ بود زیرا روز قبل، آن پیامبر اسلام دعا کرده بود که: «اللهم أعز الإسلام بأحبّ هذين الرجلين إليك؛ یا بی جهل او بعمربن الخطاب» (سنن الترمذی).

(بار الهی! دین اسلام را با هر کدام از این دو نفر که در نزد تو محبوبتر هستند نصرت بفرما؛ با ابو جهل یا اینکه با عمر بن خطاب) .

روزی خباب بن ارت به قصد تعلیم قرآن به فاطمه بنت خطاب (خواهر عمر) و همسرش سعید بن زید رضی الله عنه به منزل آنان رفته بود. در همین اثناء عمر رضی الله عنه در حالی که حامیل شمشیر را به گردنش آویخته بود تا با اسلام و پیامبر الله تسویه حساب نموده و پیامبر را به شهادت برساند. صدای تلاوت قرآن از داخل منزل خواهرش به گوشش رسید در را گشود، پس از درگیری و ضرب و شتم خواهر و دامادش ، با تلاوت آیاتی از قرآن کریم ، انقلاب بزرگی در درونش پدید آمد و پرسید : محمد کجاست؟! خباب رضی الله عنه هنگامی که گفتار عمر رضی الله عنه را شنید از مخفی گاه خود بیرون آمد و فریاد برآورد: ای عمر! سوگند به الله من امیدوارم که الله تو را مشمول دعای رسول ﷺ گردانیده باشد؛ من دیروز از ایشان شنیدم که می فرمود: «بار الها اسلام را بایکی از این دو نفر - ابو جهل یا عمر بن خطاب - تقویت بگردان».

عمر رضی الله عنه بلافاصله از او پرسید: ای خباب! پیامبر را اکنون کجا می توانم بیابم؟ خباب پاسخ داد: در محل صفا داخل منزل ارقم بن ابی الارقم. عمر رضی الله عنه به دار ارقم رفت رسول الله ﷺ چند قدم از جای خود به پیشواز او رفت و حمایل و شمشیرش را گرفت و فرمود: «مأنت منتهي يا عمر حتى ينزل الله بك من الخزي والنكال ما أنزل بالوليد بن المغيرة اللهم هذا عمر بن الخطاب اللهم أعز الدين بعمر. فقال عمر: أشهد أنك رسول الله ﷺ. فأسلم (دلائل النبوة للبيهقي).

ای عمر! آیا زمان آن فرا نرسیده که از کردارت دست برداری قبل از اینکه مانند ولید بن مغیره مورد سرزنش و عذاب الهی قرار بگیری؟ بارالها! این عمر بن خطاب است، دین را با او عزت ببخش.

آنگاه عمر رضی الله عنه اعلام فرمود: گواهی می دهم که تو رسول الله هستی. و - به ایمن ترتیب - اسلام آورد. با اسلام آوردن عمر رضی الله عنه دعوت دین مقدس اسلام در سرزمین مکه علنی و آشکار شد زیرا او در همان لحظات نخستین که در منزل ارقم اسلام را پذیرفت خطاب به رسول الله ﷺ و مسلمین فرمود: ای رسول الله! قسم به ذاتی که شما را به پیامبری مبعوث کرده است بیا از این جا بیرون شویم و به طور روشن به اعلام موضع خود بپردازیم. مسلمانان به همراه عمر رضی الله عنه وارد مسجد الحرام شدند و نماز را در اطراف کعبه برگزار کردند و کسی از قریشیان جرأت ممانعت نداشت. اینجابود که پیامبر اکرم ﷺ ایشان را ملقب به «فاروق» کردند؛ زیرا الله با اسلام وی بین حق و باطل جدایی افکند.

عمر رضی الله عنه پنج سال پیش از هجرت مشرف به اسلام گردید، و در واقعه های بزرگ اسلام حضور داشت، و نمونه ای از شجاعت و دلاوری در اسلام میباشد تاجاییکه عبدالله بن مسعود درباره او می گوید: «ما جرئت نماز خواندن نزدیک خانه ای کعبه را نداشتیم تا زمانی که عمر مسلمان شد.»

عکرمه می گوید: «دین محمد ﷺ بعد از مشرف عمر به اسلام هرگز پنهان و مخفی نماند.»

عزیزم: به شخصی مانند عمر پسر خطاب نگاه کن! روزی که اسلام آورد-نه یا ده ساعت بعد از اسلام آوردنش- نزد رسول الله ﷺ رفت ، وگفت: ای رسول الله ﷺ آیا ما برحق نیستیم؟! رسول الله ﷺ فرمود: بله. گفت: آیا دشمنان و کفار باطل نیستند؟ رسول الله ﷺ فرمود: بله! گفت: پس چرا مخفی هستیم؟! رسول الله ﷺ فرمود: چه کار کنیم ای عمر؟! گفت: خارج شویم و دعوت خود را آشکار کنیم ، به همین دلیل رسول الله ﷺ او را شجاع و فاروق نامید ، چون بین حق و باطل فرق وجدائی قرار دارد.

عمر رضی الله عنه یکی از تجارت پیشه هایی بود که بین شام و حجاز تجارت می نمود. و بعد از وفات ابوبکر رضی الله عنه در سنه ۱۳ هـ همراهی او مسلمانان بیعت نمودند و مدت ده سال خلافت نمود.

وقتی ابوبکر صدیق رضی الله عنه فوت کرد و مردم برای بیعت با عمر رضی الله عنه می آمدند یکی به عمر رضی الله عنه گفت: ای امیر المؤمنین الله ولایت این امت را به تو سپرده که تورا امتحان کند لذا از الله بترس و بدان اگر گوسفندی در ساحل فرات گم شود در قیامت از تو بازجویی میشود!. عمر رضی الله عنه گریه کرد وگفت: از روزی که خلیفه شده ام هیچ کس مثل تو بامن به صداقت سخن نگفته است!. تو کیستی؟ گفت: من ربیع بن زیاد هستم. عمر گفت: برادر مهاجر بن زیاد؟ گفت: بله.

عمر رضی الله عنه به ابوموسی اشعری رضی الله عنه نامه نوشت وگفت: که در امر خلافت این فرد یار ماست. چند روز بعد ابوموسی رضی الله عنه برای فتح مناذر در اهواز سپاهی درست کرد و ربیع و مهاجر در پیشاپیش سپاه بودند. در این جنگ برادرش مهاجر رضی الله عنه شهید شد و ربیع بن زیاد رضی الله عنه هم مناذر را فتح کرد. در روزیکه سجستان (سیستان امروز) را فتح کنند ربیع بن زیاد رضی الله عنه فرمانده بود...

عمر رضی الله عنه در ایام خلافت اش ، شام و عراق را به طور کامل فتح نمود ، و قدس ، مدائن ، مصر و الجزیره را فتح کرد.

حتی گفته شده است در خلافت اش دوازده هزار منبر (کرسی خطابت) را جور نمود.

عمر رضی الله عنه اولین کسی است که تاریخ هجری را بنیان گذاری نمود تا وقایع تاریخ را بطور ساده یاد آوری نمود.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه میفرماید: از زمانی که عمر رضی الله عنه اسلام آورد ما در عزت و سربلندی زندگی می کردیم. روزی که عمر رضی الله عنه برای فتح مقدس رفت ؛ ابن جراح رضی الله عنه و غلامش همراهش بود ، آنها به نوبت سوار شتر می شدند ، وقتی که نوبت غلام رسید و عمر رضی الله عنه پایین آمد ، کنار حوض آبی رفت و خم شد تا از آن بنوشد. ابو عبیده بن جراح گفت: جلوی مردم این کار را نکن ، مردم منتظر شما هستند تا کلیدها را به شما تحویل دهند... شما با لباسهای گلی بر آنان وارد میشوید! عمر رضی الله عنه جواب داد: ای ابو عبیده! اگر کسی غیر از تو این جمله را می گفت: می دانستم با او چکار کنم ، ای ابو عبیده! ما ذلیل ترین مردم بودم... گفت: ما ذلیل ترین مردم بودم و الله ما را به اسلام عزت داد و اگر عزت را در غیر از اسلام بجویم ، الله ما را خوار و ذلیل می گرداند.

عمر رضی الله عنه اولین کسیکه بیت المال برای مسلمانان بنیان گذاری نمود. و برای اولین بار بصره و کوفه به فرمان او بنیاد شدند. و نیز اولین بار به فرمان او وزارت خانه و خزانه داری را بنیان گذاری نمود.

عمر رضی الله عنه یگانه خلیفه ای که شبها و روزها تنها بالای کوچه و پس کوچه ها می رفت تا ببیند که رعیت وی در چه حالتی قرار دارند و بدانند که کدام آن محتاج کمک است تا برای آن کمک و همکاری نماید. و بنگرد که در کدام کوچه خصومت است تا آنرا حل نموده و قضاوت نماید.

امام زهری روایت می کند که: «وقتی که یک فیصله ای مشکل نزد عمر رضی الله عنه آورده می شد ، کهن سالان و ریش سفیدان را جمع می نمود و با آنها پیرامون مسئله مشورت می کرد».

و حتی به شهرهای بزرگ و ایالات خلافت اش میرفت و از احوال مسلمانان جویا میشد ، روزی از روز ها خلیفه ی مسلمانان عمر رضی الله عنه به حمص رفت ، و مردم را طلب نمود و فرمود که از

سعد که والی حمص است چه شکایتی دارید؟

مردم آنجا از سعد چهار شکایت کردند:

همه روز در کارش ، یک ساعت ناوقت به وظیفه اش حاضر میشود.
شبها اصلا به مردم دروازه خویش را باز نمی کند و دروازه خود را قفل میکند.
در یک ماه یک روز به وظیفه اش نمی آید.
روزانه گاهی اوقات بی هوش میشود و می افتد.
عمر رضی الله عنه سعد را طلب کرد و فرمود: این شکایات در مورد توست؟ سعد در جواب
گفت: من نمیخواهم چیزی بگویم اما اینکه شما می گوید این شکایات را جواب میدهم.
اینکه شما فرمودید:
همه روز ، در کار ام یک ساعت ناوقت به وظیفه ام می آمم اینکه: همسری دارم آن مریض است ،
صبح برای آن نان پخته میکنم و پیش روی آن میگذارم تا بخورد سپس به وظیفه ای خود می آمم
اینجاست که یک ساعت ناوقت ام میشود.
واینکه شما گفتید شبها دروازه ام قفل میباشد و با مردم کاری ندارم ، من روز ها با مردم سرو کار
دارم ، و برای آنها خدمت میکنم (یعنی: روز را برای مردم مختص داده ام) ، اما شب را مختص به
الله نمودم و راز و نیاز و عبادت او را میکنم.
واینکه شما گفتید: در یک ماه یک روز به وظیفه ام نمی آمم ، چون یک لباس دارم ، و آنرا ماه یک
بار شستشو می نمایم از این رو نمیتوانم در یک ماه یک روز به وظیفه ای خود بیایم.
و اما اینکه گفتید: روزانه گاهی اوقات بی هوش میشوم و به هوش نمی آمم ، چون من در وقت
تعذیب خواب بن ارت در صحنه حاضر بودم ، و قتیکه چگونگی عذاب دادن او به یادم می
آید بی هوش میشوم.
عمر گفت: الحمدلله که بهترین والی را مقرر نمودم بر حمص.
عمر رضی الله عنه دارای سخنان جوامع و طلائمی و رساله های یکه انسان را به هدفش می رساند ،
او از جمله کسانی بود که همیشه سخنانش را میخواست به اشعار بسرودد.
در عصر خلافت اش در درهم ها نوشت «الحمدلله» و در بعضی آن نوشت: «لا إله إلا الله وحده»
و در بعضی از درهم ها نوشت: «محمد رسول الله».
از عمر رضی الله عنه در کتب حدیث (۵۳۷) حدیث روایت شده است.

وی رضی الله عنه محبت خاصی با اطفال داشت ، سیدنا عمر رضی الله عنه هنگامیکه بچه ها را می دید آنها را طوری در آغوش می گرفت ، که سر های ایشان به هم میخورد و می گفت: این گونه باشید ، زمان مرگ که خون از بدنش جاری بود چشم هایش را باز کرد تا پرسد: آیا مردم نماز خوانده اند؟!

و در انگشتی وی نوشته بود: « کفی بالموت واعظا یا عمر » (کافیست برای مرگ وعظ و نصیحت ای عمر).

در حدیث آمده است : «اتقوا غضب عمر، فإن الله يغضب لغضبه» (کنز العمال ۳۲۷۸۶).

یعنی: از غضب و غصه ای عمر بترسید زیرا الله غضب و غصه میشود به غضب و غصه او.

لقب او را «فاروق» و کنیه او را «أبو حفص» رسول الله صلی الله علیه وسلم تعین نمود.

بود عمر رضی الله عنه که در عهد نبی علیه السلام قضاء و فیصله می نمود.

عمر رضی الله عنه یکی از عادات او همیشه در نمازها گریه می کرد ، عبد الله بن شداد لیثی -رحمه

الله- می گوید: «در آخر صفوف نماز صبح بودم و صدای گریه ی عمر -رضی الله عنه- را

شنیدم درحالیکه این آیه را می خواند ﴿إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ﴾ [یوسف: ۸۶] ،

"شکایت پریشان حالی و اندوه خود را تنها به [درگاه] الله می برم" (رواه البخاری)

عمر رضی الله عنه در نماز صبح اغلب سوره های کهف، طه و دیگر سوره های بزرگ را می خواند و

گریه می کرد، به طوری که تا چندین صف صدای گریه ایشان به گوش می رسید. یک بار در

نماز صبح سوره یوسف را می خواند، وقتی به این آیه رسید: ﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ

وَأَعْلَمُ مِنْ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۸۶] «گفت: از غم و اندوهم تنها به پروردگار

شکایت می برم و از سوی پروردگار چیزی می دانم که شما نمی دانید».

چنان گریه کرد که صدای ایشان در سینه حبس شد. در نماز تجمد گاهی به قدری گریه می کرد که

بیهوش می شد و بر زمین می افتاد. این است حال آن شخصی که از شنیدن نام وی، لرزه بر

اندام پادشاهان و فرمانروایان بزرگ جهان می افتاد. امروز نیز بعد از حدود چهارده قرن شوکت

و عظمت ایشان بر سر زبان ها جاری است. امروز هیچ حاکم و پادشاهی نیست که با یک

فرد معمولی از رعایای خود اینگونه رفتار و برخورد کند.

۵۳- آشوکا شاه:

آشوکا شاه پیرامون دو سده و نیم پس از بودا، شاهی از دودمان موریا بنام آشوکا به کیش بودایی و آموزه‌های بودایی باور راستین یافت و همه زندگی خود را وقف تحقق عملی اصول آن نمود. موریاها به احتمال زیاد از تبار سکا‌های ایرانی تبار بودند که از شمال به هند درآمدند.

بود عمر رضی الله عنه دارای رنگ روشن و سفید. دارای قد و اندازه بزرگ و پشرف ترین مردم بود که ریش انبوه و دراز داشت که رنگ می نمود ریش خود را با حینه(حننا) و وسمه. بعضی اوقات عمر فاروق حسی در دست می گرفت و می فرمود: «کاش من این خس می بودم» و گاهی می فرمود: «کاش من از مادر متولد نمی شدم» یک بار مشغول کاری بود که شخصی آمد و اظهار داشت: فلان شخص بر من ظلم کرده است، شما با من بیایید و از وی انتقام بگیرید. ایشان به او یک شلاق زد و اظهار داشت: «وقتی که برای این کار تعیین شده تو در آن وقت مراجعه نمی کنی، حالا که من مشغول کاری دیگر شده‌ام نزد من آمده‌ای تا انتقام تو را از او بگیرم؟» آن شخص از آنجا رفت. ایشان فردی را به دنبال وی فرستادند و او را احضار کردند و شلاق را به دست او داد و فرمود: حالا از من انتقام بگیر. او عرض کرد: من برای رضای الله تعالی تو را بخشیدم. عمر رضی الله عنه به خانه آمد و دو رکعت نماز خواند و پس از آن چنین به خود خطاب کرد: ای عمر! تو بی ارزش بودی، الله به تو مقام و منزلت داد. تو گمراه بودی، الله تو را هدایت کرد. تو ذلیل و پست بودی، الله به تو عزت و شرف بخشید، و بر مردم حاکم قرار داد. حالا شخصی نزد تو آمده و از تو دادخواهی می کند و تو او را می زنی، فردای قیامت به بازگناه پروردگار خود چه جوابی داشت؟ تا مدت زیادی اینچنین خود را ملامت و نکوهش می کرد.

وبلاخره در نماز صبح عمر رضی الله عنه را «أبو لؤلؤه فیروز ایرانی» (غلام مغیره بن شعبه) توسط خنجری در کمر و بغل او زد و سبب شهادتش گردید البته بعد از زدن با خنجر سه شب زنده بود و بعد از آن وفات گردید. (أبو شاکر مسلم)

آشوکای بزرگ از سال ۲۷۳ تا ۲۳۲ پیش از زایش مسیح فرمانروایی کرد. وی پسر بیندوساره از شاهان موریایی بود و بر بیشتر شبه قاره هندوستان از بخش‌هایی از افغانستان امروزی گرفته تا میسوره در دوردست‌های بنگال و تا جنوب گوآی کنونی فرمان راند.

شوکارگزاران خود را به دادگری فرمان داد و وارسانی نیز بر آنها گمارد و تا حد امکان بر آزاد ساختن زندانیان فرمان می‌داد. وی کشتار جانوران را نیز محدود ساخت و برای مردم و نیز جانوران بیمارستان ساخت. برای خانواده خویش رسم ویژه‌ای در پیوند با صدقه دادن و برآوردن نیازهای نیازمندان بنیاد نهاد. ارج و احترام به همه دینها را بایسته شمرد و به دیدار مردم دینهای دیگر می‌شتافت.

۵۴- اوگوستین قدیس:

مارکوس اورلیوس اوگوستینوس (زاده ۳۵۴ میلادی - درگذشته ۴۳۰ میلادی) معروف به اوگوستین قدیس از تأثیرگذارترین فیلسوفان و اندیشمندان مسیحیت در دوران باستان و اوایل قرون وسطی محسوب می‌گردد. او از شکل دهندگان سنت مسیحی غربی (کاتولیک و پروتستان) به حساب می‌آید.

شغل اصلی او آموزش سخنوری و بلاغت بود و به همین خاطر در سال ۳۸۳ میلادی برای کسب مال و یافتن مخاطبان خوب به شهر رم سفر کرد. در رم با فلسفه‌های افلاطونی، اپیکوری، و رواقی آشنا

گردید و سپس به مکتب شکاکيون جديد گرويد؛ اما شکاکيون هم او را اقناع نکردند.

پس از مدتی اوگوستين برای يافتن شغل مناسب به شهر ميلان رفت. در اين شهر به تفسير نو افلاطونی از مسيحيت گرايش پيدا کرد و اين امر موجب شد تا در سال ۳۸۶ اوگوستين دين مسيحي را پذيرد. پس از آن، معشوقه اش را ترک کرد و چنان مسيحي کامل و متعصبی شد که در سال ۳۹۱ ميلادی ردای کشيشی بر تن کرد.

اوگوستين در سال ۳۹۵ ميلادی به مقام اسقفی رسيد. اوگوستين رسالات بسياری نوشته است که در حدود ۹۰ درصد آنها باقی مانده است. مهمترين و مشهورترين اثر او که "اعترافات" نام دارد، زندگی نامه فلسفی، اعتقادی اش می باشد. وی بنیان گذار بسياری از افکار و سنت هایی است که از سوی کلیسا پذيرفته شد و در طول قرون وسطی به عنوان سنن اصلی مسيحي در اروپا رايج بود.

۵۵- ویلیام هاروی:

ویلیام هاروی (زاده آوریل ۱۵۷۸ میلادی - درگذشته ۳ ژوئيه ۱۶۵۷ میلادی) طبيب بزرگ و زیست شناس انگلیسی بود که برای اولین بار دستگاه گردش خون را کشف و تشریح کرد که خون از طریق قلب پمپ می شود. وی در ایتالیا تحصیل کرد و در مراجعت کتابی راجع به

گردش خون نوشت و در اين كتاب وى با دلائل قاطع ثابت كرد كه خون در بدن انسان دائم در حال گردش است.

اثر بزرگ هاروي تحت عنوان «رساله‌اي تشریحي درباره حرکت قلب و خون در حیوانات» كه در سال ۱۶۲۸ چاپ و منتشر شد به حق مهم‌ترین كتاب در تمام تاريخ فیزیولوژی شناخته شده است.

این اثر در واقع نقطه آغازین فیزیولوژی مدرن است. اهمیت اصلي این كتاب نه در کاربردهای مستقیم آن بلکه در فراهم آوردن درك اساسي از چگونگی کار بدن انسان می‌باشد. امروزه برای ما كه با آگاهی از اینکه خون در بدن جریان دارد بزرگ شده‌ایم و آن را امری مسلم و آشكار می‌دانیم تئوری هاروي كاملاً بدیهی به نظر می‌رسد. اما آنچه كه اکنون این چنین ساده و مشهود است برای هیچ يك از زیست‌شناسان قديمی شناخته شده نبود.

۵۶- ارنست رادرفورد:

ارنست رادرفورد (زاده ۱۸۷۱ میلادی - درگذشته ۱۹۳۷ میلادی) فیزیک دان هسته‌ای اهل نیوزلند بود. بزرگترین دستاورد رادرفورد در دانشگاه منچستر ، کشف ساختار هسته اتم بود. پیش از رادرفورد ، اتم به گفته خود او ، یک موجود نازنین سخت و قرمز و یا به حسب سلیقه خاکستری بود.

اما اینک یک منظومه شمسی بسیار ریز، متشکل از ذرات بی شمار بود که مظنون به نفته داشتن اسرار ناگشوده متعدد دیگر در سینه هم بود. سهم رادرفورد در شکل گیری درک کنونی ما از ماهیت ماده از هر کس دیگری بیشتر است. او آشکارا، از بزرگترین فیزیکدانان است و تا آن زمان، آزمایشگری به بزرگی او نیامده بود. دهها انجمن علمی و دانشگاه به او عضویت و درجات دانشگاهی افتخاری دادند. او را پدر انرژی هسته‌ای نامیده‌اند.

۵۷- ژان کالون:

ژان کالون (زاده‌ی ۱۵۰۹ - درگذشته‌ی ۱۵۶۴)، مصلح، متکلم شهیر فرانسوی که از بزرگ‌ترین علمای فرقه‌ی پروتستان به حساب می‌آمد. وی را بنیانگذار کالونیسم می‌دانند.

او پس از طی تحصیلات خود در رشته‌های حقوق و الهیات، همه‌ی توجه خود را به آیین پروتستان معطوف کرد. در ۱۵۴۱ در ژنو اقامت گزید و در آنجا جمهوری دینی تأسیس کرد. جهت گیری‌های او در پذیرش آیین جدید باعث اخراج او از شهر شد ولی، در غیاب او، ژنو دست خوش آشفتگی سیاسی و مذهبی شد.

از این رو مردم بار دیگر او را به ژنو دعوت کردند. او معتقد بود درستکاران را خدا انتخاب می‌کند و کسی نمی‌تواند در این وضع تغییری بدهد. این اصل مورد سوءاستفاده‌ی فراوان قرار گرفت. کالون

موجد فرقه‌ای است که به نام خود او کالونیسم نامیده شده است و پیروان او را کالونیست گویند.

۵۸- یوهان گرگور مندل:

یوهان گرگور مندل (تولد ۲۰ ژوئیه ۱۸۲۲ - درگذشت ۶ ژانویه ۱۸۸۴) کشیشی اتریشی است که به عنوان پدر دانش ژنتیک نوین شناخته می‌شود.

گرگور مندل در سال ۱۲۴۴ توانست قوانین حاکم بر انتقال صفات وراثتی را که حاصل آزمایش‌هایش روی گیاه نخود فرنگی بود، شناسایی کند. ولی از آنجایی که در جامعه علمی آن زمان بسیاری از افراد با نفوذ همچنان نظریات داروین و لامارک را صحیح می‌پنداشتند به دیدگاه‌ها و کشفیات او اهمیت چندانی ندادند و نتایج کارهای مندل به دست فراموشی سپرده شد.

به نظر می‌رسید، پرونده این دانش رو به بسته شدن است. در سال ۱۹۰۰ میلادی کشف مجدد قوانین ارائه شده از سوی مندل، توسط درویس، شرماک و کورنز باعث شد که نظریات او مورد توجه و قبول قرار گرفته و مندل به عنوان پدر علم ژنتیک شناخته شود.

۵۹- ماکس پلانک:

ماکس کارل ارنست لودویگ پلانک (زاده ۲۳ آوریل ۱۸۵۸ - درگذشته ۴ اکتبر ۱۹۴۷) یکی از مهم ترین فیزیک دانان آلمان در سده ۱۹ میلادی و اوایل سده ۲۰ بود. او را پدر نظریه کوانتوم می شناسند. او در یکی از رشته های فیزیک به نام ترمودینامیک که به مطالعه روابط بین گرما و گونه های دیگر انرژی می پردازد، کار می کرد. کارش به ارایه نظریه کوانتوم که تشعشع را بر حسب توده های انرژی بجای امواج توصیف می کند، می انجامد. «ثابت پلانک»، انرژی یک توده یا کوانتوم از تشعشع را به فرکانس تشعشع ربط می دهد. «زمان پلانک»، درست لحظه پس از انفجار بزرگ است. که پس از آن قوانین کنونی فیزیک قابل توجیه هستند.

در سال ۱۹۱۸ آلبرت انیشتین، نیلز بوهر و ارنست رادرفورد، که همگی مستحق کسب جایزه نوبل بودند، با توافق پلانک را مستحق ترین شخص برای کسب این افتخار دانستند. بدین ترتیب پلانک به اخذ جایزه نوبل نائل آمد و استاد دانشگاه برلین گردید.

۶۰- جوزف لیستر:

جوزف لیستر (۱۸۲۷-۱۹۱۲)، جراحی انگلیسی بود که نخستین بار، مسئله ضد عفونی کردن اجسام در هنگام جراحی را مطرح ساخت.

لیستر در سال ۱۸۱۶، جراح بیمارستان گلاسگو اینفیرماری، بزرگترین بیمارستان شهر گلاسگو، گشت.

او در دوران طبابت خود در این بیمارستان، مجبور بود افراد بسیاری را که در حوادث گوناگون مجروح شده بودند معالجه کند. زخم‌های اکثر این بیماران، اغلب عفونی می‌شد. در این هنگام، اطراف زخم، متورم و ملتهب می‌شد و زخم، عفونت می‌کرد. لیستر همواره در پی آن بود که از بروز این نوع آلودگی‌ها جلوگیری کند.

او ابتدا کوشید تا محل زخم را تمیز نگه دارد؛ اما این مسئله نیز کمکی به او نمی‌کرد. سپس لیستر در سال ۱۸۶۴، با یک تجربیات دانشمند فرانسوی به نام لوئی پاستور آشنایی پیدا کرد. پاستور ثابت کرده بود که میکروبهای ریزی در هوا وجود دارند که باعث خراب شدن شیر و فاسد شدن گوشت می‌شوند. لیستر اندیشید که شاید عفونت زخما نیز بر اثر وجود میکروبهای موجود در هوا است.

لیستر کوشید تا با ریختن فنول بر روی میکروبهای مودزی، آنها را از بین ببرد. به این ترتیب، او در کم کردن میزان عفونت بسیار موفق بود و متقاعد شد که به کار بستن این تئوری، برای از میان بردن عفونت مفید است.

در سال ۱۸۶۷، لیستر مقاله‌ای برای یکی از مهم‌ترین مجلات پزشکی نوشت و در آن به شرح کامل عفونت پرداخت و راه مقابله با

آن را به تفصیل ذکر کرد. تئوری لیستر در ابتدا به طور کامل پذیرفته نشد؛ اما ۲۵ سال بعد، بیشتر جراحان از ماده ضدعفونی برای معالجه زخمها در هنگام عمل، استفاده می کردند. امروزه؛ تمامی پزشکان دنیا از ایده‌ای پیروی می کنند که نخستین بار جوزف لیستر، آن را مطرح نمود.

۶- نیکلاوس آوگوست اتو:

نیکلاوس آوگوست اتو (زاده ۱۰ ژوئن ۱۸۳۲ و درگذشته ۲۶ ژانویه ۱۸۹۱) مهندس آلمانی بود که در سال ۱۹۶۱ اولین موتور بنزینی را اختراع کرد و تا سال ۱۸۷۶ اولین موتورهای درون‌سوز را ساخت. او موتور چهار زمانه اتو و موتور دو زمانه اتو را اختراع کرد. با این که در آن زمان، ایده ساخت موتورهای چهار زمانه وجود داشت ولی او اولین کسی بود که توانست آن را عملی کند و اولین موتور چهار زمانه را با نام موتور چهارزمانه اتو بسازد.

او اولین موتور چهار تکانه خود را در سال ۱۸۶۱ درست کرد. سپس با همکاری یک صنعتگر آلمانی به نام Langer Evgen طرح خود را پیشرفته تر کرد و توانست مدال طلایی نمایشگاه در ۱۸۶۷ پاریس را از آن خود کرد. قبل از پایان سال ۱۸۷۶ اتو با استفاده از یک چرخه پیستون چهار تکانه یک موتور احتراق درونی ساخته بود که امروزه به افتخار او چرخه اتو نامیده میشود.

در این طراحی پیستون سبب فشرده شدن مخلوط گاز و هوا در سیلندر میشود که يك انفجار دروني را به دنبال دارد. او امتیاز ۳۶۵۷۰۱ را به خاطر موتور گازی خود دریافت کرد. به سبب کارایی و قابلیت اعتماد و صدای کم موتورهای او تو بیش از ۳۰۰۰۰ تای آنها در ده سال بعد به فروش رفت. او همچنین سیستم های احتراقی مغناطیسی با ولتاژ کم را برای موتورهایش توسعه داد که سبب آسانی روشن شدن میشوند.

۶۲- فرانسیسکو پیزارو:

فرانسیسکو پیزارو (پیسارو) گنزالس (زادهٔ پیرامون ۱۴۷۱/۱۴۷۶ - مرگ ۲۶ ژوئن ۱۵۴۱) کشورگشای نامی دارای تابعیت پادشاهی استیل بود. وی گشایندهٔ امپراتوری اینکا و پایه گذار شهر لیما، پایتخت کنونی کشور پرو است. در روز ۱۶ نوامبر ۱۵۳۲ میلادی، فرانسیسکو پیزارو، ماجراجوی اسپانیایی با خدعه و نیرنگ، ناجوانمردانه آتاهاوالپا امپراتور اینکا را به اسارت درآورد.

فرانسیسکو پیزارو یک سرباز خشن و بی سواد اسپانیایی، پس از کشف قاره آمریکا توسط کریستف کلمب، زادگاه خود منطقه استرمادورا در اسپانیا را ترک کرد و به قصد ماجراجویی روانه دنیای جدید شد.

۶۳- ارنان کورتز یا هرنان کورتس؛

ارنان کورتز یا هرنان کورتس (زاده ۱۴۸۵ - درگذشته ۲ دسامبر ۱۵۴۷) کنکیستادور و سردار اسپانیایی، فاتح امپراتوری آزتک در قاره آمریکا است.

کورتس از سال ۱۵۰۴ به متصرفات جدید اسپانیا در قاره آمریکا رفت و در سال ۱۵۱۸ به فرماندهی گروه اکتشاف مکزیک گماشته شد. پادشاه اسپانیا در آن زمان شاه کاستیل نام داشت.

کورتس با قوایی متشکل از تنها ۶۰۰ سرباز و تعدادی اسب در سواحل دریای کارائیب (ساحل شرقی مکزیک امروزی) لنگر انداخت. نیروهای اسپانیایی تحت فرمان او پس از بنیان نهادن شهر ساحلی وراکروز به سمت شمال و مرکز مکزیک حرکت کردند و در نوامبر سال ۱۵۱۹ به پایتخت آزتکها شهر نوشیتیلان رسیدند.

هر چند در ابتدا با استقبال آزتکها مواجه شد، اما پس از آن، جنگهایی بین آزتکها و نیروهایش رخ داد. کورتس پادشاه آزتکها را دستگیر کرد و برای آزادی اش از مردم خواست تسلیم شوند. تا اوت سال ۱۵۲۱ تمام قلمرو وسیع و پرجمعیت امپراتوری آزتک به تصرفش در آمد. به این ترتیب مکزیک به مستعمره اسپانیا تبدیل گشت. استقلال مکزیک تا ۱۸۱۰ محقق نشد.

۶۴- توماس جفرسون:

توماس جفرسون یکی از متفکرین اصلی و بنیانگذاران آمریکا (برای ترویج دادن ایده‌آل‌های جمهوری خواهی در آمریکا)، نویسنده اصلی اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و سومین رئیس جمهور آمریکا است.

توماس جفرسون از سال ۱۸۰۱ میلادی دو دوره متوالی چهار ساله رئیس جمهوری آمریکا بود. این زمان مصادف است با سالهای ۱۱۷۹- ۱۱۸۷ هجری خورشیدی که طی آن فتحعلی شاه قاجار پادشاه ایران بود.

مهم‌ترین وقایع در طول ریاست جمهوری وی خرید ایالت لوئیزیانا در ۱۸۰۳ و اکتشاف لوئیس و کلارک هستند. به عنوان یک سیاست مدار فیلسوف وی حامی روشنگری بود و بسیاری از رهبران روشن فکر در بریتانیا و فرانسه را می‌شناخت.

۶۵- ایزابلا ییکم:

ایزابلا ییکم معروف به ایزابلا کاتولیک (زاده ۲۲ آوریل ۱۴۵۱ - درگذشته ۲۶ نوامبر ۱۵۰۴) شهبانوی کاستیا از ۱۴۷۴ تا ۱۵۰۴ و پس از ازدواجش با فردیناند دوم در ۱۴۶۹، شهبانوی آراگون از ۱۴۷۹ تا ۱۵۰۴ بود.

او و فردیناند با فتح گرانادا در ۱۴۹۲ اسپانیای واحد را پایه گذاردند و ایزابلا حمایت مالی از سفرهای اکتشافی کریستف کلمب در دنیای جدید را برعهده گرفت. آنها همچنین در همان سال دست به اخراج یهودیان از اسپانیا زده و در ۱۵۰۲ نیز مسلمانان گرانادا که مسیحی نشده بودند را اخراج کردند.

هنگامیکه اعراب اسپانیا را در قرن هشتم میلادی فتح کردند شطرنج را به اسپانیا آوردند. اما بنا بر تحقیق تاریخ نگاران شطرنج، آن شطرنج به شکل امروزی نبود تا این که ایزابلا در اوج قدرت خود قرارگرفت و این چنین شد که Queen (وزیر در زبان فارسی) به قدرتمند ترین مهره شطرنج تبدیل شد. دکتر وستولد که کتابی در مورد تکامل شطرنج مدرن تدوین نموده است می گوید شطرنج همیشه دنیای واقعی را منعکس نموده است.

۶۶- ژوزف استالین؛

ژوزف استالین (زاده ۱۸ دسامبر ۱۸۷۸- درگذشته ۵ مارس ۱۹۵۳) رهبر و سیاست مدار کمونیست شوروی بود که از اواسط دهه ۲۰ تا مرگش در ۱۹۵۳ رهبر عملی حزب کمونیست اتحاد شوروی و در نتیجه رهبر دو فاکتوی کل این کشور بود. میلیون‌ها نفر در شوروی به فرمان او قتل عام شدند.

او در ۱۹۲۲ به مقام دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید. پس از مرگ ولادیمیر لنین، استالین موفق شد در مبارزه قدرت در دهه ۲۰ بر لئون تروتسکی پیروز شود و رهبری حزب را در دست گیرد. در دهه ۱۹۳۰ استالین تصفیه کبیر را آغاز کرد که به کمپینی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ به اوج رسید.

استالین متهم است که با فرمان مصادره گندم و غذاهای دیگر بین سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ عامل قحطی فراگیر در روسیه و بعدها قتل عام دهقانان شد.

حکومت استالین را بسیاری به «کیش شخصیت پرستی» و شیوه‌های مخفی حذف مخالفین محکوم می‌کنند. نیکیتا خروشچف، جانشین استالین، حکومت و کیش شخصیت استالین را در کنگره معروف حزب کمونیست شوروی در ۱۹۵۶ محکوم کرد و پروسه استالین زدایی را آغاز کرد که بعدها به جدایی چین و شوروی انجامید.

۶۷- ژولیوس سزار:

گایوس ژولیوس سزار یا ژول سزار یا قیصر (زاده ۱۲ یا ۱۳ ژوئیه ۱۰۰ پیش از میلاد - درگذشته ۱۵ مارس ۴۴ پیش از میلاد) «دیکتاتور» و رهبر نامدار سیاسی و نظامی جمهوری روم بود.

او در کنار کراسوس و پومپی یکی از فرماندهان سه گانه روم بود. اکثر مورخان گشایش سرزمین گل به دست او را یکی از مهمترین وقایع دوران باستان و آغازگر شکل گیری تمدن کنونی فرانسه می دانند. او همچنین رهبری نخستین لشکرکشی روم به بریتانیا را در دست داشت اگرچه گرفتاری هایش با سنا و پومپی آن را بی سرانجام گذارد. او همچنین لژیون هایش را به آن سوی رود روبیکون رهبری نمود.

وی در پی جنگی داخلی که در ۴۹ (پیش از میلاد) به راه انداخت فرمانروای بی چون و چرای روم گشت. پس از آن به اصلاحاتی کلان در جمهوری روم دست زد و راه به سوی خودکامگی پیمود. این کارها دوست پیشین سزار مارکوس یونیوس بروتوس و دسته ای دیگر از سناتورها را به کشتن سزار برانگیخت. کشتن سزار چندی بیشتر جمهوری روم را پایدار نگه داشت. دو سال پس از مرگ او سنای روم وی را یکی از خدایان روم شناخت.

۶۸- ویلیام فاتح؛

ویلیام اول انگلستان (زاده حدود ۱۰۲۷ یا ۱۰۲۸ میلادی - درگذشته ۱۰۸۷ میلادی) که با عنوان ویلیام فاتح شناخته می شود، اولین پادشاه سلسله نورمن ها در تاریخ انگلستان است. او در سال ۱۰۶۶، پس از پیروزی علیه انگلوساکسون ها به قدرت رسید و به عنوان پادشاه کنترل شدیدی بر دولت مرکزی اعمال کرد.

ویلیام در فالیس نرماندی واقع در شمال غربی فرانسه به دنیا آمد. او پسر رابرت اول، دوک نرمانادی، بود و در حدود هشت سالگی در سال ۱۰۳۵ نرماندی را به ارث برد. در دوران نوجوانی او، آشوب‌ها و قیام‌های زیادی به وقوع پیوست. او در سال ۱۰۴۷ و با کمک اربابش، هنری اول پادشاه فرانسه، شورش بزرگی را در نبرد والس دیونز قلع و قمع کرد.

از آن به بعد، ویلیام با سیاست مشت آهنین بر نرماندی حکومت می‌کرد. او در روز کریسمس سال ۱۰۶۶ و در وست مینستر تاج پادشاهی را بر سر نهاد. ویلیام فاتح زمین‌های افرادی را که در مقابل او مقاومت کرده بودند تصرف کرد، قسمت زیادی را برای خود ضبط کرد و قسمت‌های دیگری را به واسطه ارائه خدمات نظامی به طرفدارانش بخشید. او در سال ۱۰۸۶، تمام زمین‌داران زیر دست خود را وادار به ادای سوگند وفاداری به طور مستقیم به عنوان پادشاه کرد.

۶۹- زیگیموند شلومو فروید:

زیگیموند شلومو فروید (زاده ۶ مه ۱۸۵۶ - درگذشته ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹) عصب‌شناس اتریشی که پدر علم روانکاوی شناخته می‌شود. فروید در سال ۱۸۸۱ از دانشگاه وین پذیرش گرفت و سپس در

زمینه‌های اختلالات مغزی و گفتاردرمانی و کالبدشناسی اعصاب میکروسکوپی در بیمارستان عمومی وین به تحقیق پرداخت.

او به عنوان استاد دانشگاه در رشته نورویاتولوژی در سال ۱۸۸۵ منصوب و در سال ۱۹۰۲ به عنوان پروفیسور شناخته شد. در ایجاد روانکاوی و روش‌های بالینی برای روبرو شدن با علم آسیب شناسی روانی از طریق گفتگو بین بیمار و روانکاو فروید تکنیک‌هایی را مثل استفاده از تداعی آزاد (به روشی گفته می‌شود که در آن بیمار هرآن چه را به ذهنش خطور می‌کند، بیان می‌نماید) و همچنین کشف انتقال (فرایندی که در آن بیمار و روانشناس خاطرات کوچکی خود را با هم در میان می‌گذارند) و همچنین فرایند تحلیلی روانشناسی را ارائه کرد.

بازتعریف فروید از تمایلات جنسی که شامل اشکال نوزادی هم می‌شد به او اجازه داد که عقده ادیپ (احساسات محبت آمیز بچه نسبت به والدین جنس مخالف خود) را به عنوان اصل مرکزی نظریه روانکاوی درآورد. تجزیه و تحلیل او از خود و رویاهای بیمارانش به عنوان یک آرزوی تحقق یافته او را به یک مدل برای تجزیه و تحلیل علائم بالینی و سازکار سرکوب رسانید و همچنین برای بسط نظریه خود مبنی بر اینکه ناخودآگاه یک مرکز برای ایجاد اختلال در خودآگاه است از آن استفاده کرد.

فریود وجود زیست‌مایه (لیبیدو) را قطعی می‌دانست (به نظر او لیبیدو انرژی روانی - جنسی است. منبع آن اروس یعنی مجموع غرایز زندگی است. لیبیدو با مرگ می‌جنگد و می‌کوشد انسان را در هر زمینه به پیروزی برساند. این نیرو را شهوت نیز می‌نامند. زیست‌مایه بیش از هر چیز معنای جنسی دارد)

۷۰- ادوارد جنر:

ادوارد جنر (تولد ۱۷ مه ۱۷۴۹ - مرگ ۲۶ ژانویه ۱۸۲۳) یک پزشک انگلیسی بود که کاربرد واقعی واکسیناسیون را کشف کرد. او را همچنین پدر ایمنی شناسی می‌دانند و گفته می‌شود کار او بیش از هر کس دیگری جان انسان‌ها را نجات داده است.

ادوارد در ۱۷ ماه می ۱۷۴۹ در برکلی به عنوان هشتمین بچه‌ی خانواده زاده شد. به علت موقعیت پدرش توانست از تحصیلات ابتدایی خوبی برخوردار شود و از سن چهارده سالگی به مدت هشت سال تحت تعالیم یکی از جراحان بود. در سال ۱۷۷۰ وی به بیمارستان سنت جورج رفت و تحت تعالیم جراح جان هانتز قرار گرفت. وی به همراه دوستانش حلقه‌ای را بعدها تشکیل دادند که به خواندن مقالات پزشکی و چاپ آنان همت می‌گماشت.

وی پسری را در برابر بیماری آبله‌گاو واکسینه کرد. این بیماری مانند بیماری آبله ولی کم‌خطرتر از آن است. پس از آن جنر میکروب

بیماری آبله را به آن پسر تزریق کرد؛ اما چون واکسن آبله گاوی در وی مصنوعیت ایجاد نموده بود، به بیماری آبله مبتلا نگردید. امروزه بسیاری از مردم جهان خود را در برابر بیماری‌های مختلف واکسینه می‌کنند.

۷۱- ویلهلم کنراد رونتگن:

ویلهلم کنراد رونتگن فیزیکدان آلمانی و کاشف اشعه ایکس است که اولین جایزه نوبل فیزیک را در سال ۱۹۰۱ به دست آورد. مطالعات رونتگن بیشتر درباره الکتروسیته و نور و گرما بود و بالاخره در تعقیب مطالعات سر ویلیام کروکس موفق به کشف اشعه ایکس شد. کشف رونتگن اولین کشف از سری کشفیات در مورد رادیو اکتیویته بود که شامل کشفیات بکرل، کوری، رادرفورد، ماکس پلانک، تامسون، انیشتین و انریکو فرمی می‌شد.

اشعه ایکس اشعه‌ای با طول موج بسیار کوتاه و قابلیت نفوذ بسیار زیاد است و از اغلب مواد عبور می‌کند. فیزیکدانان برای آنالیز مواد بلوری استفاده‌های شایانی از این اشعه برده‌اند و در پزشکی تحت عنوان‌های رادیوگرافی و رادیوسکوپی به کار برده می‌شود.

۷۲- یوهان سباستیان باخ:

یوهان سباستیان باخ (۲۱ مارس ۱۶۸۵ - ۲۸ ژوئیه ۱۷۵۰) آهنگساز و نوازنده ارگ آلمانی بود که آثارش برای دسته آواز، ارکستر و

تک‌سازها، تقریباً تمام انواع متفاوت موسیقی دورهٔ باروک را دربرمی‌گیرد و موسیقی آن دوران را به بلوغ خویش رسانده‌است.

با وجود اینکه او شکل تازه‌ای را از موسیقی ارائه نکرد، ولی توانست سبک شایع در موسیقی آلمان را با فنون کنتربان، غنی سازد. این فنون، مبنی بر تنظیم چیدمان هارمونیک و موتیف در مقیاس کوچک و بزرگ بود و همچنین سازواری ریتم‌ها و بافت‌های برگرفته از موسیقی کشورهای دیگر چون ایتالیا و فرانسه را شامل می‌شد.

لطفات قوی موسیقی باخ و گستردگی حاصل هنر وی، او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان غرب در سنت ژنرال مشهور ساخته‌است. با توجه به عمق معنایی، قوت فنی و زیبایی هنرمندانه، آثاری چون کنسرتوهای براندنبورگ، سوئیت‌ها و پارتیتاها برای ساز کلایه‌ای، مس در سی مینور، پاسیون به روایت متای قدیس، پیشکش موسیقایی، هنر فوگ و تعداد فراوانی کانتات که ۲۲۰ تا از آنها برجامانده‌است، را می‌توان نام برد.

نمونه‌ای از این ویژگی سبک‌گرایانه را در قطعهٔ زیر، در همسرایی «شکوه خداوند هماره در اوج باد» از ارتاریوی کریسمس، تصنیف شده به سال ۱۷۳۴ طی دوران بلوغ هنری وی، می‌توان مشاهده کرد.

۲۳- لائوتسه:

لائوتسه، با نام اصلی «لی اره»، معروف به «استاد کهن» یا «پیر استاد» بوده است. تا آنجایی که مدارک تاریخی نشان می دهد، او به احتمال زیاد، اولین فیلسوف مشهور چینی در زمان سلسله چو می باشد. اما برخی بر این باورند که چنین شخصی هرگز وجود نداشته است.

«لائوتسه» در قرن پنجم یا ششم قبل از میلاد، «آیین تائو» را پایه گذاری کرد. وی از فلاسفه بزرگ چین به شمار می رود. لائوتسه به معنای حکیم سالخورده است. بنا به افسانه های چینی، نام او «وین لی» می باشد که در سال ۶۰۴ ق.م در ایالت «چو» متولد شده و در سال ۵۲۴ ق.م نیز وفات یافته است.

کتاب مقدس آیین او تائو ته جینگ (کتاب طریقت و تقوی) شامل ۸۱ قطعه کلمه قصار است. وی بنیانگذار فلسفه ومذهب تائوئیسم است؛ مذهبی که آزادیخواه بوده و بر پایه رفتار نیک بنیان نهاده شده که تشریفات و رسوم مذهبی را بیهوده می داند.

یکی از مورخان چینی به نام «سزوما چی ین» می نویسد: «لائوتسه از نیرنگ و فرومایگی سیاستمداران نفرت داشته و از شغل خود که کتابدار کتابخانه سلطنتی بوده، خسته می شود و چین را ترک می کند

و هیچ کس به طور دقیق نمی داند که او در کجا و چگونه از دنیا رفته است.»

۷۴- ولتر:

ولتر (زاده ۲۱ نوامبر ۱۶۹۴-درگذشته ۳۰ مه ۱۷۷۸) از نامدارترین فیلسوفان و نویسندگان فرانسوی عصر روشنگری است.

در سال ۱۷۱۵ اشعاری بر ضد فیلیپ دوم از خاندان اورلئان سرود که باعث زندانی شدن او در باستیل شد. در ایام زندان نام مستعار ولتر را برای خود برگزید. پس از چندی مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد، ولی دوباره پس از مدت کوتاهی مورد اتهام قرار گرفت. این بار قبل از دستگیری به انگلستان گریخت.

ولتر به سال ۱۷۲۳ منظومه آنریاد را که درباره سلطنت هانری چهارم بود انتشار داد و در ۱۷۲۴ نمایشی را در پاریس روی صحنه برد. در سال ۱۷۲۵ بر اثر پیش‌آمدی مجبور شد پاریس را ترک گفته و به انگلستان برود. در این زمان بود که با چند تن از شعرای انگلیسی آشنا گشت و مقالاتی به زبان انگلیسی منتشر کرد.

وی به سال ۱۷۲۹ به پاریس مراجعت کرد و تراژدی بروتوس را نگاشت و در سال ۱۷۴۸ نمایشنامه سمیرامیس را به قصد رقابت با کره‌بیون حریف خود نوشت و در سال ۱۷۵۹ کتابی با نام ساده‌دل (کاندید) به چاپ رساند که در اروپا بسیار محبوب شد. در سال

۱۷۷۶ به انتقاد از آثار شکسپیر پرداخت و قطعات ایرن و آگاتوکل در آن زمان نگاشته شده است.

از کارهای تحقیقی وی می توان تاریخ روسیه و فرهنگ فلسفی و عصر لویی چهاردهم را نام برد. از دیگر آثارش مرگ قیصر و دوشیزه اورلئان قابل ذکرند.

۷۵- یوهانس کپلر:

یوهانس کپلر (زاده ۲۷ دسامبر ۱۵۷۱ - درگذشت ۱۵ نوامبر ۱۶۳۰) دانشمند، ریاضیدان و ستاره شناس سرشناس آلمانی. کپلر را پدر علم ستاره شناسی جدید می دانند. وی با تحقیق درباره ستارگان و سیارات، توانست قوانین معروف کپلر را ارائه دهد که امروزه به عنوان قوانین سه گانه کپلر در ستاره شناسی بکار می رود.

او وقتی ادعا کرد که سیاره ها در مدارهای بیضوی بدور خورشید می چرخند و خورشید تنها نیروی اداره کننده مدارهای سیارات است، مورد اعتراض سنت ها و باورهایی که قرن ها پایدار بود قرار گرفت. کپلر یکی از طرفداران سرسخت نظریه خورشید مرکزی یا منظومه شمسی بود.

۷۶- انریکو فرمی:

انریکو فرمی (زاده ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۱ - درگذشته ۲۸ نوامبر ۱۹۵۴) فیزیکدان آمریکایی ایتالیایی الاصل است. او شهرتش را بیشتر مدیون

زحمت‌هایش در موضوع واپاشی بتا، طراحی اولین راکتور هسته‌ای و همچنین گسترش نظریه کوانتومی می‌باشد.

فرمی سال ۱۹۳۸ موفق به دریافت جایزه نوبل فیزیک شد که در رابطه با کارهایش در مورد رادیواکتیوی انجام داده بود. وی یکی از بزرگ‌ترین فیزیکدانان هسته‌ای قرن بیستم به شمار می‌رود.

به نام فرمی، گاز فرمی (گازهای الکترونی)، فرمیون‌ها (گروهی از ذرات بنیادی) و همچنین عنصر شیمیایی فرمیوم اسمگذاری شده است. کمیسیون انرژی اتمی آمریکا به یادبود این دانشمند بزرگ، جایزه انریکو فرمی را به ارزش ۳۷۵۰۰۰ دلار پایه‌گذاری کرده، که هر ساله اعطا می‌شود.

۷۷- لئونارد اویلر:

لئونارد اویلر (زاده ۱۵ آوریل ۱۷۰۷ - درگذشته ۱۸ سپتامبر ۱۷۸۳) از ریاضیدان و فیزیکدان برجسته سوئسی بود. او کشف‌های بسیار مهمی در زمینه‌های حساب دیفرانسیل و انتگرال و نظریه گراف داشته‌است.

اوایلر همچنین اصلاحات مهمی در زمینه‌های تجزیه و تحلیل ریاضی مانند مفهوم تابع ریاضی انجام داده‌است و برای کارهای خود در مکانیک، دینامیک سیالات، اپتیک و نجوم شهرت دارد.

اوایلر بیشتر سال‌های زندگی خود را در شهر سن پترزبورگ در روسیه و شهر برلین در پادشاهی پروس به سر برد. او یکی از برجسته‌ترین ریاضیدانان سده ۱۸ و یکی از بزرگترین دانشمندان تمام دوران شناخته شده‌است.

۷۸- ژان-ژاک روسو:

ژان-ژاک روسو (زاده ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ - درگذشته ۲ ژوئیه ۱۷۷۸) متفکر سوئیسی، در سده هجدهم و اوج دوره روشنگری اروپا می‌زیست. اندیشه‌های او در زمینه‌های سیاسی، ادبی و تربیتی، تأثیر بزرگی بر معاصران گذاشت. نقش فکری او که سال‌ها در پاریس عمر سپری کرد، به عنوان یکی از راه‌گشایان آرمان‌های انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست.

اگر چه روسو، از نخستین روشنگرانی است که مفهوم حقوق بشر را بطور مشخص به کار گرفت، اما نزد او از این مفهوم تنها می‌توان به معنایی ویژه و محدود سخن به میان آورد. در مجموع باید گفت که وی رادیکال‌تر از هابس و جان لاک و شارل دو مونتسکیو می‌اندیشید.

شاید به همین دلیل است که برخی از پژوهشگران تاریخ اندیشه، وی را اساساً در تداوم سنت فکری عصر روشنگری نمی‌دانند، بلکه اندیشه او را بیشتر در نقد فلسفه روشنگری ارزیابی می‌کنند. برای روسو، صرف نظر کردن انسان از آزادی، به معنی صرف نظر کردن از خصلت

انسانی و «حق بشری» است. روسو تلاش می‌کند، نوعی هماهنگی میان آزادی فردی و جمعی ایجاد نماید. وی این کار را در اثر معروف خود قرارداد اجتماعی که در سال ۱۷۶۲ میلادی نوشته شد، انجام می‌دهد. یکی دیگر از کتاب‌های مهم روسو به نام امیل در زمینه تربیت کودکان است.

۷۹- نیکولو برناردو ماکیاولی؛

نیکولو برناردو ماکیاولی فیلسوف سیاسی، شاعر، آهنگساز و نمایشنامه‌نویس مشهور ایتالیایی در ۳ مه ۱۴۶۹ در فلورانس ایتالیا به دنیا آمد و در ۲۱ ژوئن ۱۵۲۷ درگذشت. نام او در فارسی به صورت ماکیاول نیز به کار می‌رود.

ماکیاولی زندگی خود را صرف سیاست و وطن‌پرستی کرد. با اینحال برخی او را به اتهام حمایت از حکومت اقتدارگرا و ستمگر همواره مورد حمله قرار داده‌اند. علت آن نوشتن کتابی به نام شه‌ریار (Il Principe) است که وی برای خانواده مدیچی (Medici)،

حاکمان فلورانس نوشته‌است. چهره‌ی سیاسی ماکیاولی به‌وسیله اتهاماتی که در این باره به وی نسبت داده شده، تیره شده است. از این روست که فرانسویس بیکن از او این‌چنین یاد میکند:

ما به کسانی همچون ماکیاولی مدیونیم، که جهان سیاست و رهبران آن را آنطوری که هست به ما نشان می دهند، نه آنطوری که باید باشد.

۸۰- توماس رابرت مالتوس:

توماس رابرت مالتوس (۱۴ فوریه ۱۷۶۶ - ۲۹ دسامبر ۱۸۳۴) استاد دانشگاه انگلیسی بود که تاثیر بسیار زیادی روی جمعیت‌شناسی و اقتصاد سیاسی گذاشته است. مالتوس به خاطر پایه گذاری نظریه رانت مشهور است. البته کتاب مشهوری نیز به نام اصل جمعیت نگاشته است و اولین بار به این موضوع اشاره کرده است که افزایش جمعیت راه‌حلی برای پیشرفت نیست.

وی در کمبریج به تحصیل الهیات پرداخت و پس از تکمیل تحصیلات در سال ۱۸۰۵ استاد تاریخ و اقتصاد در کالج هال بیوری گردید. مالتوس کتاب خود را تحت عنوان اصل جمعیت در سال ۱۷۹۸ و چاپ دوم و کامل آنرا در سال ۱۸۰۳-۱۸۱۷ انتشار داد.

مالتوس معتقد بود که موجودات زنده با سرعت سرسام‌آوری تکثیر پیدا می کنند و اگر قحطی و جنگ و غیره وجود نداشته باشد جمعیت به شکل تصاعد هندسی زیاد می شود و ممکن است در هر ۲۵ سال دو برابر گردد در حالی که وسایل ارتزاق در بهترین شرایط با یک تصاعد ریاضی بالا می رود و لذا هر ۲۵ سال جمعیت دو برابر می شود و حال

آنکه ازدیاد خواروبار و مواد غذایی بسیار ناچیز است ولی برخی عوامل چون جنگ و قحطی می‌توانند موانع طبیعی در امر ازدیاد جمعیت باشند.

۸۱- جان فیتزجرالد کندی:

جان فیتزجرالد کندی (زاده ۲۹ مه ۱۹۱۷ - درگذشته ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳) سی و پنجمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بود. او از ۱۹۶۱ تا زمان به قتل رسیدنش در ۱۹۶۳ ریاست جمهوری آمریکا را به عهده داشت. در طول جنگ جهانی دوم در اقیانوس آرام نوبان بود و به خاطر شجاعت در نجات جان سربازانش مدال گرفت. کندی هنگام آغاز ریاست جمهوری ۴۳ سال داشت و از این رو جوان‌ترین رئیس جمهور تاریخ آمریکاست (پیش از او این عنوان از آن تئودور روزولت بود).

از اتفاقات مهمی که در دوران ریاست جمهوری او افتاد می‌توان به تهاجم ناموفق به خلیج خوک‌ها، بحران موشکی کوبا، ساخته شدن دیوار برلین، آغاز مسابقه فضایی، اولین اتفاقات جنگ ویتنام و جنبش حقوق مدنی آمریکا اشاره کرد.

کندی رکوردهای دیگری نیز دارد. او تنها کاتولیک رومی است که به ریاست جمهوری رسیده، اولین رئیس جمهور آمریکا که متولد قرن بیستم بود، آخرین رئیس جمهوری که در طول دوره‌اش به قتل رسید، آخرین

کاندید حزب دموکرات از شمال آمریکا که به ریاست جمهوری رسید و آخرین کسی که هنگام انتخاب شدن عضو مجلس سنا بود. کندی در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ در سن ۴۶ سالگی به قتل رسید. این جوان ترین سن مرگ برای یک رئیس جمهور آمریکاست. قتل او یکی از اتفاقات مهم تاریخ آمریکا است، زیرا این قتل باعث مطرح شدن و به نوعی محبوبیت بیشتر او در آمریکا شد و باعث شد او الهام بخش نسل های متعددی باشد.

۸۲- گرگوری گودوین پینکوس:

”گرگوری گودوین پینکوس” متخصص آمریکایی غدد درون ریز و یکی از پیشگامان کشف و ساخت قرص های ضدبارداری است. پژوهش های وی در مورد خواص ضدبارداری استروئیدها به تولید اولین نسل قرص های ضدبارداری انجامید.

سرانجام شصت سال پیش در ۱۹۵۴ و دقیقاً بیست سال پس از کشف پروژسترون، یک زیست شناس آمریکایی به نام گرگوری گودوین پینکوس به همراه تیم تحقیقاتی اش توانست اولین داروی خوراکی پیش گیری از بارداری را به بازار عرضه کند.

این دارو با نام تجاری انوید با تکیه بر مکانیسم رفتار پروژسترون و دیگر هورمون های جنسی برای اولین بار در پورتوریکو و هائیتی به بازار رفته بود.

۸۳-مانی:

مانی یک پیامبر ایرانی بود که در سال ۲۱۶ م در نزدیکی تیسفون به دنیا آمد و پیام آور آیین مانی بود.^(۹)

او از سوی برادران شاپور یکم پشتیبانی شد و شاپور به او اجازه تبلیغ دینش را داد. اما مورد خشم موبدان زردشتی دربار ساسانی قرار گرفت و سرانجام در زمان بهرام دوم کشته شد.

مانی، از پدر و مادر ایرانی منسوب به بزرگان اشکانی در نزدیکی بابل در میانرودان (بخشی از عراق کنونی) که در آن زمان بخشی از شاهنشاهی ساسانی بود، در (۲۷۶ - ۲۱۰) پس از میلاد مسیح، زاده شد. او واعظ مذهبی و بنیان‌گذار آیینی شد که زمانی دراز در سرزمین‌هایی از چین تا اروپا پیروان فراوانی داشت ولی بیش از ششصد سال است که منسوخ شده‌است.

عرفان مانوی ریشه در کیش گنوسی دارد و شناخت، خودآگاهی و خرد مهم‌ترین ویژگی کیش مانوی است. به همین سبب مانی جهان‌شناختی گسترده و ژرف داشت. جهان‌شناسی او هر چند با اساطیر در

^۹ - البته این پیامبر خود خوانده آنان بود، و از طرف شریعت تعیین نگردیده بود.

روافض ایران در طول تاریخ مصروف گرفتن إله غیر از رب العالمین و پیامبری از غیر از محمد ﷺ بوده اند، از این رو تاریخ روی سیاه‌ترین مدعیان دین، این‌ها را ثبت نموده است. (أبو شاکر مسلم)

آمیخته بود، اما ساختار پیچیده و ژرفی داشت و متکی به اخترشناسی و دانش‌های دیگر بود. در نگره مانوی همان اندازه که روح والاست، تن فاسد، اهریمنی، حقیر و پلشت است.

یکی از بارزترین باورهای مانویان، باور به سمسارا - به معنی تناسخ - است، یعنی روان‌هایی که هنوز از رده نیوشایان به رده برگزیدگان ارتقا نیافته‌اند، محکومند آنقدر در دنیای مادی از جسمی به جسم دیگر منتقل شوند تا به مرحله برگزیدگی یا بالاتر برسند.

۸۴- ولاد میرلنین:

ولادیمیر ایلیچ لنین (زاده ۱۸۷۰ میلادی - درگذشته ۱۹۲۴ میلادی) تئوریسین و انقلابی کومونیست روسی، رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود.

اندیشه لنین در نزد برخی به عنوان «مارکسیسم دوران امپریالیسم یا آخرین مرحله سرمایه داری» به شهرت رسید و به عنوان شالوده نظری انترناسیونالیسم پرولتری و کارپایه ایدئولوژیک بسیاری از احزاب و جنبش‌های کومونیستی جهان شناخته شد.

اندیشه لنین بر پایه برتری طبقه کارگر و حقانیت تاریخی آن استوار است. به نظر لنین طبقه کارگر حق دارد برای انجام رسالت تاریخی خود، به سلطه طبقات دیگر پایان دهد و سیادت مستقل خود را، که همان

دیکتاتوری پرولتاریا است، مستقر سازد. افزار کارگران برای رسیدن به این هدف حزب طبقه کارگر است که به گفته لنین «آگاه‌ترین عناصر طبقه کارگر» در آن گرد آمده و متشکل شده‌اند.^(۱۰)

۱۰- یکی از جنایات میرلنین این بود که شاگردانی همچون دکتر نجیب کمونیست را تربیه کرد، درین جا می‌خواهم نمونه ای از جنایت نجیب در حق مردم افغانستان یاد آور شوم: نجیب یکی از قسی القلب ترین و جنایت کارترین رهبران احزاب خلق و پرچم میبشد که در دوران پوهنتون به نجیب گاو شهرت داشته اما بعدها روس‌ها و همکارانش از او بنام چوپه سگ و روباه بونناک یاد نموده اند.

دکتر نجیب هم یکی از جاسوسان کی جی بی با نام مستعار "پوتومک" است که در هنگام تجاوز قوای شوروی با نیروهای اشغال‌گر اردوی سرخ یکجا با کارمل و مزدوران دیگر روس‌ها وارد افغانستان گردیده و بسمت ریاست خاد برگزیده شده است.

او در دوران کار خود در ریاست خاد که بعداً به وزارت امنیت دولتی ارتقاء میکند بحدی در قتل و کشتار مردم افغانستان افراط میکند که تنها به امضاء و امر شخص خودش حدود ۹۰ هزار نفر از مردم بیگناه افغانستان دستگیر، زندانی و کشته میشوند (جنگ قدرت ، ۳۶۴). به پاس قدردانی از همین کشتار‌ها و جنایات و خونخواری‌های داکتر نجیب است که اداره کاجی بی در شوروی در زمان ریاست اندروپوف برای او مدال طلا اعطا مینماید. مدالی که به پاس کشتار‌های بی رحمانه موطنانش برایش داده میشود. نجیب معتمدترین جاسوس کی جی بی بود و به همین علت ابتدا به ریاست خاد و بعداً بعنوان رئیس جمهور انتخاب گردید.

روسها بتاريخ چهارم می ۱۹۸۶ برابر به ۱۳ ثور ۱۳۶۵ با کنار گذاشتن ببرک، نجیب را که در غداری و قساوت شهرت فراوانی داشت بعنوان رئیس جمهور در افغانستان نصب نمودند. او که هنگام به عهده داشتن ریاست خاد مسئول قتل هزاران انسان بیگناه در افغانستان بود و درست مثل ببرک سوار بر تانک‌های روسی وارد افغانستان گردیده بود با پوشیدن نقاب صلح تلاشهای فراوانی را بخرج داد تا در صفوف جهاد و مقاومت رخنه و بی‌اتفاقی ایجاد نماید. به

این منظور او با تاسیس شئون اسلامی، اعلام مشی مصالحه ملی و نصب چهره های جدید کوشش های زیادی بعمل آورد تا ذهنیت مردم افغانستان را در مورد خود و تجاوز روسها عوض نماید که کوچکترین نتیجه را هم حاصل نمود.

جنرال نبی عظیمی در صفحه ۴۷۵ کتاب "اردو و سیاست" در مورد ملاقات ها و تاسیس تشکیلات اغواگرانه دولت میگوید که هدف داکتر نجیب از همه ملاقاتها با بزرگان، موی سفیدان، روشنفکران و زنان و شرکت در نماز ها و انتقاد از عملکرد های رهبران گذشته حزب " ترمیم و اصلاح تصویر هول انگیز گذشته حکومت در اذهان مردم بود".

جنرال نبی عظیمی در رساله طامات خود در مورد طفره رفتن فقیر محمد ودان نویسنده کتاب "دشنه های سرخ" از نقش گریباچوف برای به قدرت رسانیدن نجیب او را مورد انتقاد قرار داده و چنین مینویسد: " از نقش گریباچوف در تحمیل دوکتور نجیب الله بخیث منشی عمومی حزب طفره رفته میشود و نویسنده نمی گوید و یا نمی خواهد بنویسد که دوکتور نجیب الله بنا بر کدام بر تری های ، نسبت به سایر اعضای بیوروی سیاسی به این مقام رسید؟ زیر از نوشته او چنین بر می آید که این پست را اعضای بیوروی سیاسی و یا پلینوم کمیته مرکزی به نجیب الله پیشنهاد کرده باشند ، نه ک.گ.ب و نه میخائیل گریباچف؟ " (طامات تا به چند و خرافات تابکی صفحه ۱۳) .

جنرال نبی عظیمی که یکی از جنرالان جنایت کار حزب پرچم میباشد در صفحات ۳۲۷-۳۲۵ کتاب خود یعنی "اردو و سیاست" در توصیف نجیب از او چنین تعریف میکند: " در جوانی در جیب هایش کارد، چاقو و پنجه بکس یافت میشد. برادرش نظر به بد اخلاقی های او به مسعود پیوست و بر علیه او رساله نوشت. نجیب برای گرفتن قدرت به هر کاری دست میزد. نجیب چرب زبان و متملق بود. مخالفینش را با یک ضربه از میان می برد. نجیب مردم را به پول میخرد. او شخص یک دنده لجوج و عصبانی بود و فحش میداد. نجیب به پول و ثروت زیادی رسیده بود." همچنان عظیمی در صفحه ۵۵۷ همین کتاب از نجیب به عنوان مرد عوام فریب و مداهنه گر تاریخ نام میرد.

۸۵- امپراطور ون سو:

امپراطور ون سو (زاده ۲۱ جولای ۵۴۱ - درگذشته در ۱۳ آگوست ۶۰۴) با نام شخصی یانگ جیان موسس اولین امپراطور دودمان سوئی چین بود.

از او به عنوان یکی از مهم ترین امپراطور های چین یاد می شود که اتحاد مجدد چین را پس از ۲۷۳ سال برقرار کرد و توانست این کشور را به یکی از ابرقدرت های جهان تبدیل کند. همچنین امپراطور ون به خاطر تعداد کم همسر به عنوان یک امپراطور بالغ چینی مشهور است.

۸۶- واسکو دو گاما:

واسکو دو گاما (زاده ۱۴۶۹ - درگذشته ۱۵۲۴)، جهانگرد و کاشف پرتغالی بود که برای اولین بار از راه دریا از اروپا به هند رفت. او را از موفق ترین دریانوردان تاریخ می دانند.

دوگاما دومین دریانوردی بود که از این مسیر برای رسیدن به هند عبور کرد. این اکتشاف بزرگ جغرافیایی سرنوشت ملت های شرقی را در

بزرگ کارمل رهبر حزب پرچم نجیب را این گونه توصیف مینماید: "در اینکه دوکتور نجیب الله یک شیاد و شارلاتان و کلاه بردار بزرگ حزب ما و تاریخ کشور ما است شک و تردیدی نباید داشته باشید." (اردو و سیاست صفحه ۳۹۵).

صدیق راهی برادر نجیب او را به بیریا رئیس دستگاه استخباراتی شوروی در زمان استالین که به جلال مشهور است مقایسه نموده و میگوید: "نجیب مثل بیریا خونخوار است. او حکم توقیف و قتل ۹۰۰۰۰ افغان بیگناه را امضا کرده است" (جنگ قدرت صفحه ۳۶۴) (آبوشاکرمسلم)

آینده تغییر داد و باعث ورود اروپائیان و استعمار مشرق زمین شد. واسکو در در ۱۴۹۸م به کالیکوت رسید و در ۱۴۹۹م به پرتغال بازگشت.

اما بار دیگر در سال ۱۵۰۲م به عنوان دریاسالار به هند عزیمت کرد و در کالیکوت کشتار عظیمی از هندی‌ها، به انتقام کشته شدن بازرگانان پرتغالی، مرتکب شد. او نخستین مرکز بازرگانی پرتغال را در کوچین تاسیس کرد. دوگاما در سال ۱۵۲۴م از سوی پادشاه پرتغال به عنوان نایب السلطنه هند انتخاب شد، اما پیش از آنکه در مسئولیت جدیدش کاری بکند در همان سال در کوچین درگذشت.

۸۷- کوروش بزرگ یا کوروش کبیر:

کوروش بزرگ یا کوروش کبیر همچنین معروف به کوروش دوم، نخستین پادشاه و بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی است. شاه پارسی، به‌خاطر بخشندگی، بنیان گذاشتن حقوق بشر، پایه‌گذاری نخستین امپراتوری چند ملیتی و بزرگ جهان، آزاد کردن برده‌ها و بندیان، احترام به دین‌ها و کیش‌های گوناگون، گسترش تمدن و غیره شناخته شده‌است.

ایرانیان کوروش را پدر و یونانیان او را سرور و قانونگذار می‌نامیدند. یهودیان این پادشاه را به منزله مسح شده توسط پروردگار بشمار می‌آوردند، ضمن آنکه بابلیان او را مورد تأیید مردوک می‌دانستند.

تنها سند نسبتاً مفصلی که از کوروش برجای مانده، استوانه‌ای به طول ۲۲۰٫۵ سانتی‌متر و عرض ۱۱ سانتی‌متر از جنس خاک رس با نوشته‌ای ۴۵ سطری به زبان بابلی است که امروزه با شماره ۹۰۹۲۰ در اتاق ۵۲ بخش ایران باستان موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

تکه اصلی این استوانه در سال ۱۸۷۹ میلادی توسط هرمزد رسام در حفاری معبد مردوک در بابل پیدا شد، این تکه حاوی ۳۵ خط بود. تکه دوم که شامل خط‌های ۳۶ تا ۴۵ می‌شود، در سال ۱۹۷۵ میلادی در کلکسیون بابل دانشگاه ییل یافت شد و به استوانه اصلی پیوست گردید.

این استوانه پس از شکست دادن نبونعید و تصرف بابل، نوشته شده و به منزله سند و شاهد تاریخی پرارزشی است. با این همه، به کمک آن نمی‌توان به تصویر درستی از پدیدآورنده آن دست یافت، چون در این نبشته به همه چیز از چشم کاهنان بابلی نگریسته شده‌است. این متن ماهیتاً یک بیانیه سیاسی نیست و نبشته پای بناست که به‌عنوان پی دیوارهای بابل برای یادبود بازسازی‌های کوروش در آنجا گذاشته شده‌است. اما این نبشته نشان می‌دهد که کوروش چگونه در بابل بی‌درنگ برنامه ساختمانی گسترده‌ای را به اجرا درآورد. مثلاً باروی درونی و بیرونی شهر بابل را بازسازی و مرمت کرد و درگاه‌هایی از جنس برنز بر دروازه‌های شهر ساخت.

کوروش پس از معرفی خود و دودمانش و شرح مختصری از فتح بابل، می‌گوید که تمام دستاوردهایش را با کمک و رضایت مردوک به انجام رسانده‌است. وی سپس بیان می‌کند که چگونه آرامش و صلح را برای مردم بابل، سومر و دیگر کشورها به ارمغان آورده و پیکر خدایانی که نبودنشان از نیایشگاه‌های مختلف برداشته و در بابل گردآوری کرده بوده را به نیایشگاه‌های اصلی آنها برگردانده‌است. پس از آن، کوروش می‌گوید که چگونه نیایشگاه‌های ویران شده را از نو ساخته و مردمی را که اسیر پادشاه‌های بابل بودند را به میهن‌شان بازگردانده‌است.

در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان ملل متحد استوانه کوروش را به همه زبان‌های رسمی سازمان منتشر کرد و بدلی از این استوانه در مقر سازمان ملل در فضای بین تالار اصلی شورای امنیت و تالار قیومت در شهر نیویورک قرار داده شد.

۸۸- پتر کبیر:

پتر کبیر یا پتر یکم (۹ ژوئن ۱۶۷۲ - ۸ فوریه ۱۷۲۵)، تزار روسیه از ۷ مه ۱۶۸۲ که تا سال ۱۶۹۶، همراه با برادر مریض و ناتوانش ایوان پنجم بر امپراتوری حکومت می‌کرد. او مشهورترین تزار روسیه می‌باشد و توانست روسیه را به یک قدرت اروپایی تبدیل کند. اصلاحات او بسیار مشهور است. او خواستار روسیه ای بزرگ و قدرتمند بود.

تشکیل نیروی دریایی قدرتمند، تجدید سازمان ارتش بر اساس استاندارد های غربی (اروپایی) از اقدامات مهم وی در این زمینه میباشد. پتر برای قدرمند کردن و توسعه روسیه تلاش بسیاری کرد. تشکیل نیروی دریایی، تجدید تشکیلات ارتش و قدرتمند ساختن آن، تمرکز در توسعه ی علم و آموزش عمومی، تاسیس اولین روزنامه و ... از اقدامات مهم او میباشد.

۸۹- مائو تسه تونگ:

مائو تسه تونگ تئوریسین مارکسیسم لنینیسم و سیاست مدار انقلابی کمونیست بود. وی جمهوری خلق چین را در سال ۱۹۴۹ با شکست دادن نیروهای چیانگ کای شک، رئیس جمهور وقت چین بنیان گذاشت.

او تا پایان عمر در راس حکومت جمهوری خلق چین قرار داشت و این کشور جهان سومی را به یکی از مهم ترین کشورهای دنیا در عرصه سیاست و اقتصاد تبدیل کرد گرچه روشهایی که وی در پیش گرفت مورد انتقاد برخی است.

برداشت مائو از مارکسیسم که به نقش برجسته دهقانان و روستائیان در انقلاب کارگری ایمان داشت و بر اهمیت فرهنگ به عنوان عنصری که می تواند بر اقتصاد سوسیالیستی تأثیر گذارد تاکید می کرد به مائوئیسم معروف است، از سوی بسیاری از نیروهای مبارز در دنیا از

جمله در ایران و نپال و پرو پیروی می شد. از او به عنوان یکی از تأثیرگذارترین و مهم ترین شخصیت های سیاسی دنیا در قرن بیستم نام برده می شود.

۹۰- فرانسیس بیکن:

فرانسیس بیکن (زاده ۲۶ ژانویه ۱۵۶۱ - مرگ ۹ آوریل ۱۶۲۶) فیلسوف، سیاستمدار، دانشمند، حقوقدان و نویسنده انگلیسی بود. بسیاری وی را محور اصلی تحول فکری در قرون وسطی می دانند تا جایی که او را از بانیان انقلاب علمی می شمارند و پایان سلطه کلیسا بر تفکر را به اندیشه های او نسبت می دهند.

وی بر این باور بود که درک ما از حقیقت، تنها در همان حدی است که مشاهدات ما اجازه می دهد و خارج از حیطه مشاهدات، چیزی نمی توانیم بدانیم. از نظر او، ذهن انسان مسئول یافتن روابط موجود در ماده از طریق مشاهده و تجربه است و میان علم و عمل و مشاهده فرقی وجود ندارد.

راهی که وی برای رسیدن به یقین و درک بهتر از جهان پیرامون پیشنهاد می کند، چنین است: با کسب دانش طبقه بندی مادیات بر اساس ارزش و اعتبار آن، ذهن خود را از حيله و فریب دور دار.

۹۱- هنری فورد:

هنری فورد (زاده ۳۰ ژوئیه ۱۸۶۳ - درگذشته ۷ آوریل ۱۹۴۷) بنیان گذار شرکت خودروسازی فورد بود. او اولین کسی بود که برای تولید خودروی ارزان قیمت خط تولید را به کار گرفت.

او نه تنها انقلابی در صنعت اروپا و آمریکا ایجاد کرد، بلکه ترکیب تولید انبوه کالا، دستمزد بالا برای کارگران و قیمت پایین پیشنهادی او چنان تأثیری بر اقتصاد و جوامع قرن بیستم ایجاد کرد، که آن را فوردیسم نامیدند.

او دیدگاهی جهانی داشت و مصرف گرایی را باعث صلح در جهان می دانست. هنری فورد به یکی از مشهورترین و متمولترین مردان تاریخ صنعت تبدیل شد. او پس از مرگ همه ثروتش را به بنیاد فورد بخشید ولی ترتیبی داد که خانواده اش برای همیشه کنترل آن را در دست داشته باشند. فورد در کنار فعالیت های صنعتی و اقتصادی، یک نظریه پرداز و نویسنده ماهر نیز بود.

هنری فورد به دلیل مخالفت با حضور ایالات متحده آمریکا در جنگ جهانی دوم معروف است. در سال ۱۹۱۸ نیمی از خودروهای آمریکا فورد مدل تی بودند، که نکته جالب در مورد آنها مشترک بودن رنگ مشکی آنها بود.

۹۲- منسیوس:

منسیوس فیلسوف چینی سده چهارم پیش از میلاد است. منسیوس زادهٔ تسئوی شانتوگ بود. او پیرو تسه سه نوادهٔ کنفوسیوس بود و در راه گسترش و به کرسی نشان دادن اندیشه‌های کنفوسیوس کوشا بود. اندیشه‌های او در شکل دادن نوکنفوسیوس گرایی اثرگذار بود. پیش از پایان یافتن سلسله ی جو، چند مکتب اندیشه در دوران سنت کنفوسیوسی شکفت.

اما تا پیدا شدن منسیوس مردی نیامد که استعدادی برتر از او داشته باشد و پیروزی مکتب کنفوسیوس را تضمین کند، منسیوس با شیوایی فریبنده، جرات اخلاقی و اعتقاد عمیقی که داشت تعالیم کنفوسیوس را عمومیت بخشید، و در همان حال با سری پرشور به تعالیم مکتب‌های دیگر می‌تاخت.

منسیوس را هم برای یاری‌هایی که به مکتب کنفوسیوس کرد، و هم به خاطر دفاعش از این سنت بزرگ عموماً بزرگ‌ترین فیلسوف بعد از کنفوسیوس دانسته و «فرزانه ی دوم» به شمار آورده اند.

۹۳- زرتشت:

زرتشت یا زردشت یا اشوزرتشت، پیامبر ایران باستان بود که مزدیسنا را بنیان گذاشت. وی همچنین سراینده گات‌ها، کهن‌ترین بخش اوستا می‌باشد. زمان و محل دقیق تولد وی مشخص نیست اما گمانه‌زنی‌ها و

اسناد، زمانی بین ۶۰۰ تا ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح را برای او حدس زده‌اند و زادگاه وی را به مناطق مختلفی مانند ری، آذربایجان، خوارزم، سیستان و خراسان نسبت داده‌اند.

نام زرتشت بر اساس متون اوستایی زراثوشترا بوده‌است که نامی مرکب است. از «زرت» که ممکن است معنی زرد و زرین یا پیر داشته باشد و «اشترا» که برخی آن را شتر و برخی معنی آن را آسترا به معنی ستاره در نظر گرفته‌اند.

دارنده شتر زرد، دارنده شتر پیر، دارنده شتر با جرأت، درخشان و زرد مثل طلا، پسر ستاره، ستاره درخشان و روشنایی زرین معانی گوناگونی است که تا به حال محققان برای نام زرتشت ذکر کرده‌اند. تعلیمات زرتشت بعدها با باورهای بومی ایرانیان ترکیب شد و مزدیسنا کنونی که نزدیک به پنج سده دین رسمی ایران نیز بوده‌است، را پدید آورد. دین زرتشت امروزه حدود ۲۰۰ هزار تن پیرو در ایران، هند و برخی نقاط دیگر جهان دارد. (۱۱).

۱۱- درمورد زرتشت سلسله عقائد مزخرفی میان مسلمانان پیدا شده، که این به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

صحیح اینست که زرتشت پیامبر نبوده است، زیرا برخلاف تمامی انبیا معتقد به دو نیرو شر و خیر بوده است و هر دو را در سرنوشت عالم موثر می‌دانست!

بنابر اوستایی که امروز در دست است، آئینی کاملاً ثنوی و شرک‌آمیز شمرده می‌شود. در «وندیداد» آفرینش را میان اهورامزدا و اهریمن تقسیم نموده، و هر بخش را به یکی از آن دو نسبت می‌دهد! مثلاً می‌نویسد:

«من اهورامزاد دومین کشور با زهت که آفریدم دشتی است که اقوام سغد در سکونت دارند، اهریمن پرمرگ بر ضد آن آفت ملخ پدید آورد» (وندیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، صفحه ۵۹)

یا می‌نویسد:

«چهارمین کشور با زهت که من اهورامزاد آفریدم بلخ زیبا با پرچم افراشته است، اهریمن پرمرگ بر ضد آن مورچه پدید آورد» (وندیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، صفحه ۶۱)

به همین ترتیب و ندیداد نزاع اهورامزدا با اهریمن (انگر) را در سرزمین‌های گوناگون نشان می‌دهد، و خداوند هستی‌بخش را به ناتوانی در برابر رقابت اهریمن متهم می‌سازد. اگر در وندیداد «شرکت در خالقیت» ترویج شده، در گاتها که مورد افتخار زرتشتیان است به «شرک در عبادت» سفارش می‌شود! و بهمراه اهورامزدا فرشتگان یا امشاسپندان نیز مورد پرستش قرار می‌گیرند! چنانکه در قطعات ذیل ملاحظه می‌شود:

[آنچه از من سر می‌زند ای «و هومن» و ای «اشا» نمازی که از مثل من تقدیم مانند شما کسانی می‌شود و سخنانی که برای نیایشستان می‌سرایم، آنها را راست و درست بشمرید...] (گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۴۵).

[ای توان‌تر از همه، ای مزدا اهورا و ای آرامتی و ای اشا، ای وهومن، ای خشترا، ای کسانی که بخشایش فردوس در دست شماست به من گوش دهید و به من رحم آورید روزی که حساب و جزای هر یک فرا رسد] (گاتها، ص ۴۷).

[شما راست سلطنت، شما راست توانایی، ای مزاد، ای وهومن و ای اشا خواهشم از شما این است که درماندگان و بیچارگان را دست گیرید] (گاتھا، ص ۵۳).
در گاتھا گاهی دیده می شود که زرتشت از اهورامزدا گِله می کند که چرا گاو و گوسفند بیشتری به او نداده است! چنانکه می خوانیم:

[من می دانم ای مزاد که چرا کاری از پیش نتوانیم برد، برای آنکه گله و رمه ام اندک و کارگزام کم است نزد تو گله مندی ای اهورا...] (گاتھا، ترجمه پور داود، ص ۸۷).
آیا ما دعاهای عالی اسلام را فرو گذاریم و برای کاستی گله و رمه از خدای پاک گله مند شویم؟ آیا اینست معنای توحید اوستایی؟!

در گاتھا، اهورامزدا با فرشتگان «مشورت» می کند! آیا دانش مطلق نیاز به رایزنی با آفریدگان خود دارد؟! در گاتھا آمده است:

[ای مزدا تویی پدر مقدس این خرد، ای کسی که جهان شادمانی بخش آفریدی و پس از مشورت با منش (منش پاک، ترجمه نام فرشته «وهومن» است) پاک به توسط آرمتی به آن صلح و مسالمت دادی] (گاتھا، ترجمه پور داود، ص ۱۰۱).

در گاتھا قدرت اهورا مورد تردید قرار گرفته است، چرا که زرتشت از مزاد می پرسد:
[از تو می پرسم ای اهورا، به راستی مرا از آن آگاه فرما آیا تو را قدرت آن خواهد بود که او را (دشمن را) به دستیاری راستی از من دور داری؟!] (گاتھا، ترجمه پور داود، ص ۷۷).

آیا چنین معبود و خدایی با خدایی که قرآن معرفی می کند، یکسان است؟
ما اگر بخواهیم از مقررات آئین زرتشت آگاه شویم، نمی توانیم به گاتھا بسنده کنیم که در آنجا مقداری نیایش و سرود و پرسش آمده است، بلکه باید به بخشهای دیگر از اوستا، همچون وندیداد بنگریم و در آنجا به تماشا بنشینیم! در وندیداد احکام عجیب و غریبی آمده ولی چاره چیست؟ دین که بی قانون و شریعت نمی آید، پس ناگزیر باید

دوران این دین را «به آخر رسیده» بدانیم! در اینجا به آوردن نمونه‌هایی چند از این احکام شگفت بسنده می‌کنیم و داوری را به زرتشتیان منصف می‌سپاریم.

در وندیداد تکلف زنی را که کودکی مرده بزاید چنین تعیین کرده است:

[این آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، نخستین خوراک و غذای این زن چه خواهد بود؟ اهورامزدا پاسخ داد و گفت: این زن باید یک مقدار خاکستر آمیخته باشاش گاو به اندازه سه لقمه، شش لقمه یا نه لقمه میل کند] (وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۱۲۸).

در وندیداد سرانجام کسی که بر روی جسد مرده، یک نخ بیافکند چنین تعیین شده است:

[اگر یک مزدپرست روی جسد مرده یک شیء کم‌ارزش ولو به قدر آنچه از دوک‌جولایی و نخ‌ریسی یک دختر جوان باقی مانده، بیدازد تا زنده است پارسا شمرده نمی‌شود و پس از مرگ در بهشت جای نخواهد داشت] (وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۱۴۰).

در وندیداد نسبت به زنانی که حائض شده اند چنین آمده است:

[این زن هرگاه پس از نه شب بازهم در خون حیض باشد چنین معلوم خواهد شد که دیوها در جشن و بزرگداشت خودشان آفت خود را به این زن نازل ساخته اند. مزدپرستان در این موقع باید یک معبر (گذرگاه) که از درخت و گیاه خالی باشد انتخاب نمایند و سه سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با شاش گاو و در سوراخ سوم با آب شستشو دهند] (وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۲۴۰). البته این شستشو و یژه زن حائض نیست، وضوء با گمیز یا گومز یعنی ادرار گاو! در آئین زرتشت شهرت دارد (برای دیدن این حکم به وندیداد، ج ۳، ص ۷۲۵ با

پژوهش آقای هاشم رضی نگاه کنید.) و ظاهراً خبر همین قانون به ابی العلاء معری (شاعر عرب) رسیده که گفته است:

در شگفتم از خسرو و پروانش که چهره‌ها را با شاش گاو می‌شویند!
زنی که حیض بیند که اصطلاحاً او را «زن دشتان» گویند، احکام غریبی دارد. از جمله آن که در وندیداد می‌خوانیم:

[ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد - زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه باشد - باید از وی در چه فاصله باشد؟

اهورامزدا پاسخ داد و گفت: مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد - زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی باشد - باید از وی سه گام فاصله داشته باشد.
در کدام ظرف باید نان برای وی همراه آورد، در کدام ظرف باید آب جو برای وی همراه آورد؟

در یک ظرف آهنی یا سربی و یا هر ظرف فلزی معمولی.

چه مقدار نان و چه مقدار آب جو باید همراه آورد؟

اهورامزدا پاسخ داد و گفت: دو قطعه نان خشک و یک مقدار آب جو - یا شربت جو - و از خوراک کم ممکن است ناتوان و ضعیف شود.

هرگاه وی را کودک لمس نماید باید دست‌ها و سپس تن کودک شستشو شود] (وندیداد،

ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۲۳۹).

خویثودس یا ازدواج با ارحام (مانند خواهر و غیره) در آئین زرتشتی نیک شمرده شده و زرتشتیان بدان ترغیب گشته اند!

در ضمن یکی از استفتاءهایی که از هیربدان زرتشتی شده، پرسیده اند:

۹۴- ملکه الیزابت یکم:

ملکه الیزابت یکم (زاده ۷ سپتامبر ۱۵۳۳ - مرگ ۲۴ مارچ ۱۶۰۳) از ۱۷ نوامبر ۱۵۵۸ تا زمان مرگش ملکه سلطنتی انگلستان و ایرلند بود. الیزابت که گاهی نیز الیزابت باکره، گلوریانا و ملکه بث خوب نامیده می‌شد، پنجمین و آخرین پادشاه دودمان تیودر بود. در سال ۱۵۵۸، الیزابت جانشین خواهر ناتنیش شد که در حین حکومت خود حدود یک سالی به ظن حمایت از شورشهای پروتستان زندانی شده بود. الیزابت با مشاوره خوب حکومت خود را آغاز کرد و به شدت به گروهی از مشاورین قابل اعتماد خود که توسط ویلیام سیسل (بارون

[اگر ازدواج با محرم با مادر یا خواهری باشد که امید به بچه‌دار شدن آنها نیست، آیا این یک «ازدواج با محرم» کامل محسوب می‌شود و اصولاً حکم بر چنین ازدواجی چگونه خواهد بود؟ آیا ثواب هر ازدواج با محرم یکسان است یا بخش‌هایی از آن دارای مزیت بیشتری خواهند بود؟].

پاسخ هیرید زرتشتی چنین است:

[ازدواج با محرم، با هریک از سه (مادر، خواهر، دختر) قطع نظر از سن، ازدواج کامل محسوب می‌شود به این جهت اگر هم فرزندی به وجود نیابد، ثواب این ازدواج کاهش نمی‌پذیرد] به کتاب روایت «امید آشوه‌هیشان» صفحه ۱۸۱ و ۱۸۲ که به وسیله خانم دکتر زهت صفای اصفهانی از متن پهلوی به فارسی ترجمه شده نگاه کنید، ضمناً به جلد ۲ و نندیداد، با پژوهش آقای هاشم رضی، ص ۹۲۵ به بعد هم بنگرید [سایت فتاوی اهل سنت و جماعت] (آبوشاکرمسلم)

بورلی) رهبری می شد تکیه داشت. یکی از اقدامهای اولیه او تاسیس و برپایی کلیسا پروتستان انگلیس بود که خود والی عالی آن شد. این توافق مذهبی الیزابت، بعدها به کلیسای انگلستان امروزی تکامل یافت. انتظار می رفت که ملکه ازدواج کرده و جانشینی به دنیا آورد تا دودمان تیودری ادامه یابد. اما او علی رغم چندین معاشقه هیچوقت این کار را نکرد. با مسن تر شدن او، باکره بودن و پاکدامنی اش شهرت یافت و مکتبی فکری در اطراف او پدید آمده و رشد کرد و در پرتزه‌ها، نمایش‌ها و مراسم مجلل و تاریخی، و ادبیات آن زمان جشن گرفته می شد.

۹۵- میخائیل سرگئیویچ گورباچف:

میخائیل سرگئیویچ گورباچف (زاده ۲ مارس ۱۹۳۱) از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ آخرین رهبر اتحاد شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات او باعث پایان جنگ سرد شد اما هم‌زمان یگانگی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی را نیز پایان داد و نهایتاً باعث فروپاشی شوروی شد. گورباچف در سال ۱۹۹۰ جایزه صلح نوبل را دریافت کرده است. گورباچف امید داشت که برنامه‌های اصلاحات اقتصادی او (پروستریکا) در داخل باعث افزایش سطح زندگی و بازده کارگران شود. اما بسیاری از اصلاحات او بسیار تندرو شمرده می شدند و با مخالفت‌هایی از درون حکومت شوروی مواجه شدند. در ۱۹۸۵

گورباچف اعلام کرد که اقتصاد شوروی باید مجدداً از نو ساخته شود. در آن دوران معمولاً بیشتر از اصطلاح اسکورین برای اشاره به این از نو ساخته شدن استفاده می شد اما بعدها اصطلاح پروستریکا رایج تر گشت. اولین اصلاحات معروف او در سال ۱۹۸۵ با نام اصلاحات الکلی صورت گرفت. این اصلاحات در جهت مبارزه با رواج گسترده الکلی ها در اتحاد شوروی انجام شدند. قیمت ودکا، شراب و آجیو افزایش یافت و فروششان محدود به شرایطی خاص شد. اگر کسی هنگام کار یا در اماکن عمومی مست بود، دستگیر می شد.

قانون تعاونی ها (کوپراتیوها) که در مه ۱۹۸۸ اعلام شد شاید ریشه ای ترین اصلاحات اقتصادی اوایل دوران گورباچف بود. از زمان نپ در دوره لنین این اولین بار بود که (بر طبق این قانون جدید) مالکیت خصوصی بر بعضی کسب و کارها مجاز شد. قانون ابتدا مالیات های بسیار زیاد و محدودیت هایی در استخدام اعمال می کرد اما سپس برای بازکردن جای بیشتری برای فعالیت بخش خصوصی این ها نیز برداشته شدند. از این دوره به بعد رستوران ها، مغازه ها و شرکت های تولیدی تعاونی بخشی از صحنه اقتصادی شوروی گشتند.

۹۶- منس:

منس فرعونى از دوره آغازین دودمانى مصر بود که گمان می رود بنیان گذار دودمان نخست پادشاهی مصر باستان باشد.

اینکه منس در اصل چه کسی بوده موضوعی است که هم اکنون نیز در میان مصرشناسان بحث می‌شود. گمان غالب بر این است که منس با نامر یکی بوده و همو بوده که مصر علیا و سفلی را یکپارچه کرده، با این حال احتمال آن نیز هست که منس در واقع هور آها بوده باشد.

فراعنه مصر فرمانروایانی با قدرت مطلق بودند. کلام آنها قانون بود و بی چون و چرا اطاعت می‌شد. فراعنه ملت را نه تنها از نظر سیاسی بلکه از نظر روحانی و مذهبی نیز کنترل می‌کردند. اگر چه معلوم نیست که چطور مردم بدین باور رسیدند که فرعون‌ها را خدا بنامند، آنچه معلوم است این است که در سلطنت قدیم فراعنه را پسر رع، خداوند خورشید، می‌دانستند.

هنگام نزدیک شدن به فرعون، اتباع وی به نشانه احترام تعظیم می‌کردند و پیشانی بر زمین می‌نهادند. فرعون هم به عنوان سلطان و هم به عنوان پسر خداوند رع مرکز زندگی مصری بود. فرعون و خانواده اش در راس هرم اجتماعی مصر قرار داشتند، پس از آنها کاهنان، ماموران بلند مرتبه و اشراف قرار داشتند. کاتبان، کلیه هنرمندان متبحر و ماموران و خانواده‌هایشان جزء طبقه بعدی را تشکیل می‌دادند. بزرگ‌ترین طبقه، که پائین‌ترین قسمت هرم اجتماعی بود، شامل رعایای کشاورز و کارگران عادی بود.

۹۷- شارلمانی یا کارل بزرگ یا کارلوس ماگنوس:

شارلمانی یا کارل بزرگ یا کارلوس ماگنوس (احتمالاً زاده ۲ آوریل ۷۴۸ – درگذشته ۲۸ ژانویه ۸۱۴) از سال ۷۶۸ امپراتور فرانکها از دودمان کارولنژی‌ها و برادرزاده شارل مارتل بود.

او امپراتور رم از ۲۵ دسامبر ۸۰۰ با تاج گذاری وی توسط پاپ لئوی سوم در رم بود. به این ترتیب شارلمانی به عنوان مؤسس امپراتوری مقدس روم شناخته می‌شود و از نظر اروپاییها، پدر کشورهای فرانسه و آلمان می‌باشد. او در طی دوران سلطنت خودش تقریباً تمام اروپای غربی و مرکزی را زیر یک پادشاهی در آورد.

او کارولنژیان را تبدیل به یک امپراتوری کرد و برای اولین بار پس از سقوط امپراتوری روم، اروپای غربی را تحت فرمانروایی دولتی واحد درآورد.

دوران حکومت شارلمانی با جنگها و نبردهای طولانی از جمله چیرگی بر لمباردی ها گذشت. او در آلمان امروزی، قوم ساکسون ها را شکست داد و آنان را مجبور به دعوت مسیحیت کرد. وی در مرزهای شرقی امپراتوری اش، مارش های نظامی یا مناطق مرزی نظامی ایجاد کرد تا در برابر حملات اسلاوها (قومی در اروپای شرقی) ایستادگی و از آنها برای عملیات در اروپای شرقی استفاده کند. این مارش ها در آینده به دولت هایی نظیر پروس و اتریش تبدیل شدند.

البته لشکرکشی های شارلمانی در خاک اسپانیا چندان موفقیت آمیز نبود. شارلمانی که قصد داشت مسلمانان را از اسپانیا بیرون براند، از راه رشته کوه های پیرنه وارد اسپانیا شد اما در ناحیه باسک توسط مردم این ناحیه مغلوب شد و کل عقبه سپاهش از میان رفت.

۹۸- هومر:

هومر شاعر و داستانسرای یونانی است. وی احتمالاً در حدود ۸۰۰ سال (بعضی این تاریخ را ۲۰۰۰ سال ذکر کرده) پیش از میلاد می زیسته است. این تنها چیزی است که درباره هومر می دانیم. تنها آثار به جای مانده از وی، دو گلچین شعر به نام های ایلیاد و ادیسه است. همه ی آنچه که ما درباره تاریخ و افسانه های یونان باستان می دانیم از موضوع های همین شعرها گرفته شده است.

زندگی او را در قرن نهم ق. م. نوشته اند. در پایان زندگی نابینا شد و از شهری به شهری می رفت و اشعار رزمی خود را به نوای چنگ میخواند.

هرودوت با قاطعیت نوشته است که داستانسرایی بنام هومر وجود داشته که در قرن نهم ق. م. می زیسته؛ از آنجایی که هرودوت بعنوان معتبرترین مورخ دوره باستان، مورد تأیید است، لذا می توان پذیرفت که هومر از اهالی ناحیه اسمیرنا یونان بوده که وقایع مربوط به جنگ تروا را

جمع آوری کرده و با لعابی از افسانه و جنبه‌های مافوق انسانی آمیخته است.

۹۹- ژوستینین یکم:

یوستی نیانوس یا ژوستینین یکم (زاده ۴۸۳ میلادی، درگذشته ۵۶۵ میلادی) امپراتور روم شرقی (بیزانس)، از سال ۵۲۷ میلادی تا زمان مرگش بود. او نزد کلیسای ارتدکس خاوری به قدیس یوستی نیانوس بزرگ شناخته شده است. او پس از عمویش یوستی نیانوس یکم دومین فرمانروا از دودمان یوستینی بود.

از کارهای یوستی نیانوس نوشتن قانون شهروندی روم و اصلاحات دیوانی و ارتشی بود. او امپراتور جاه طلبی بود و کوشید تا مرزهای پیشین امپراتوری روم را بازگرداند و این روم غربی و به ویژه شهر رم را نیز در بر می گرفت.

فرمانروایی او به شکوفایی فرهنگ بیزانسی انجامید. او سازه‌های چندی از خود به جا گذارد که برجسته ترینش کلیسای ایاصوفیه که تا سده‌ها مرکز کلیسای ارتدکس خاوری بوده است. یوستی نیانوس کوشش بسیاری برای گسترش مسیحیت نمود.

۱۰۰- مهاویرا:

مهاویرا (به معنی بزرگ قهرمان) (زاده ۵۴۰ قبل میلاد، درگذشته ۴۶۸ قبل میلاد)، بنیانگذار آئین جین و بیست و چهارمین پیشوا است.

مهاویرا در سده ۶ پیش از میلاد در یک خانواده اشرافی هندوستان زاده شد و معاصر بودا بود. وی در سی سالگی به طرد دنیای مادی کوشید و پس از ریاضت های طولانی به اندیشه های دینی خود دست یافت. او پس از گستردن آیین خود به سال ۵۲۶ قبل از میلاد درگذشت.

مهاویرا به پیروان عامی خود آموزش می داد تا کارمای خوب ایجاد کنند و به راهب ها می آموخت تا کارما را پایان ببخشند. او را در متون پالی بودایی، نیگانتا ناته پوته می نامند و در زمان خود بیشتر به این نام شناخته می شد.

او خود به آن گونه که تعلیم می داد زندگی کرد. یک زندگانی آرام و بدون تشویش و اضطراب، همراه با انکار نفس و بدون آزار و بدون نیایش. با این حال پیروانش وی را عبادت کرده و متون مقدس به جا مانده از او را به عنوان کسی که دارای صفات الهی است معرفی می کنند.

وی به عنوان یک معصوم مورد احترام و تکریم است. مهاویرا، که به حکمت دست یافته بود، خود هیچ گناهی مرتکب نشد. وی، فارغ از میل و نگاه به تاملات ریاضت منشانه خود مشغول بود و به هیچ کاری که آلوده به گناه بود دست نیالود. وی همچنین به عنوان یک عالم مطلق مورد احترام است.

خواهش ما از شما:

برادرانی که در چاپ این کتاب با ما همکاری می کنند، به آدرس ذیل

در تماس شود:

صفحه فیسبوک: «صفحه رسمی أبوشاکرمسلم»

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**